

# مافیای قضائی

این تحقیق در تاریخ مرداد 87 تا مهر 87 در نشریه انقلاب اسلامی در هجرت در شماره های 703 و 704 و 705 و 706 و 707 انتشار یافته است

این تحقیق از طرف همکاران نشریه تهیه شده است

تاریخ انتشار در سایت : شهریور 88

تنظیم: جهانگیر گلزار

## عنوان مطالب :

خمینی بنیان گزار مافیای قضاییه  
نقش روح الله خمینی در ایجاد دستگاه قضائی جنایت و ستمگستر آلت فعل  
«ولی فقیه»:  
خمینی خلخال را قاضی شرع می کند و او ماشین اعدام را بکار می  
اندازد:  
قوه قضائی که می باید مستقل می شد، آلت فعل خمینی و جانشین او  
گشت:  
سران و عناصر اصلی مافیای قضائی در دوران خمینی و تأسیس شکنجه:  
مافیای قضائی در دوران خامنه ای:

## چند تن از قاضیان عضو مافیای حاکم بر قوه قضاییه

- \* نامه عبرت آموز پسندیده برادر خمینی، به خمینی:
- \* دو دور کشتار جوانان توسط «قضات شرع»
- \* معرفی برخی از مقامات قضایی در ایران از بعد از انقلاب:

## قاضیان عضو مافیا که برخی از آنها در کشتار زندانیانو ترورهای

سیاسی نقش داشته اند  
\* بخشی از کتاب خاطرات آیت الله منتظری در بار کشتار زندانیان سیاسی  
در مراد - شهریور 1367 :  
\* قاضیان عضو مافیای حاکم بر قوه قضاییه که برخی از آنها در کشتار  
زندانیان و ترور فروهرها و نویسندگان نقش داشته اند:  
نامه سرگشاده به حجت الاسلام حسینیان درباره پرونده قتلهای 1377

مافیای قضایی : شبکه مافیایی زندانبانان

- \*متصدیان دستگاه قضائی خمینی در سالهای رواج جنایت:
- \* حامیان چماقدارانی که در 14 اسفند 59 به اجتماع مردم در دانشگاه حمله کردند:
- \* افراد مستقر در دادستانی و دادسرای انقلاب :
- \* معرفی این هفت گروه از سوی الویری :
- \* رؤسا و مدیران زندانها:

#### مافیای قضایی : شبکه مافیائی حجت الاسلام ها

- \* شبکه مافیائی «حجت الاسلام هائی» که قدرت آنها را حجت خشونت گرداند (دنباله):
- \* اعضای «ستاد حقوق بشر اسلامی» از جنایتکاران بنام:
- \* معرفی برخی از دادگاههای نظام ولایت
- 1 - دادگاه انقلاب :
- 2 - دادگاه ویژه روحانیت:
- 3- دادگاه ویژه مطبوعات:
- 4 - دیوان عدالت اداری:

## خمینی بنیان گزار مافیای قضاییه

قوه قضاییه ایران مافیای که حدود 30 سال گذشته با در اختیار داشتن چهره های مشخص و معروف و مسئله دار که برخی جاسوس بوده اند و برخی وابسته به سازمانهای اطلاعاتی کشورهای دیگر، از بدو انقلاب تا به حال، با توجه به قدرتی که به دست آورده اند چنان فضا را بر جامعه تنگ کرده اند که این اندازه خفقان را در دوران پهلویها ایرانیان به خود ندیده بودند. افشای حکم کتبی خمینی بر اعدام زندانیان در زندانهای ایران، یکی از حکم های افشا شده این بانی دستگاه قضائی ستمگستر و بساط جلادی و کشتار زندانیان است. او فرمان قتل جوانان کشور را در زندانها صادر کرد و گماشتگان او در دستگاه قضائی، آن را به شدیدترین شکل به اجرا گذاشتند . قول خلخالی که بر این که «از امام حکم دارم» و قولهای دیگران حاکی از اینند که خمینی از ابتدای انقلاب چندین بار از این گونه احکام برای سرکوب مردم به خصوص بعد از کودتای سال 60 صادر کرده است.

در زیر یک نمونه از این احکام که در رابطه قتل جوانان در زندانهای ایران در سال 67 صادر شده بود را می آوریم تا نوع قضا و قضاوت و برخی از چهره های ماندگار قوه قضاییه ایران شناخته تر شوند:

کشتار حدود 3000 تن از مخالفین(به آمار سازمان مجاهدین 4672 نفر و بر طبق آمار آیتالله منتظری 2800 یا 3800 نفر" خاطرات آیت الله منتظری، ج1، ص620 " درون زندانها در سال 67 که بدستور خمینی انجام گرفت، یکی از سیاهترین و شقاوت بار ترین جنایت های سده اخیر بود. برای درک بزرگی این جنایت، شمار قربانیان این کشتار را با قربانیان انقلاب مقایسه می کنیم: طبق آمار رسمی بنیاد شهید، مجموع قربانیان انقلاب ایران از سال 42 تا 57، 3164 تن بوده اند ("بررسی انقلاب ایران، عمادالدین باقی، نشر سرایی، چاپ سوم، 1383، ص430. برای تحلیل آماری ر.ک به صص 428،433)

بدین ترتیب، تنها با یک حکم خمینی، در شهریور 67 بیش از 3400 تن را روانه قبرستان کردند. به سخن دیگر، تنها یک کشتار برابر و یا بیشتر از اعدامها و کشته ها در 15 سال سلطنت محمد رضا پهلوی است. بسیاری از زندانیان که حکم محکومیت چندساله داشتند و ایام محکومیت خود را می گذراندند، با آن حکم کتبی آیتالله قتلعام شدند. متن حکم خمینی به شرح زیر است:

بسم الله

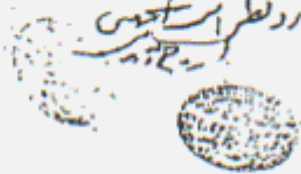
پدر بزرگوار حضرت امام مرتضیٰ علیه السلام بر از عرض مردم آیت پروردار وسیع در مورد حکم اخیر حضرت عالی در باره منافقین ابلاغ  
داشتند که تلقین در سرشان مخرج کردند

- ۱- آیه این حکم نیز بی ربط است بآنچه که در روزنامه آورده اند و گمان شده اند و محکم با معام شده اند ولی تمیز بر وضع نزاعه اند  
و هرگز حکم در مورد آنها اجراء نشده است بآنچه که گفته اند و محکم با معام اند
- ۲- آیه منافقین که قبلاً محکم بر زبان ممدوی شده اند از روزی روزگارشان را هم کشیده اند ولی بر وضع نفاق می باشد  
محکم با معام می باشد
- ۳- در مورد رسیدگی به وضع منافقین آیا پرونده مرتضیٰ علیه السلام در سرش عالی که خود استعدال تلقین داده اند از جامع روز است  
نیستند باید برگزینان از سال گذشته یا خود سیرت اند تا سینه مهر کنند

فرزند شایسته

بسم الله

در تمام موارد فوق هرگز در هر صده  
آنگاه بر نفاق باشد محکم با معام است  
برینا دشمنان اسلام را نابود کند  
در مورد رسیدگی به وضع پرونده او در  
در صورت که حکم سرگشته اجراء کرد  
همان سرور نظر است تحقیق



"از آنجا که منافقین خائن به هیچ وجه به اسلام معتقد نبوده و هر چه  
میگویند از روی حیله و نفاق آنهاست و به اقرار سران آنها از اسلام ارتداد  
پیدا کرده اند، و با توجه به محارب بودن آنها و جنگهای کلاسیک آنها در شمال و  
غرب و جنوب کشور با همکاریهای حزب بعث عراق و نیز جاسوسی آنان برای صدام  
علیه ملت مسلمان ما، و با توجه به ارتباط آنان با استکبار جهانی و

ضربات ناجوانمردانه آنان از ابتدای تشکیل نظام جمهوری اسلامی تاکنون، کسانی که در زندانهای سراسر کشور بر سرموضع نفاق خود پافشاری کرده و می‌کنند محارب و محکوم به اعدام می‌باشند و تشخیص موضوع نیز در تهران با رای اکثریت آقایان حجه الاسلام نیری دامت افاضاته (قاضی شرع) و جناب آقای اشراقی (دادستان تهران) و نماینده ای از وزارت اطلاعات می‌باشد، اگر چه احتیاط در اجماع است، و همین طور در زندانهای مراکز استان کشور رای اکثریت آقایان قاضی شرع، دادستان انقلاب و یا دادیار و نماینده وزارت اطلاعات لازم الاتباع می‌باشد، رحم بر محاربین ساده اندیشی است.

برای این که در بی‌رحمی محلی برای تردید نماند، در پاسخ به پرسشهای موسوی اردبیلی دستور می‌دهد:

در پشت این نامه دستخط سیداحمد خمینی به چشم می‌خورد که 3 سئوال را مطرح ساخته است:

" پدر بزرگوار حضرت امام مدظله العالی پس از عرض سلام، آیت الله موسوی اردبیلی در مورد حکم اخیر حضرتعالی درباره منافقین ابهاماتی داشته اند که تلفظی در سه سئوال مطرح کردند:

1 ، آیا این حکم مربوط به آنهاست که در زندانها بوده اند و محاکمه شده اند و محکوم به اعدام گشته‌اند ولی تغییر موضع نداده‌اند و هنوز هم حکم در مورد آنها اجرا نشده است، یا آنهايي که حتي محاکمه هم نشده‌اند محکوم به اعدامند؟

2 ، آیا منافقین که محکوم به زندان محدود شده اند و مقداری از زندانشان را هم کشیده اند ولی بر سرموضع نفاق می‌باشند محکوم به اعدام می‌باشند؟

3 ، در مورد رسیدگی به وضع منافقین آیا پرونده‌های منافقینی که در شهرستانهایی که خود استقلال قضائی دارند و تابع مرکز استان نیستند باید به مرکز استان ارسال گردد یا خود می‌توانند مستقلا عمل کنند؟" متن نامه در خاطرات آیت‌الله منتظری، ج1، ص625

در پایین 3 پرسش به خط سیداحمد، پاسخ خمینی به همراه مهر و امضا به چشم می‌خورد:

«در تمام موارد فوق هر کس در هر مرحله اگر بر سر نفاق باشد حکمش اعدام است، سریعاً دشمنان اسلام را نابود کنید، در مورد رسیدگی به وضع پرونده‌ها در هر صورت که حکم سریعتر انجام گردد همان مورد نظر است.» (خاطرات آیت‌الله منتظری، ج1، ص625. برای کلیشه تصویر این نامه‌ها نگاه کنید به خاطرات آیت‌الله منتظری، ج1، ص627، 626)

## نقش روح الله خمینی در ایجاد دستگاه قضائی جنایت و ستمگستر آلت فعل «ولی فقیه»:

رژیم ولایت فقیه از بدو ایجاد تا کنون، به استناد این قول خود ساخته که روحانی از سوی خدا لایق قضاوت بوده است، قضاوت را «حق انحصاری» طبقه روحانی، آن هم از نوع معتقد به ولایت مطلقه، شمرده است. در تاریخ قوه قضاییه ایران، از بدو انقلاب، همواره جنایتکارترین و مستبدترین انسانها در راس و یا در بدنه این قوه قرار داشته اند.

با مشاهده هویت برخی از این افراد متوجه می‌شویم که چرا اینان به کار قضائی گماشته شده اند. استبداد فراگیر با تقدم مطلق مجیشیدن به مجازات و جعل جرم و تعیین شقاوت بارتترین مجازاتها شروع می‌شود. وقتی در پی یک انقلاب مردمی، افرادی منصب قضاوت جستند که تنها در مدت چند ماه حدود 10 هزار نفر را با احکام خود ساخته اعدام کردند، همگان می‌باید در می‌یافتند که چه نوع استبدادی در حال استقرار است. اما آنها که باید می‌دانستند روزش هم خودشان قربانیان همین دستگاه خواهند شد، «اعدام باید گردد» را شعار کردند و در برابر مدافع سرسخت آزادی و استقلال ایران، جانب استبدادیان را گرفتند.

دو نوبت اعدامهای گسترده توسط قضاوت و حکام شرع در زمان خود خمینی و صدها اعدام در دوران خامنه‌ای توسط همان حکام شرع و قضاوت منصوب «مقام معظم» انجام گرفتند.

• نوبت اول، در چند ماه میانی سال 60، بعد از کودتا، اتفاق افتاد و نوبت دوم در سال 67 با حکم خمینی. در هر دو نوبت، افرادی در رأس این قوه

قرار گرفته بودند و دستور به اعدام و قتل و ترور می دادند که بعضی از آنها تا به امروز نیز در همین قوه به حرفه جنایت مشغولند. این افراد در این قوه دیگر تنها بخاطر آسوده شدن خاطر «مقام معظم رهبری» نیست که جنایت را حرفه خود کرده اند. برای آن نیز هست که از گرفتار محاکمه در دادگاه عدل شدن نیز وحشت دارند و برای آنکه وضعیت همین که هست بماند، به هر جنایتی دست می زنند.

دستورهای اعدام جوانان این کشور از سوی خمینی که ولی فقیه بود و خامنه ای که ولایت مطلقه یافته است صادر گشته اند و می شوند و از سوی حکام شرع و قضات که قضاوت را جنایت می انگارند، به اجرا در آمده است.

اسامی تعدادی از شاگردان خمینی اعم از آنهایی که در قید حیات هستند و یا نیستند، آورده شود هر کدام از این افراد در مسندهای قضایی امر بسیاری از قتل ها شده اند و برخی نیز در مقامهای دیگر حامی جنایتکار بوده اند:

سید محمد حسین بهشتی، حاج شیخ علی قدوسی، سید عبدالکریم هاشمی نژاد، محمد مهدی ربانی املشی، محمد علی حیدری نهاوندی، حاج سید علی خامنه ای، حاج شیخ علی مشکینی، حاج شیخ علی اکبر هاشمی رفسنجانی، حاج شیخ عبدالله جوادی، حاج شیخ ابراهیم امینی نجف آبادی، حاج شیخ احمد جنتی، حاج شیخ ابوالقاسم خزعلی، حاج شیخ حسین نوری همدانی، حاج شیخ محمد یزدی، حاج شیخ محمد موحدی فاضل لنکرانی، حاج شیخ عباس محفوظی گیلانی، آقای حاج شیخ محمد محمدی گیلانی، حاج شیخ جعفر سبحانی، حاج شیخ حسین راستی کاشانی، حاج شیخ غلامرضا رضوانی، شیخ یحیی انصاری شیرازی، شیخ حسین شب زنده دار، شیخ محمد مؤمن قمی، حاج شیخ مرتضی مقتدائی، حاج شیخ محمد رضا مهدوی کنی، حاج شیخ محمد تقی مصباح یزدی، حاج شیخ یوسف صانعی، حاج شیخ حسین مظاهری، حاج شیخ محمد امامی کاشانی، سید حسن طاهری خرم آبادی، حاج شیخ صادق خلخالی، محمد هاشمیان کرمانی، موحدی کرمانی، حاج شیخ عباسعلی عمید زنجانی، شیخ حسین مفیدی دلیجانی، حسین زرنندی قمی، شیخ مجتبی تهرانی، شیخ محمد علی گرامی، شیخ محمد جواد حجتی کرمانی، شیخ علی اصغر مروارید، شیخ غلامرضا صلواتی، شیخ محمد صادق تهرانی و...

همچنین کسانی نیز بودند که شاگرد ایشان نبودند اما با ایشان در ارتباط بودند از جمله:

مبشری، رهبرپور، پور محمدی، محسن اراکی، عباسعلی علیزاده، فلاحیان، محسنی اژه ای، محمدی گلپایگانی، میر حجازی و...

• به نوشته آبراهامیان از سوی خمینی برای اعدام گسترده در سال 67 در شهر تهران 16 نفر مشخص شدند که عبارت بودند از:

نمایندگانی از سوی شخص امام، رئیس جمهور، دادستانی کل، دادگاه انقلاب، وزارت دادگستری، واواک و مدیریت زندان اوین و گوهردشت. سرپرستی هیات برعهده مرتضی اشراقی گذارده شده بود که دو دستیار ویژه داشت، حجت الله نیری، (نیری حسینعلی (جعفر) و حجت الاسلام مبشری (علی مبشری ریاست دادگاه انقلاب اسلامی مرکز) در پنج ماه بعدی این هیات توسط بالگرد از اوین به گوهردشت در رفت و آمد بود. نام این هیات را "هیات مرگ" گذارده بودند «) پرواند آبراهامانیان، اعترافات شکنجه شدگان زندان ها و ابرازندامت های علنی در ایران نوین)

در میان افراد کمیسیون مرگ نمایندگان از سوی آقایان زیر قرار داشتند

نمایندگان خمینی

رئیس جمهوری، علی خامنه ای

دادستانی کل، موسوی خوئینی ها، مرتضی اشراقی، اسدالله لاجوردی

دادگاه انقلاب، حجت الاسلام مبشری

- وزارت دادگستری، حسن حبیبی

واواک، ریشهری، علی فلاحیان، مصطفی پور محمدی، محسنی اژه ای، حسینیان و

...  
- حاکم شرع زندان اوین، نیری

- مدیریت زندان اوین و گوهردشت

لازم به ذکر است که در این اعدام ها، حکومت میر حسین موسوی و برخی

از اصلاح طلبان از جمله سعید جاریان، رضا تهرانی، نعیمی پور، ابراهیم

اصغرزاده، عباس عبدی، تاج زاده، تاجیک، محسن امین زاده، محسن

میردامادی، علوی تبار و... نیز در میان دار و دسته های فوق مشغول به کار بازجویی و... بوده اند.

با شروع انقلاب و ایجاد قوه ای به نام قوه قضاییه که باید در واقع در آن رفت و مهربانی و عفو اسلامی دیده می شد، به ناگاه با پدیده ای به نام خشونت و کینه و انتقام روبرو شدیم که این ریشه در افکار آقای خمینی و دیگر روحانیون خارج شده از حوزه های علمیه قم داشت. این کینه و نفرت آنان از مردم و جوانان به این دلیل بود که آنها از سوی مردم به عنوان افرادی صادق و راستگو و دارای استعداد به حساب نمی آمدند و آنها را نمی پذیرفتند و به خوبی می دانستند که این افرادی که در راس کار قرار گرفته اند لیاقت ریاست و مدیریت این مردم را ندارند. به همین دلیل زیاد روی خوش به آنان نشان نمی دادند و روحانیت نیز این را به خوبی میدانست که این پست و مقامی را که اشغال کرده است نه از بابت لیاقت او بوده است، بلکه از بابت سادگی مردم بوده است و به زودی نوبت رهایی این مقامها و پست ها فرا می رسد و برای از دست ندادن این قدرت باد آورده مجبور بودند که به هر صورت که می توانند این مقامها و قدرت را حفظ کنند و برای این کار از همان روز اول در برابر اندیشه ها و تلاش آزادیخواهانه ملت ایران شمشیر را از رو بستند.

آنها بر اساس نظر خمینی که روحانیت مساوی با اسلام است و اینکه فقیه در امر قضاوت ارجح بر همه است زیرا شأن روحانیت از نظر معنوی و فقهی بالاتر از دیگران است، خود را لایق قاضی گری شمردند و چون شرائط قاضی، از جمله داشتن درجه اجتهاد جامع الشرائط فاقد بودند، خمینی گفت: کافی است قاضی نزدیک به درجه اجتهاد باشد.

آنها به خوبی می دانستند که اگر در شرایط آزاد در برابر مردم قرار بگیرند می باید به حرفه خود که پرداختن به معنویت و فراخواندن به معنویت و بسی ارزشمند بود، باز پردازند. اما شیفته قدرتی بودند که اسلام ضد ارزش می داند و فکر بازپرداختن به معنویت و دور شدن از قدرت را به خود راه نیز نمی دادند. روحانیان قدرت طلب فکر بازگشت دوباره به آن کار ارزشمند را تجدید فریب مشروطیت می خواندند و طالب به انحصار خود در آوردن دولت و اقتصاد و تحت ولایت مطلقه در آوردن انسان ایرانی بودند. چنانکه بعد از انقلاب، خمینی نتوانست دوری از قدرت و رفتن به قم را تحمل کند. به تهران بازگشت تا با کمک کودتا گران قدرت مطلق را از آن خود و گروه روحانیون مانند خود کند.

## خمینی خلخال را قاضی شرع می کند و او ماشین اعدام را بکار می اندازد:

کشتار با صدور حکم انتصاب خلخال به مقام قاضی شرع از سوی خمینی شروع شد در آن زمان که همه یکصدا شعار «اعدام باید گردد» را سر می دادند، بنی صدر می گفت: با اعدام مخالفم. اینها اعدام را با بدها شروع می کنند و به خوب ها ختم می کنند. ولی به این هشدار توجه درخور نشد. خلخال با دستور مستقیم خمینی محاکمه ها را بدون وکیل و بی آنکه بگذارد مراحل قانونی طی شوند، انجام می داد. بدون ایجاد دادگاه و تنها به این عنوان که در رژیم شاه صاحب مقامی بوده است، دست به کشتار سران و مأموران آن رژیم زد. صبح روز بعد از اعدام نخستین گروه افسران ارشد، خمینی در مقام توجیه گفت: اینها مجرم بوده اند. محاکمه لازم نداشته اند. احراز هویت کافی بوده است. نخستین اعتراض سخت بنی صدر به او در همین روز بود. توجیه او نزد بنی صدر این بود که اولاً ارتشبد نصیری، در گفتگوهای تلویزیونی که با او انجام شده، با حرکات دست به مأموران رژیم سابق دستور ترور می داده است و ثانیاً □ چپی ها تبلیغ می کنند که ما با سران رژیم شاه ساخته ایم. بنی صدر به او پاسخ می دهد: اما شما وعده عدل و رأفت اسلامی می دادید. پیامبر شما، بهنگام ورود پیروزمند به مکه، عفو عمومی داد. قرار نبود چپی برای شما تعیین تکلیف کند و زیر فشار آنها، اجازه بدهید اشخاص را بدون محاکمه اعدام کنند. خمینی گفته بود: آقای خلخال مجتهد است و عمل خلاف شرع نمی کند. او اینها را محاکمه کرده است. بنی صدر به او پاسخ داده بود: اگر این طور است چرا گفتید: اینها مجرم بوده اند و محاکمه لازم نداشته اند؟

بعد از آن، خلخالی به کشتن قاچاقچیان پرداخت و در این کار تا حدی پیش رفت که بی گناه ها - از دید خود - را نیز اعدام کرد. در مقام توجیه گفت: اشکالی ندارد. اگر اعدام شده گناهکار بوده که به کیفر خود رسیده است و اگر بیگناه بوده شهید محسوب می شود! خلخالی این توجیه را از چه کسی آموخته بود؟ از قرآن که قتل یک بی گناه را برابر قتل تمامی انسانیت می داند و یا از علی (ع) که می گفت: اگر در میان صد مقصر یک بی تقصیر باشد، باید از مجازات آنها چشم پوشید تا مبادا به یک بی گناه ظلم شود؟ او این توجیه را از کسی آموخته بود که می گفت: اگر میان صد تن 99 تن بی تقصیر باشند و ندانیم نفر صدمی که گناه کرده چه کسی بوده، همه 100 تن را می باید مجازات کرد. اعدامهای با گناهان و بی گناهان اعتراض خمینی بر نیانگیختند. پس او پیرو روش دوم بود و دورتر، قول او را می آوریم. لازم به یادآوری است که از جریان قضاوت خلخالی فیلمی تهیه کردند: افراد در صفی طولانی می ایستادند و یک به یک، در برابر خلخالی قرار می گرفتند. خلخالی برگه ای که بر آن اسم و رسم کسی نوشته شده بود که در برابرش قرار می گرفت، بر می داشت و بر آن میزان مجازات او را می نوشت. بنی صدر روحانیان سرشناس را به نزد خود دعوت کرد و آنها این فیلم را دیدند. اما در متوقف کردن این روش جنایت کارانه کاری از آنها ساخته نشد زیرا بنا بر استفاده از حربه قضائی برای استقرار استبداد فراگیر ملاتاریا بود.

بعد از آن، خلخالی به جریانات سیاسی و قتل و اعدام مبارزان پرداخت. در کردستان و ترکمن صحرا، دست به جنایات فجیعی زد. در جریان ترکمن صحرا بدون هیچ محاکمه ای سران آن را توسط محسن رفیق دوست و تنی چند از پاسداران دیگر، در جنگلهای شمال تی رباران کرد. در آن زمان، سپاه پاسداران یکی از بازوهای خلخالی و همانندهای او این جنایات بود. در همان ماجرای ترکمن صحرا، برای اولین بار در ایران گور دسته جمعی اعدامی های بدون محاکمه پیدا شد. حدود 25 نفر در بیابانهای منطقه ترکمن صحرا پیدا شدند که از ناحیه سینه تیر خورده و یک جا دفن شده بودند. البته در آن زمان سپاه پاسداران و یاران امام زمان مانند امروز با چاپ اطلاعیه ای از سوی یک گروه کمونیستی قصد داشت در اذهان عمومی انحراف ایجاد کند و جنایت را به گردن دیگران بیندازد. مانند ماجرای انفجار حرم امام رضا و کشتن سیاسیون در سال 76 و دادن اطلاعیه هائی از سوی گروه نواب صفوی.

باری، گرچه بنی صدر موفق شد دست خلخالی را از قضاوت کوتاه کند، اما همانندها و بلکه بدتر از او ها جای او را گرفتند. طوری که در مجلس، خلخالی خطاب به حاکمان جدید گفت: اگر من 550 نفر را اعدام کردم، شما گله گله اعدام می کنید. بنای دستگاه قضائی که گله گله اعدام می کرد، خمینی و منصوبان او موسوی اردبیلی و بهشتی بودند.

کار قضائیان که این دو بکار گماردند، به گونه ای بود که همه می گفتند خدا پدر خلخالی را بیامرزد! این دو با تشکیل شورای عالی قضائی ساختگی و تهیه قانون قصاص دست جنایتکاران را در اعدام جوانان باز گذاشتند. بهشتی بود که برای اولین بار در ایران دستور توقیف فله ای روزنامه ها را داد. اعتراض بنی صدر به این توقیف و حمایت خمینی از این توقیف و شتاب بخشدن به واپسین مرحله کودتا و کشته شدن بهشتی و حدود 120 تن دیگر در انفجار ساختمان حزب جمهوری اسلامی، رشته بهم پیوسته رویدادها را تشکیل دادند. شگفت این که دستگاه قضائی که بهشتی از سازندگانش بود، پرونده قتل او را بایگانی کرد. غاصبان دولت، به نوبت، جنایت را به کسانی نسبت دادند که می خواستند از سر راه بردارند. سرانجام گفتند انفجار کار مجاهدین خلق نبود. پس کار چه کسی بود و چرا پرونده را بایگانی کردند؟ اینگونه پرسشها پاسخ نیافتند و از این پس نیز پاسخ نخواهند یافت.

با رییس جمهور شدن بنی صدر و نشر افکار آزادی خواهانه او گروه قدرت طلب که قدرت را در حال از دست دادن می دید دست به کارهایی زد که نتایج آن را امروز می توان دید.

## قوه قضائی که می باید مستقل می شد، آلت فعل خمینی و جانشین او گشت:

قوه قضائیه در ایران از روز اول که توسط ولی فقیه پایه گذاری شد، نه از اصل استقلال قاضی و قوه قضائی که از هدفهای انقلاب ایران بود، که از



نیاز استبداد فقیه برای استقرار، تبعیت کرد. بر خلاف نوشته ها و گفته های بزرگان دین و اصل استقلال قاضی و قوه قضائی که پذیرفته شده «فقه جواهری» بود، از عدالت بیگانه و با قدرت طلبی یگانگی جست. در قوه قضائیه ایران افرادی منصب قضاوت جسته اند که کاری به عدالت ندارند و تنها در فکر حفظ ولایت خمینی بودند و همه چیز را بخاطر استقرار استبداد وی و موقعیت و ثروت جوئی خویش، قربانی کردند. با پیروزی انقلاب، شروترین حکام شرع بر استانهای ایران حاکم شدند. معروفترین آنها خلخالی بود که افتخار می کرد هر کس را که لازم باشد اعدام می کند و می گفت که حکم من را امام خمینی داده است. بعد از او، کسانی مانند موسوی اردبیلی و ربانی املشی و محمدی گیلانی معروف به قصاب اوینپ و قدوسی و رئیس همه آنها، محمد حسین اصفهانی یا دکتر بهشتی بودند.

بر طبق قانون، قاضی نمی توانست عضو حزب باشد در حالی که بهشتی رئیس دیوان عالی کشور، دبیر حزب جمهوری اسلامی بود. او قوه قضائیه ایران را به بیراهه ای انداخت که همچنان در آن به پیش می رود: قاضی و حاکم شرع و دادستان و رییس دادگاه و ... همه، مستقیم یا بواسطه، منصوب ولی فقیه هستند و باید بر اساس خواست و دستور رهبری عمل کنند و مخالفت با دستگاه ستم گستر را ناممکن کنند.

در آن سالها، قاضی و حاکم شرع به کسی گفته می شد که منویات خمینی و دیگر مستبدان را بی اعتناء به میزان عدل و بی توجه به احقاق حق، متحقق سازد. همه این قضات، اعم از خلخالی و ربانی املشی و محمد حسین بهشتی و علی قدوسی و موسوی اردبیلی و محمد حسین تبریزی و موسوی خوئینی ها و احمد جنتی و محمدی گیلانی و خزعلی و ری شهری و فهیم کرمانی و محمد یزدی و محمود شاهرودی و دری نجف آبادی و محسن اراکی و رازینی و ... همه و همه، بر اساس نیاز بساط استبداد گسری خمینی، به کار قضاوت پرداختند و در نهایت همین افراد بودند که جرائم مرتد و ناصبی و محارب و ... ساخته ساختند و مجازاتشان را اعدام کردند. بدین جرم تراشی بسنده نکردند و «مفسد فی الارض» را جرم گردانند و خود را صالح برای تشخیص مصداق آن گرداند و در جنایت بی محابا شدند. هر کس را بر اساس خواست ولایت و حاکمیت با زدن بر چسبی، بدون ترحم، به اعدام محکوم کردند.

به جاست به این نکته اشاره کنیم که وقتی منتظری متوجه شد که آنها با استفاده از نظر وی دست به جنایت می زنند و پی برد که نظر فقهی او برخلاف بوده است، از قاضیان خواست به استناد نظر فقهی او اشخاص را محکوم نکنند. او به خمینی مراجعه کرد. خمینی به او گفت: آنها به فتوای شما عمل می کنند. منتظری پاسخ داد: اگر هم فتوی بوده است، من از آن عدول کرده ام. خمینی به او پاسخ داد: اما آنها می توانند به فتوای سابق شما عمل کنند! بنی صدر در مورد سوء استفاده خمینی از نظر فقهی منتظری در آن سالها می گوید:

« آقای منتظری در پاسخ به سئوال آقای حسن رضائی در باره نحوه توجیه فقهی اعدام هایی که حتی در قلمرو فقه سنتی هم نمی گنجند و به ویژه بحث توسعه قلمرو افساد فی الارض و کاربرد آن در باره مخالفان سیاسی مسلمان، ما را از «فریب فقهی» بس حیرت انگیزی آگاه می کند: آقای منتظری در پاسخ خود توضیح می دهد که، در آن سالها، او بدون توجه به اینکه دادگاه های انقلاب چه نقشه ای در سر دارند نظر فقهی اش این بوده است که عنوان افساد در آیه محاربه (مائده آیه 33) عنوان مستقلی است. معنای این نظر فقهی این است که علاوه بر جرم سنتی محاربه، عنوان جزایی دیگری هم به نام مفسد فی الارض وجود دارد که بنابراین می توان برایش مجازات محارب را تعیین کرد. وی در این پاسخ تصریح می کند که او نظرش را اصلاح کرد و قول خود را پس گرفت، اما آقای خمینی در همان حال که خود حاضر نبود در پاسخ به رئیس قوه قضائیه وقت چنین فتوایی را بدهد، در جواب رئیس قوه نوشت: "مجازید به نظر آقای منتظری عمل کنید". و پس از صدور این جواز بود که شمار اعدامی ها تحت عنوان مفسد فی الارض روز افزون شد.

آقای منتظری متوجه امر می شود و توسط آقای احمد خمینی به آقای خمینی اعتراض می کند و اظهار می کند اجازه نمی دهم به استناد فتوای من افراد را اعدام کنند. ولی آقای خمینی به این اعتراض وقعی نمی نهد و به قضات پیام می دهد: "در عمل به فتوای کسی اجازه و رضایت او شرط نیست" و قاضی می تواند

به فتوای پیشین وی عمل کند! » ( بنی صدر ، پرسش از رضایی و پاسخ از بنی صدر ، قرآن کلام خدا یا محمد ، بخش سوم ) .

در دوران ریاست جمهوری بنی صدر که از شکوفا ترین دوره های مبارزه با استبداد فقیه و قضاات جنایتکار بود، او می گفت :

«...به خدا کسی امنیت ندارد و دستگاه قضائی، بیشتر اسباب سلب امنیت را فراهم می آورد تا امنیت را. جدا این وضعیت خوش سرانجام نیست.» (نامه بنی صدر به آقای خمینی، 3 مرداد 1359؛ نامه ها از بنی صدر به خمینی و دیگران، ص82)

در مورد بهشتی و مقام قضایی او، بنی صدر به این نکته اشاره کرد و گفت:

«بنابر قانون، قاضی نمی تواند عضو حزب باشد، رئیس دیوان عالی کشور عضو و دبیر کل حزب جمهوری است.» ( انقلاب اسلامی، 13 خرداد 60 )  
اما استبداد در حال استقرار، به دلیل نیاز به دستگاه قضائی آلت فعل، افرادی را پیدا می کرد که در خط او باشند و در فریب و دروغ همانند وی . در زیر دیده می شود که رییس دیوان عالی قضایی چگونه دست به مردم فریبی میزند:

بهشتی به این سخن بنی صدر واکنش نشان داد و گفت:  
«مطابق کدام قانون، قاضی نمی تواند عضو حزب باشد؟ مثل اینکه قوانین آن قوانینی است که در ذهن ایشان هست و باید بگویم کجاست آن قوانین؟!»  
(انقلاب اسلامی، 14 خرداد 60 )

به دنبال این دروغگوئی بهشتی، برخی ها شک کردند که نکند صاحب یک مقام قضایی می تواند عضو حزبی باشد و مشکلی ایجاد نشود. نکند رئیس جمهوری دروغ گفته باشد . از این رو، روزنامه انقلاب اسلامی در پاسخ به بهشتی، ماده ای از قانون را به شرح زیر انتشار داد: « آقای بهشتی! طبق این قانون:

ماده 52 قانون اصول تشکیلات عدلیه : بمنظور حفظ بی طرفی کامل در انجام وظیفه و رعایت احترام شئون قضایی، عضویت متصدیان مشاغل قضایی در احزاب سیاسی، جمعیت های وابسته به آنها و هر گونه تبلیغات حزبی و انتشار روزنامه یا مجله سیاسی و حزبی ممنوع است. تخلف از مفاد این ماده موجب تعقیب دادگاه عالی انتظامی و انفصال از خدمات قضایی خواهد بود.» ( انقلاب اسلامی، 14 خرداد 60 )

البته نه تنها طبق قانون بهشتی از کار منفصل نشد که دخالت وی در امور سیاسی بیشتر شد. این او بود که با توقیف فله مطبوعات، به کودتای خرداد 60 شتاب بخشید. هرچند او خود نیز در 7 تیر کشته شد اما دستگاہی که ساخته بود، ماشین اعدام را بکار انداختن و برخی روزها 400 تا 500 مبارز را اعدام کرد.

در اینجا ذکر این نکته لازم است که همه اتفاقات قضایی و جنایت ها از خود آقای خمینی صادر می شد وی زمانی که به قدرت رسید به تمام آنچه که قبل از انقلاب بنا بر مصلحت گفته بود پشت پا زد و کرد آنچه را که نمی بایست می کرد . او در بسیاری از موارد ، ابتدا مطلب و دستوری را برای مبارزه با آزادی ها و ایجاد خفقان و استبداد می گفت و می داد و گماشتگان بی واسطه و با واسطه او، بر اساس گفته وی، عمل می نمودند و البته شدید تر

در این بخش گفته های نوه و پسر او و آیت الله گرامی و علی تهرانی را در مورد روحیه خشونت طلب خمینی نقل می کنیم:

• «حسین خمینی [نوه آقای خمینی و پسر آقا مصطفی] روزهای قبل از کودتای خرداد 60 آمد پیش من و گفت پدرم می گفت: خدا نکند که شاه برود و پدرم (خمینی) مصدر قدرت بشه. او صد بار از شاه بدتر است. من همیشه دعا می کنم بجای شاه ما زمامدار نشویم. این پدری که من می شناسم بسیار بیشتر از شاه آدم خواهد کشت. گفتم: این را چرا روز اول نگفتی؟ حالا دیگر آخر کاره چرا می گی؟ اگر روز اول گفته بودی، حواس ما به این اقا جمع می شد.» ( بنی صدر ، درس تجربه ص 133 و خیانت به امید، ص183 )

«فرزند آقای شیرازی از قول احمد خمینی گفته است: بنی صدر پدر مرا نشناخته است. او کار بنی صدر را تمام می کند و از جهت شرعی وجهش را هم درست می کند. کار بنی صدر تمام است. مجلس او را عزل می کند مگر اینکه با

بهشتی و خامنه‌ای و رفسنجانی و اینها دست بیعت بدهد.» ( بنی صدر - کتاب خیانت به امید، ص 17 ) .

«شیخ علی تهرانی آمد پیش من وگفت به آقای خمینی گفتم: شما در نصب رئیس دیوان کشور، دادستان کل و موارد دیگر برخلاف قانون اساسی عمل کردید. جواب داد: بله، اما خلاف قانون اساسی عمل کردن خلاف شرع نیست.

باز، شیخ علی تهرانی می‌گفت: در زمان حکومت مصدق به همراه عده‌ای از روحانیون به آیت‌الله بروجردی مراجعه کردیم و به او گفتیم: آقا ملاحظه می‌فرمایید که شاه دیگر نمی‌تواند حکومت کند و مصدق هم دولتی قوی ندارد، چرا فرصت را مغتنم نشماریم و حکومت شرعی تشکیل ندهیم؟ گفت: ما روحانیون حکومت شرعی تشکیل دهیم؟ گفتیم: بله. چرا که نه. فکر می‌کنید از عهده به دست گرفتن حکومت برنماییم؟ گفت: ما روحانیون، حکومت تشکیل دهیم؟ گفتیم بله به نظر ما رسیده که فرصت

مناسب پدید آمده است. گفت: ما صد بار از اینها که حکومت می‌کنند آدم‌کش تر و ظالم‌تر هستیم. بروید مشغول کارتان شوید و گرد این حرفها نچرخید.» (بنی صدر ، یادداشت‌های 13 شهریور 60؛ خیانت به امید، ص 133 )

• آیت‌الله محمدعلی گرامی، در خاطراتش به همین ملاقات با بروجردی پیرامون تشکیل حکومت اشاره می‌کند و می‌نویسد:

«بروجردی گفت: حالا شما می‌گویید شاه را بیرون کنیم و چه کسی را جایش بگذاریم؟ فکر کردید اگر کار را دست این آقایون روحانی بدهیم وضع بهتر می‌شود؟ سپس به شخصی معمم اشاره کرد و گفت: این همان دکتر اقبال [مخست‌وزیر] است، با ریش و عمامه.» (خاطرات آیت‌الله محمدعلی گرامی، به کوشش محمدرضا احمدی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1381، ص 129 ) .

• پسر آیت‌الله محلاتی برایمان نقل کرد، هنگامی که پدرم نامه مورخ 59/4/25 را برای آقای خمینی نوشت و بن داد که نامه را بدست ایشان برسام. نامه را گرفته و به بیت آقای خمینی بردم. موقعی که خدمت آقای خمینی رسیدم آقای خلخالی و دو آخوند دیگر نزد وی بودند، آقای خمینی به خلخالی گفت: اگر صد نفر باشند و به سه تایی آنها مشکوک باشید، هر صد نفر را بکشید. (خوزستانی ، مقاله تحریف کدام اندیشه‌ها، کدام ارزشها، به نقل از کتاب آقای محمد جعفری )

• به نقل از بنی صدر: «لاهوتی به ما گفت: رفتیم باهاش (خمینی) صحبت کردم و گفتم شما سرنوشت خودتان را به این 3 نفر (بهشتی، خامنه‌ای، رفسنجانی) وصل نکنید. اینها منفورند. خمینی گفت: من فکری برای این سه نفر می‌کنم. اما اگر 50 هزار نفر هم کشته شوند باید حکومت روحانی در اینجا برقرار شود.» (بنی صدر ، کتاب درس تجربه، ص 138 ) .

• خمینی وقتی با افشاگری های مطبوعات در مورد حاکمیت استبدادی خود و یارانش مواجه شد گفت :

«... اگر ما از اول که رژیم فاسد را شکستیم و این سد بسیار فاسد را خراب کردیم، به طور انقلابی عمل کرده بودیم، قلم تمام مطبوعات فاسد را شکسته بودیم و تمام مجلات فاسد و مطبوعات فاسد را تعطیل کرده بودیم و رؤسای آنها را به محاکمه کشیده بودیم ... این زحمتهای پیش نمی‌آمد. ... دادستان انقلاب موظف است مجلاتی که بر ضد مسر ملت است و توطئه‌گر است تمام را توقیف کند و نویسندگان آنها را دعوت کند به دادگاه و محاکمه کند.» ( ، صحیفه نور، جلد 8، صفحه 251 تا 252 )

حکم بالا که توسط خمینی صادر شد، افرادی مانند بهشتی و قدوسی و موسوی تبریزی و ... سر از پا نشناختند و دست به توقیف نشریات و دستگیری و محاکمه نویسندگان و مسئولان آن زدند . با این حکم حدود 40 نشریه در سال 60 تعطیل شد. درست مانند زمانی که خامنه‌ای نیز دچار همان ترس و توهم شد و دستور تعطیلی فله ای نشریات را صادر کرد .

• در همان زمان، بنی صدر رئیس جمهوری، در مخالفت با دستور خمینی به تعطیلی نشریات به خمینی نوشت :

« شما نمی‌خواهید قانون اساسی اجرا گردد. شما یک رئیس جمهوری ضعیف، یک دولت ناتوان، یک مجلس مطیع، یک دستگاه قضائی وسیله تهدید و نابودی مخالفان می‌خواهید. بخلاف گفته شما، این حزب جمهوری است که دین و ملت و شما را به باد می‌دهد و شما رهبری ملتی را به ریاست حزب مشتی قدرت طلب فاسد فروخته‌اید. بسیار کوشیدم و هنوز نیز می‌کوشم رهبری این انقلاب صدمه نبیند اما شما

خودکشی تدریجی کردید بیان انقلاب را از بین بردید. با برقراری سانسور کامل، حضور مردم را در صحنه سیاسی کشور غیر ممکن ساختید و اینک می‌خواهید نیمه جان آن را نیز بستانید.» ( نامه بنی‌صدر به خمینی، 18 خرداد 1360؛ کتاب نامه‌ها از بنی‌صدر به خمینی و دیگران، ص 449 . )

• در مورد تعطیلی و دستگیری مدیر مسئول نشریه میزان بنی‌صدر نوشت :  
«روزنامه میزان توقیف می‌شود و مدیر آن زندانی می‌شود و پرونده آن را به هیأت نمی‌فرستید؟ با کمال تأسف و تأسف بسیار اعتماد مردم به دستگاه قضائی جداً رسیده است... دستگاه قضائی که بحکم قانون اساسی باید دامنه آزادی‌ها را توسعه بدهد، بر خلاف قانون دستور توقیف مدیر روزنامه و خود روزنامه را می‌دهد.»

در زیر فشار سنگین رئیس‌جمهوری، قاضی ناچار شد حکم بر آزادی مدیرمسئول میزان و رفع توقیف از آن را بدهد. اما بلافاصله بهشتی اعمال نفوذ کرد و قضایای آن را که این حکم را صادر کرده بود از کار برکنار کرد.

## سران و عناصر اصلی مافیای قضائی در دوران خمینی و تأسیس شکنجه:

در بالا چگونگی بنیان‌گذاری مافیای قضائی را توسط خمینی و منصوبان او، در ابتدای انقلاب، به اختصار شرح دادیم. اینک به معرفی برخی از سران مافیای قضائی در دوران خمینی می‌پردازیم. قبل از معرفی بار دیگر متذکر می‌شویم که قوه قضائیه و تمام سران آن و بسیاری از دست‌اندرکاران آن چه در زمان خمینی و چه در زمان خامنه‌ای از افراد مافیایی نظام هستند که برای حفظ قدرت و در واقع حفظ حاکمیت خود بر ایران دست به هر جنایتی زده و می‌زنند. کلیه نیروهای حافظ ولایت در ارگانهای وابسته به قوه قضائیه مرتبط به یکدیگر هستند و افراد مرتب در این قوه جا‌جا می‌شوند تا بدنامی آنها از زبانها بیفتد و بار دیگر به مناصب مهم بازگردند. در بسیاری موارد دیده شده که تصدی دادگاههای انقلاب میان افرادی چون مبشری و رهبر پور و ... دست به دست می‌شود. دادگاه ویژه روحانیت میان افرادی مانند ریشهری، محسنی‌اژه‌ای، سلیمی و ... دست به دست می‌شود و مناصب قضائی وابسته به او و اوک میان افرادی چون روح‌حسینیان و علی فلاحیان و محسنی‌اژه‌ای و پور محمدی و محمد گلپایگانی و ... دست به دست می‌شوند

ارگان‌های وابسته به قوه قضائیه عبارتند از:

شورای عالی قضائی

دادگاههای انقلاب

دادگاه ویژه روحانیت

دادگاه ویژه مطبوعات

دادگاه ویژه نظامی و انتظامی

دادستانها

سازمان زندانها

سازمان تعزیرات حکومتی

دیوان عدالت اداری

دیوان محاسبات

و....

با بر سر کار آمدن قضات تحت امر خمینی و دستیاران او، از جمله خلخالی و ربانی و بهشتی و موسوی اردبیلی و موسوی تبریزی و محمدی گیلانی و ... قضات برای استقرار دولت ملاتاریا، دستگیری‌ها را شروع کردند. هر کس که دستگیر می‌شد، تحت شکنجه قرار می‌گرفت. قاضیان جور با شکنجه دادن دستگیر شده، در پی ردیابی دیگر مبارزان و دستگیری می‌شدند. مشکینی در مورد شکنجه می‌گوید:

«شکنجه یک امر غیر اسلامی و غیرانسانی است ولی گاهی اوقات که چند نفر سرشناس را ربودند و دو سه نفر را ما می‌شناسیم که آنها اطلاع دارند، حالا اگر چند سیلی بهشان بزنیم ممکن است موضوع را بگویند. آیا این شکنجه ممنوع است؟» ( انقلاب اسلامی، 4 مهر 58 )

• بنی‌صدر درباره اولین گزارشی که در مورد شکنجه در زندانها بدستش رسید می‌گوید:

«اولین گزارشی که به ما درباره شکنجه در زندانها شد اول باور نمی‌کردیم. می‌گفتیم مگر چنین چیزی ممکن است؟ حکومت اسلام و راه انداختن بساط شکنجه و اعدام‌های برق آسا؟ یعنی چه؟ هیئتی مرکب از طالقانی و سبحانی و من رفتیم زندان قصر برای اینکه بررسی کنیم. این آقای گیلانی (قاضی شرع) هم آنجا نشسته بود. من شروع کردم به صحبت که: شکایت‌هایی شده از وضعیت دادگاه انقلاب، بازجوها، شکنجه‌ها و اعدام‌های بدون حساب و کتاب. شورای انقلاب ما را معین کرده و آمدیم برای بررسی. یک دفعه این آقای گیلانی گفت: آقا شما باید حد مجورید! گفتم چرا باید حد مجورم؟ گفت برای اینکه اینهایی که شما گفتید افترا است. گفتید شکنجه است در اینجا، اینها افترا است. حالا حدود 15 نفری نشسته بودیم با عصبانیت گفتم: آشیخ! شما هنوز فرق بین قصد انشا و قصد اخبار را نفهمیده اید، چگونه قاضی شده‌اید و قضاوت می‌کنید؟ من می‌گویم به ما گزارش شده، یعنی خبر داده اند. اگر انشا بود که تو اینجا نبودی در زندان تشریف داشتی. یعنی در آن وقت رسیدگی شده بود و معلوم بود که درست است و شما زندان تشریف داشتی و این فضولی‌ها را هم نمی‌کردی. طالقانی رو کرد به او و گفت: آشیخ شما پیش این کلاهی‌ها، دیگر برای ما آبرویی گذاشتید؟ ایشون باید به شما فرق اخبار و انشا رو حالی کند؟ شما با کسی که از شورای انقلاب آمده و شما بنام شورا هستید این جور برخورد می‌کنید، با زندانی بدبخت چه می‌کنید؟ گیلانی سرش را انداخت پایین و هیچ صدایی نکرد. یکی بلند شد گفت من سپهبد برنجیان را 36 ساعت بی‌خوابی دادم. گفتم آخه جوان خدا بگم با تو چه کند ما انقلاب کردیم که جای تهرانی [شکنجه‌گر ساواک] را بدهیم به تو؟» (درس تجربه، ص 100، 101.)

وقتی در بررسی‌ها مشخص شد که در زندانهای نظام ولایت شکنجه رواج یافته است، رییس جمهوری که می‌بایست معمولاً حامی نظام باشد و شکنجه‌ها را اگر وجود داشته باشد نادیده بگیرد، همچون دیگر رؤسای جمهور مثل آقایان رجایی، خامنه‌ای، هاشمی رفسنجانی، خاتمی، احمدی نژاد، در باره وجود شکنجه در عاشورای 59 در میدان آزادی گفت:

«در قانون اساسی مگر شکنجه حرام نشده؟ ممنوع نشده؟ در کجای دنیا، در کدام دین و در کدام کشور و حکومت اسلامی 6 نوع زندان وجود دارد؟ چرا اینها تعطیل نمی‌شود؟ ما الان شش نوع زندان داریم. زندانهای آقای خلخالی. زندان دادگاه انقلاب. زندان شهربانی. زندان دادگستری. زندان کمیته‌ها. زندان سپاه پاسداران.

ده‌ها و صدها نفر بی‌جهت گرفتار شده‌اند. با این 6 نوع زندان ما چیزی بدتر از گذشته‌ایم. چرا باید هر کس و هر نهادی یک زندان داشته باشد؟ اینها باید تعطیل شوند. جو اسلام جو اعتماد است این همه دستگاههای ترسناک مخوف درست نکنید. چرا هیئتی تشکیل نمی‌شود که به کار زندانهای گوناگون برسد؟ چرا در رژیم اسلامی، انسان و جان او این همه بی‌منزلت شده است که بتوان مثل آب خوردن محکوم کرد و بدون اینکه کسی بفهمد کار او را تمام کرد؟ چطور می‌شود که اشخاص را می‌گیرند و به زندان می‌برند و ماهها جزو فراموش‌شدگان می‌گردند؟ بس کنید این کارها را. دستگاه قضایی نباید ابزار قدرت شود. اگر این طور شد این همان است که حسین به خاطرش قیام کرد و شهید شد.» (سخنرانی در روز عاشورا، 28 آبان 59، کتاب غائله 14 اسفند 59، ظهور و سقوط ضدانقلاب، انتشارات دادگستری جمهوری اسلامی ایران، ص 331.)

وقتی رییس جمهوری صحبت از شکنجه کرد حکام شرع جنایتکار تلاش کردند نام شکنجه را تغییر دهند و از آن به تعزیر و حد تعبیر کنند:

- حجت‌الاسلام ری شهری گفت: «اگر مقصود رئیس جمهور از شکنجه، همان تن‌بیهاتی است که اسلام به عنوان حدود و تعزیرات مطرح می‌کند، ما منکر آن نیستیم، زیرا دستور اسلام است.» (مصاحبه با رادیو و تلویزیون، غائله 14 اسفند 59، ص 332.)

- لاجوردی گفت: «تعزیر می‌کنیم و تعزیر با اجازه حکام شرع است.» (کتاب عبور از بحران، ص 440.)
- آیت‌الله محمدی گیلانی: «حارب بعد از دستگیر شدن، توبه‌اش پذیرفته نمی‌شود و کیفرش همان است که قرآن گفته. کشتن به شدیدترین وجه. حلق آویز کردن به

فضاحتبارترین حالت ممکن. تعزیر باید پوست را بدرد، از گوشت عبور کند و استخوان را درهم شکنند.» (کیهان، 28 شهریور 60)

تعزیر در کلام محمدی گیلانی تنبیه نیست بلکه پاره کردن پوست و گوشت و رساندن شلاق به استخوان است. این مرد شوم اندیش و شوم کردار چنان در جنایت اعدام نوجوانان و جوانان غرق شد که لاجوردی روا ندید فرزندان او از مرگ در امان مانند.

• آیت‌الله قدوسی گفت: «در زندانها شکنجه صورت نمی‌گیرد، اما مجازات‌های شرعی اسلامی اعمال می‌گردند.» (مصاحبه مورخه 23 بهمن 59)

قدوسی نیز می‌گوید که این مجازات‌های شرعی از اسلام ولایت سرچشمه می‌گیرد. بیچاره شاه که ولی نبود وگرنه بسیار از این مجازات‌های عظام بهتر عمل می‌کرد.

• آیت‌الله موسوی تبریزی گفت: «یکی از احکام جمهوری اسلامی این است که هرکس در برابر این نظام امام عادل بایستد، کشتن او واجب است. زخمی‌اش را باید زخمی‌تر کرد تا کشته شود. این حکم اسلام است. چیزی نیست که تازه آورده باشم.» (کیهان، 29 شهریور 60).

آیا موسوی تبریزی که الان اصلاح طلب شده است باز هم همان اسلام را می‌پذیرد. اگر جواب آری است پس دروغ می‌گوید که اصلاح طلب است و اگر جواب او منفی است پس آن احکام اسلامی را چرا اجرا کرده است.

• خلخالی نوشت: «بنی صدر مرتباً مسئله شکنجه را برای کوبیدن دادگاههای انقلاب عنوان می‌کرد و تا این اواخر دست بردار نبود. بنی صدر تعزیرات شرعی را جزو شکنجه به حساب می‌آورد و می‌خواست با روش اروپایی عمل نماید.» (خاطرات شیخ صادق خلخالی، ج1، ص 313).

• هادی خامنه‌ای گفت: «ما کابل‌های مورد استفاده در بازجویی را به نزد "امام" برده، ایشان آن‌هایی را که شرعی هستند، تایید کرده‌اند.»

گفته هادی خامنه‌ای آشکار می‌کند که شیوه و نوع شکنجه از سوی خمینی مشخص می‌شد و کابل‌ها و شلاق‌ها را او تعیین می‌کرد.

• حجت‌الاسلام محمد منتظری گفت: «اتهام وارده از سوی بنی‌صدر به روش بازجویی و بازپرسی به هیچ‌وجه صحیح نمی‌باشد.» (کیهان، 30 فروردین 60)

در اینجا بخشی از گفته‌های آقای محمد آخوندان، دوست محمد منتظری را در مورد این گفته‌وی می‌آوریم:

«آقای خمینی بدنبال محمد فرستاد که برود چهاران و آقای خمینی را ملاقات بکند. روزی که به ملاقات آقای خمینی رفت من هم، همراه وی بودم. آقای خمینی به محمد توصیه کرد که برود و اعلام کند که شکنجه وجود نداشته است. محمد پاسخ داد من خودم شکنجه را در زندانها مشاهده کرده‌ام. آقا گفتند فعلاً جمهوری اسلامی در خطر گروه‌های ملحد و ضد انقلاب است. فعلاً تو برو و اعلام کن که شکنجه وجود نداشته و شایعه‌ای بیش نبوده است. بعد که وضعیت کشور آرام شد و قدرت ما تثبیت گشت و گروه‌های ضد انقلاب و ضد جمهوری اسلامی از بین رفتند، به همه امور رسیدگی می‌شود و جلو این‌گونه مسائل گرفته می‌شود. محمد هم با فشار و اصرار آقای خمینی چاره دیگری نداشت و به خواست آقای خمینی آمد و اعلام کرد. (سید مهدی جعفری - خاطرات زندان اوین).

بدین سان صادر کننده مجوز شکنجه خمینی بود.

• آیت‌الله بهشتی گفت: «بی‌شک در موقع خود، کسانی که شایعه شکنجه در زندانها درست کرده‌اند، تحت تعقیب قضایی قرار می‌گیرند.» (انقلاب اسلامی، 3 خرداد 60)

این هم دروغی دیگر از یکی از مراجع قضایی حکومت خمینی. او با وجود شکنجه و تایید وجودش از سوی یاران خمینی دست از فریب و دروغ بر نمی‌دارد. زمانی که در یکی از زندانهای حاکمیت ولایت خمینی آقای کروبی به زندانی که ما در آن زندانی بودیم آمد و با برخی از شکنجه شده‌ها، از جمله جوانی که بر اثر شکنجه‌های دوستان هادی غفاری، دچار خونریزی شده بود و خون ادرار می‌کرد صحبت کرد. جوان به او گفت که به دلیل شکنجه‌هایی که شده است نمی‌تواند راه برود و دیگران هم که دور او بودند هر کدام نوعی از شکنجه‌ای را که بر آنها روا دیده شده بود، تعریف می‌کردند و او ناراحت شد. ما فکر می‌کردیم که او می‌رود و با مسئولین صحبت می‌کند که دیگر ما را کتک نزنند ولی وقتی رفت دیدیم که مسئولان زندان آمدند و به دلیل اینکه به او گفته بودیم که شکنجه شده ایم همه را به باد کتک گرفتند و ایشان هم در مورد شکنجه چیزی نگفت.

• در این زمان حتی رییس جمهوری برای مقابله با شکنجه گران که در اکثر نهادها بودند و از سوی قوه قضائیه حمایت می شدند از سازمان عفو بین الملل یاری خواست. او می گوید :

«وقتی نماینده عفو بین الملل آمد دفتر من ، به او 400 عکس از انواع شکنجه ها را دادم تا آنها را نگاه کند و گفتم : هیچ ملاحظه نکنید . فقط نگویید که این عکس ها را از من گرفتید . بگویید که این شکنجه ها هست برای اینکه من می خواهم شکنجه تعطیل شود ولو در خارج بگویند که دولت از جمله من که رئیس جمهور هستم، این مسئله ای نیست. مسئله این است که این بساط باید تعطیل شود. همین 400 تا عکس را دادم بردند برای آقای خمینی. »

• در همان زمان آقای بنی صدر در نامه ای به خمینی نوشت:  
«باز اگر این مطلب که می نویسم موجب گرفتاری مجدد زندانی تازه رها شده ای نشود، معروض میدارم: در اوین شکنجه رایج است. وقتی برای بازدید میروند یک شب قبل از آن شکنجه شده ها را تخلیه می کنند و بجای دیگر منتقل می کنند.» (نامه بنی صدر به آقای خمینی، 11 اسفند 1359؛ نامه ها از بنی صدر به آقای خمینی و دیگران، ص 282. )

اگر دقت کنیم متوجه می شویم که همان کاری را که قضات و زندانبانها در زمان خمینی می کردند و شکنجه شده ها و کتک خورده ها را در هنگام بازدید به جای دیگر منتقل می کردند، در این زمان نیز رایج است. وقتی که نمایندگان مجلس برای بازدید از زندانها رفته بودند زندانیان شکنجه شده را از آن زندان ها به جای دیگری منتقل کرده بودند .

• سندی عمق فاجعه قاضی گری را در رژیم ولایت فقیه، بر ما آشکار می کند. بنی صدر می نویسد:

«یک سندی به دست من رساندند که یک فهرست 11 نفره بود و زیر آن نوشته بود ده نفر بالا را اعدام کنید! قاضی {حجت الاسلام علی رازینی} توجه نکرده بود که اصلاً 11 نفر در لیست هستند نه ده نفر. گفتند که حتی پرونده و این حرفها هم برای این یازده نفر تشکیل نشده و تمام پرونده شان همین یک ورقه است!!» ( انقلاب اسلامی، 25 مرداد 59 )

جالب این که علی رازینی، از آن زمان به بعد، همواره در مناصب بالای قضایی قرار داشته است و در حال حاضر نیز دادستان می باشد حال شما بخوانید حدیث مفصل از این جمل .

• الحق در آن زمان، بنی صدر چه زیبا گفت :  
«روشهای غلط نخست با آدم های بد به کار می رود ولی بعد که این روشها حاکم شدند با همه بکار خواهند رفت . این است ضد انقلاب.» ( انقلاب اسلامی، 7 شهریور 59 )

• اما در همان زمان خمینی گفت :  
«راجع به دادگاه انقلاب و راجع به کارهایی که مربوط به دادگاه انقلاب است، من نمی گویم که باید اینجا سستی بشود. اینجا باید با جدیت جلوگیری گرفته بشود، باید جلوی این فسادها گرفته بشود. حالا بگیرند نگه دارند تربیت کنند یا اگر واقعاً مستحق حدود شرعی هستند حدود شرعی را جاری بکنند. زندانها باید محل تربیت باشند.» (سخنرانی در جمع حکام شرع دادگاهها ۶۱/۱۱/۱۸؛ صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۱۷۹ )

با این گفتن این سخن، خمینی محل های تربیتی را مشخص کرد و علاوه بر آن با جملات زیر راه و رسم قضات را مشخص تر کرد:

«آقایان بعضی شان می گویند: مساله ولایت فقیه، اگر یک مساله تشریفاتی باشد مضایقه نداریم، اما اگر بخواد دخالت بکند در امور، نه، ما آن را قبول نداریم. اگر متوجه به لازم این معنا باشند، مرتد می شوند.» ( سخنرانی 58/7/12، صحیفه نور، جلد 9، صفحه 254 )

«هرکه به رسول خدا اهانت کند ، هر که به ائمه هدی اهانت کند ، واجب القتل است.» ( سخنرانی در جمع گروهی از بانوان لنگرود، ۵۸/۴/۲، صحیفه نور، ج ۷، ص ۱۸۲ )

این جملات خمینی انسان را به یاد مصباح یزدی می اندازد و چه بیهوده برخی تلاش می کنند بگویند خمینی با طرز تفکر مصباح مخالف بود . به نظر می رسد که مصباح در تفکر و اندیشه همانند خمینی بوده است. اصلاح طلبان دروغ نمی گویند که مصباح یزدی مرتجع و تند رو و خشونت طلب است. او دروغ می گویند که معلم او خمینی نبوده است.

« قیام کردن بر خلاف حکومت اسلامی، جزایش جزای بزرگی است. قیام بر ضد حکومت اسلامی در حکم کفر است، بالاتر از همه معاصی است، همان بود که معاویه قیام می‌کرد، حضرت امیر قتلش را واجب می‌دانست.» (سخنرانی مورخه 58/7/29، صحیفه نور، جلد 10، صفحه 15)

«آنکه مکتبی را مسخره می‌کند، اسلام را مسخره می‌کند. اگر متعمد باشد، مرتد فطری است. زنش برایش حرام است. مالش هم باید به ورثه داده شود. خودش هم باید مقتول شود.» (صحیفه نور، ج 14، ص 376)

جملات خمینی بودند. قاضیانی که او معین کرده بود، همین طرز فکر را داشتند و سخنان او را حکم خدا تلقی می‌کردند و برطبق آنها، جنایتهای خود را مجازتهای اسلامی می‌خواندند.

خمینی دوران شاه آیا همین طرز فکر را داشت؟ اگر داشت چطور هیچگاه بروز نداد؟ چطور با ولایت فقیه مخالف بود؟ اگر بگوئیم همین طرز فکر را داشت، نقش قدرتمداری را در گرایش به خشونت نادیده گرفته ایم. اگر بگوئیم زمینه فکری نداشت، می‌باید توضیح بدهیم چگونه با بازگشت به تهران، ناگهان خشونت گرا شد؟ راستی اینست که او که فلسفه ارسطویی را آموخته بود و تدریس می‌کرد، به قدرت اصالت می‌داد. بحض این که قدرت را از آن خود دید، حفظ آن را بر اجرای تمامی احکام دین مقدم دانست. شاگردهای او، امثال مصباح یزدی در پی ساختن نظریه خشونت شدند و «حرکت قسری» و «النصر بالرعب» دستور کار شدند. مصباح یزدی نزدیکترین فرد به خمینی، بلحاظ گرایش به خشونت است. مصباح کسی است که خامنه ای از او به عنوان استاد بزرگ نام می‌برد و آقا مجتبی در محضر او تلمذ می‌کند.

- خمینی پا را از این هم فراتر گذاشت و در حمایت از روحانیت که دستگاه قضائی و سرکوب را تصرف کرده بودند، گفت:

«همه متصدیان روحانی که هستند الان در مقامات بالا، از بابت این است که می‌بینند که کسان دیگر خواهند توانست اداره این کشور را آنطور بکنند که اسلام می‌خواهد. بدون آنها نمی‌شود اداره کرد مملکت را. ما جواب خدا را چه بدهیم؟» (سخنرانی در چهاران، ۹ شهریور ۱۳۶۱)

این در حالی بود که او قبل از پیروزی انقلاب گفته بود روحانیت در امور حکومت دخالت نخواهند کرد. وی در مقام این ضد و نقیض گوئی، گفت: «من اگر صلاح بدانم امروز یک حرفی می‌زنم، فردا اگر صلاح دیدم مخالفش را می‌گویم!»

## مافیای قضائی در دوران خامنه ای:

اما با نصب علی خامنه ای به مقام رهبری، قوه قضائیه به طور مطلق به آلت دست رهبری تبدیل شد. با تغییراتی که رهبر مافیای در قانون اساسی به وجود آورد قوه قضائیه را صد در صد به تابعیت خود در آورد وی در دستوری به شورای بازنگری قانون اساسی قدرتی بیش از خمینی برای خود خواست و آنها نیز آن قدرت را به وی تفویض نمودند. زیرا حضور و سلطه وی به عنوان ولی فقیه مطلقه می‌توانست به حضور دیگران در جایگاههای نا حق آنها ثبات ببخشد.

- بر اساس اصل 157، مصوب شورای بازنگری قانون اساسی، شورای عالی قوه قضائیه از بین رفت و این قوه در اختیار رهبری قرار گرفت.
- برابر اصل 158، انتخاب سه عضو شورای قضائی از دست قضات گرفته شد و به رهبری داده شد.

ولایت مطلقه با این تغییرات توانست سایه شوم خود را بر قوه قضائیه گسترش دهد.

در زیر به معرفی برخی از چهره های قضائی که در جنایت آلت فعل استبداد قرار گرفته بودند را می‌آوریم. البته افراد معرفی شده از ابتدای انقلاب در تشکیلات قضائی دست به هر کاری علیه مردم زده بودند و برخی از آنها تا به حال بر کار هستند و بر همین رویه عمل می‌کنند. تفکیک افراد مستقر در قوه قضائیه و بخش های زیر مجموعه به دو دوره خمینی و خامنه ای به دلیل اشتراک برخی از آنها در هر دو دوره را ضرور ندانستیم.

در ابتدا، معرفی مختصری از مدرسه حقانی می‌کنیم که یکی از پایگاههای اصلی قوه قضائیه بوده است.



• مدرسه حقانی از جمله مدارسی بود که توسط برخی از دستیاران ولایت مطلقه تاسیس شده بود. سالها افراد این مدرسه در راس قوه قضاییه و واواک دست به هر جنایتی زدند. این گروه که در ابتدای انقلاب در جریان کشتار بعد از کودتای سال 60 به دستور مصباح یزدی جهت ایجاد آرامش به دادگاههای انقلاب استانها رفته بودند در جریان کشتار زندانیان سیاسی در سال 67 نیز از عوامل اصلی بودند.

شاگردان این مدرسه و مدرسان آن بعدها نیز در کنار «رهبر»، قوه قضائیه را به یکی از مهمترین ستون پایه های استبداد ملاتاریا تبدیل کردند و اینک نیز در خدمت مافیاهای نظامی - مالی هستند.

مدرسه حقانی ابتدا توسط علی قدوسی، داماد آیت الله طباطبایی، مدیریت می شد و بعدها نیز بهشتی و سپس مصباح در کنار هم به سرپرستی آن رسیدند. از جمله اساتید آن مدرسه می توان به افرادی چون حجت الاسلام مصلحی (فرزند آیت الله اراکی)، آیت الله سید حسن طاهری خرم آبادی، آیت الله تقوی، آیت الله محمدی گیلانی، آیت الله مؤمن، آیت الله محمدعلی گرامی، آیت الله محسن مهدشستری، آیت الله جوادی آملی، آیت الله جنتی، آیت الله انصاری شیرازی و دکتر احمد احمدی... اشاره کرد. (خاطرات علی جنتی، صص ۲۲۰-۲۴)

بعد از مدتی، مدرسه به صورت شورایی توسط علی قدوسی و بهشتی و مصباح یزدی و جنتی و... اداره می شد که در سالهای بعد به دلیل حضور سایه دکتر علی شریعتی بر اندیشه برخی از روحانیون، اختلافاتی در میان آنان به وجود آمد و موجب شد مصباح از آن مدرسه خارج شود.

عبایی خراسانی می نویسد: البته همین موضع گیری های آقای مصباح باعث شد تا سرانجام میان او و شهید بهشتی اختلاف نظرهایی به وجود آمد و آقای مصباح با خروج از مدرسه حقانی فعالیت هایش را به همراه آقایان خرازی و استادی در قالب " مؤسسه در راه حق " ادامه داد. تقریباً تا پس از رحلت امام از صحنه سیاسی - اجتماعی ایران بر کنار بود. البته در این میان گاه به او برای انجام برخی اقدامات سیاسی نیز مراجعاتی می شد. (مجله گزارش، شماره ۱۳۱-۱۳۳، ص ۵۱).

مدرسه حقانی که در زمان خمینی و بعدها در زمان خامنه ای، شگردان و معلمانش بسیاری از مقامات قضایی را در اختیار گرفتند، توسط همین اساتید تربیت شده بودند و حتی بهشتی که خود از بدترین قضات بود از دست برخی از اندیشه های آنان به ستوه آمده بود. او در یک سخنرانی گفت:

«مدرسه ای که بخواهد يك مشت انسان بچوچ، پرخاشگر بی حیا و متعصب تربیت کند که نتوانند با همه دو کلمه حرف بزنند چه ارزشی دارد؟ این نوع موضع گیریها بسیاری از افراد را به یاد چماق های تکفیری می اندازد که، در تاریخ عصر تفتیش عقاید کلیسا و قرون وسطی خوانده شده است» (آیت الله بهشتی: شریعتی، جستجوگری در مسیر شدن)

## چند از قاضیان عضو مافیای حاکم بر قوه قضائیه

### \* نامه عرت آموز پسندیده برادر خمینی، به خمینی:

جنایات قوه قضائیه به حدی بود که برادر بزرگ آقای خمینی در نامه ای به او اینچنین به فریاد آمده است.  
... " آیا این ناله ها را شما می شنوید؟ روزی که آن سید بیچاره [بنی صدر را که فقط قصد خدمت داشت و خود شما صد بار گفته بودید که از فرزند به من نزدیکتر است؛ با آن افتضاح از ریاست جمهوری خلع کردند و یک بدبخت بدعاقبت را که اداره یک کاروانسرا هم از عهده اش بر نمی آمد به ریاست جمهوری این مملکت بزرگ و معتبر تعیین کردند؛ به شما گفتم این شیاطین قصد دیگری دارند و

می خواهند از این عروسک برای اجرای مقاصد خود استفاده کنند. روزی که دستور دادید همه صندوقها را به نام علی آقا خامنه‌ای باز کنند؛ من و دو سه آدم دلسوز که حداقل یکیشان؛ یعنی شیخ علی آقا تهرانی بیست سال شاگرد خاص و مورد محبت شما بود؛ به شما نوشتیم که این انتخاب ایران را بر باد میدهد؛ گوش نکردید و حالا می بینید آنچه نباید می دیدید. این همه خونها ریخته شد؛ اینهمه جنایات وقوع پیدا کرد که از ذکر آن به خود می لرزم که مبادا قطره ای از این خونها به سبب اخوت من و شما دامن مرا بگیرد؛ فقط برای اینکه شما به جای گوش سپردن به آنها که هم به اسلام و هم به ایران علاقه مند بودند؛ گوش به شیاطین دادید. این چه معنا دارد که ما اسلحه از اسراییل خریدیم و بعد از جنگ با اسراییل و تحریر جنوب لبنان سخن بگوییم؟ بنده در مورد جنگ و مسایل آن حرف نمی زنم که خود مثنوی هفتاد من کاغذ است؛ فقط می گویم آیا به گوش شما نمی رسد که بعضی از نور چشمیها چه دست اندازیهایی به بیت‌المال مسلمین به اسم جنگ و کمک به جنگ زدگان کرده‌اند؟. بیش از ۳ ماه است بنده برای دیدن شما وقت خواسته‌ام ولی دفتر شما مرتب می‌گویند وقت ندارید. آنوقت هر روز ملای فلان ده و دادستان بهمان قصبه را به حضور می پذیرید. چون لابد به جز مدح و ثنا نمی‌گویند و بدبختانه شاید چون خداوند تبارک به من لسان مداحی نداده حتی باید از برادر خود محروم بمانم. حال روزنامه‌ها یک روزه یک شیخ را آیت‌العظمی می‌کنند و دیگری را افقه الفقها. آن شیخ گیلانی جلاد آیت‌الله می‌شود و دسته دسته ثقه الاسلام و حجت‌الاسلام از کارخانه حکومتی بیرون می‌آید. امش را هم گذاشته‌اند حکومت جمهوری اسلامی و مسرورید که حکم خدا را در زمین اجرا کرده‌اید؟ خوشا به سعادت آنها که همان روزهای نخست رفتند و این روزها را ندیدند. من نیز دیر و زود می‌روم. تنها، وحشتم برای شماست.

نامه آیت‌الله مرتضی‌پسندیده به آقای خمینی، ۱۵ مرداد ۱۳۶۲ مطابق با ۲۵ شوال ۱۴۰۳ قمری

### **\* دو دور کشتار جوانان توسط «قضات شرع»**

در دو نوبت قضات و حکام شرع قوه قضاییه دست به تصفیه خونین و سرکوب و اعدام جوانان کشور که مخالف استبداد فقیه بودند زدند:

#### **● افراد شاخص در دور اول مأمور اعدام جوانان در جریان کودتای سال 60 :**

محمد بهشتی، یوسف صانعی، دادستان کل دیوان کشور، محمد مؤمن، عبدالله جوادی آملی، علی قدوسی و موسوی اردبیلی، رئیس شورای عالی قضایی و اعضای آن. محمد محمدی گیلانی، رییس حکام شرع، حاکم شرع زندان اوین و اسدالله لاجوردی، دادستان دادگاه انقلاب تهران و رئیس زندان اوین و ربانی املشی، دادستان کل و علی قدوسی، دادستان دادگاه انقلاب کشور و محمد حسین موسوی تبریزی، دادستان کل دادگاه انقلاب بعد از مرگ قدوسی و فهیم کرمانی، نماینده موسوی تبریزی در زندان اوین و علی رازینی، دادستان انقلاب نخست در کرمانشاه و سپس در مشهد و پور محمدی، معاون علی رازینی در جنایات مشهد و روح‌الله حسینیان، دادیار ناظر و معاون پور محمدی در مشهد و افرادی از جمله اراکی و جنتی و محمد یزدی و ریشهری و خلخالی و ...

#### **● افراد شاخص در دور دوم مأمور اعدام زندانیان سیاسی در سال 67 :**

شورای عالی قضایی در آن سال بر عهده افراد زیر بود:  
مرتضی مقتدایی که هنوز در مناصب قضایی مشغول به کار است و سید عبدالکریم موسوی اردبیلی که در حال حاضر به آیت‌الله العظمایی تبدیل و اصلاح طلب شده است و محمد موسوی خوئینی‌ها که در حال حاضر اصلاح طلب شده است و سید محمد موسوی مجنوردی او نیز از نظام بریده و به تدریس پرداخته است و سید محمد حسن موسوی شوشتری که کما فی السابق در همان کار است اما گویا بازنشسته شده است و (حسینعلی) جعفر نیری که حاکم شرع زندان اوین و معاون قضایی شورای عالی بود و مرتضی اشراقی که دادستان کل تهران بود و به دستور خمینی جهت تسریع در اعدامها منصوب شده بود و صدیقی، از اعضای نظام قضایی ولایت فقیه و غلامحسین محمدی گلپایگانی که در حال حاضر رئیس دفتر خامنه‌ای است و محمود هاشمی شاهرودی که در حال حاضر رییس قوه قضاییه است و حسین مفید، از اعضای مافیای قضایی و عباسعلی علیزاده که به دلیل

جرمهای بسیار جاسوسی و مالی و اخلاقی برکنار شده است و قربانعلی دری نجف آبادی که کمافی السابق به قوه قضاییه سنجاق شده است و علی یونسی که در حال حاضر عضو هیات امنای موسسه باران است و اسماعیل شوشتری که کمافی السابق در قوه قضاییه می باشد و علی مبشری که همچنان یک دوره در میان رییس دادگاههای انقلاب می باشد و ابراهیم ریسی که همچنان در قوه قضاییه است و معاون رییس قوه قضاییه می باشد و افرادی چون ابراهیم رازینی و علی رازینی و فلاحیان و حسینیان و پور محمدی و رهبر پور و ریشهری و محسنی اژه ای و نمازی و... .

## \* معرفی برخی از مقامات قضایی در ایران از بعد از انقلاب:

در این معرفی نامه، نامهای افرادی فهرست می شوند که در دوران پس از انقلاب در قوه قضاییه و یا در ارتباط با آن قوه بوده اند. بعضی از آنها مرده و یا کشته شده اند. اما از آنجا که می خواهیم فهرست را هر چه کامل تر در اختیار قرار دهیم، نام مرده ها و کشته شده ها را نیز می آوریم:

1- سید محمد حسین اصفهانی معروف به بهشتی، دبیر کل حزب جمهوری اسلامی ایران، اولین رییس دیوان کشور و رییس شورای عالی قضایی او از سران کودتای خرداد 60 و از جمله مروجان خشونت و جنایت بود و با هر حيله و نیرنگ دیگران را وادار به خشونت و جنایت می کرد. اخیراً اسنادی از روابط وی با امریکایی ها منتشر شده است. در حالی که در همان زمان که اسناد در دست دانشجویان بود، وجود روابط میان او و آمریکا، بر خمینی معلوم بود زیرا اسناد سفارت امریکا در باره بهشتی در اختیار او قرار گرفته بود. همه کودتاگران منکر آن شده بودند. در همان زمان، محمد منتظری فرزند آیت الله منتظری، با توجه به اسنادی که در اختیار داشت ارتباط او با امریکاییان را محرز می دانست اما هنوز زمان حذف بهشتی نرسیده بود. از این رو، محمد منتظری را دیوانه خواندند و به این شایعه دامن زدند و حتی پدر وی را نیز مجبور کردند بگویند او مشکل روانی داشت.

طرفه این که محمد منتظری حق السکوت گرفت و نماینده مجلس شد و به دنبال اعتراض بنی صدر به وجود انواع زندانها و شکنجه در زندانها، خمینی از محمد منتظری خواست شکنجه در زندانها را تکذیب کند.

2- حجت الاسلام محمدی گلپایگانی، رییس کنونی دفتر خامنه ای، از حکام شرع در ابتدای انقلاب، معاون واواک و نماینده رهبری برای ارتباط با رؤسای سه قوه در حال حاضر است.

او در سال 67 از جمله مسئولان اعدامها بود. محمدی گلپایگانی ساهاست که در کنار خامنه ای در کلیه جنایات و اعدام ها و سرکوب ها دخالت مستقیم دارد. جالب اینکه همسر وی پرستار انگلیسی است و عروس وی دختری ایرلندی هستند.

البته در جریان کشف هویت جاسوسان هسته ای معلوم شد که پرستار انگلیسی با کسی که او نیز انگلیسی بوده، ارتباط داشته و اطلاعات را به او می داده است. به محض اینکه واواک خواستار دستگیری وی شد او را از ایران خارج کردند.

3- آیت الله خزعلی از بنیانگذاران خشونت در ایران و قاضی و محاکمه کننده بسیاری از جوانان در سالهای شصت به بعد و حالا مسئول موسسه بین المللی الغدیر و از عوامل پشت پرده سرکوب ها .

فهرستی از کارهای او : اعدام جوانان در خوزستان و دستور حمله به دانشجویان در دانشگاه اهواز و محاکمه اندیشمندان و دگر اندیشان در سالهای اول انقلاب و یک نمونه از قضاوت های این قاضی و حاکم شرع :

وی بعد از انقلاب به محاکمه دگر اندیشان می پردازد و در مورد اعدام آشوری می گویند: خاطره ای که دارم مربوط به حبیب آشوری است. من این مرد را با توجه به یکی از آثارش به 13 مورد ارتداد محکوم کردم. مثلاً در رابطه با صفت رحمان گفته بود که رحمت همین ابر و باران و چیزهای ظاهری است. در حالی که رحمان موجود مستقل به ذات و مشرف بر همه موجودات است. (دلیلی محکم تر از این بر ارتداد و اعدام یک انسان می توان یافت؟! وی می گویند: روزی بهشتی در مورد آشوری از من پرسید آیا در مورد او تند روی نکردی؟ گفتم:

نه هیچ عجله‌ای در کار نبوده است. رحم دلی ایشان حتی در باره چنین مرتدی در خور تحسین است! (خاطرات آیت الله خزعلی، ص 152). لازم به یاد آوری است که بر اساس مندرجات نامه قابل به خامنه‌ای، نویسنده اصلی کتاب توحید که سبب اعدام آشوری شد، خامنه‌ای بوده است. او آشوری را متهم کرده بود که نوشته‌های وی را به نام خود به چاپ رسانیده است. خزعلی آشوری را اعدام کرد و به خامنه‌ای بعنوان رهبر تعظیم کرد! برخی اظهارات آیت الله خزعلی:

● «اگر دین، دین خشونت نیست، پس چرا پیامبر جنگ کرد؟ می‌گویند چرا روزنامه‌ها را تعطیل کردند. یا للعجب! می‌گویند چرا توهین‌کننده‌های به امام حسین را تعطیل کردید. این روزنامه‌ها برای جوانی که قبل از عید کشته شد یک خط ننوشتند در عوض برای عبدالله نوری 17 هزار برابر امام نوشتند... برای شهردار منحرف 10 هزار برابر امام نوشتند...»

● «جهاد یعنی ریختن خون دشمن هنگامی که عقاید مردم را سست کند. امر به معروف یعنی خاتم چهره‌ات را بپوشان، این چه حرفی است که می‌گویند اگر مردم خواستند. مردم چه کاره‌اند؟ مردم احکام خدا را اجرا می‌کنند. مردم محترم و عزیزند اما برای اجرای احکام خدا، نه برای بر هم زدن احکام خدا.» (یا لثارات الحسین، شماره 80، ص 4).

● «این روزنامه‌های جدید «ولد حرام» هستند. من یقین دارم که از آمریکا دستور دارند که در ایران به مقدسات توهین کنند و توهینی که طی این 2 سال اخیر به مقدسات شده در طول تاریخ حکومت «آریامهری» نشده است... امروز دیگر وقت سکوت نیست مثل دوران نواب صفوی است که یکی از انقلابیون آن زمان قصد کشتن کسروی را کرد. وقتی در خیابان نتوانست او را به قتل برساند در دادگاه کسروی را با یک پاره آهن کشت، امروز هم مثل همان دوران است.» (روزنامه خرداد 7/7/78)

«عید واقعی عید غدیر است و اگر عید نوروز را عید واقعی بدانیم در آن دنیا چگونه جوابگوی حضرت علی (ع) باشیم؟»

● در مورد آقاجری و خاتمی گفته است: «آقایی با کمال وقاحت گفت مارکس گفته است "که دین تجدیر جامعه است. من می‌گویم دین تجدیر جامعه و ملت است» و به ائمه توهین کرد. تو مردک به ائمه توهین می‌کنی؟ قاضی نوشت مرتد است. کسی که این طور توهین کند چیز دیگری افزون نگوید. بعد آقای (خاتمی) گفت این مرد مورخ متدین جایش خالی است و من هم در خیرگان عرض کردم بله جایش خالی است در قبرستان. چون حکم اولیه اعدامش صادر شده آن هم نه در قبرستان مسلمین، قبرستان لائیک و مردم بی‌دین.»

● «ما یک روزنامه خوب در کشور داریم که آنهم کیهان است. من در ابتدای ریاست جمهوری آقای خاتمی به ایشان گفتم: اینقدر آزادی ندهید! این اشتباه است. اما ایشان اذعان داشتند دین را باید طوری تفسیر کرد که به آزادی لطمه نزند. حالا دیدید چطور شد روزنامه نویسان سلام و خرداد و صبح امروز و نشاط قلم آمریکا و اسراییل و ترکیه را لای انگشتانشان می‌فشارند. (کار و کارگر 30 تیر 78)

● در مورد احمدی نژاد شهردار می‌گوید: «امام (ره) جوان‌ها را از کنار دریای خزر به اروند رود و در مقابل مسلسل‌های صدامی کشاند. آنجا شهوت رانی بود و اینجا شهادت. آن جوانان با شوق آمدند و این فتح نمایان را کردند. هم اکنون یک شهردار لایق با زندگی ساده و خدمت شایان روی کار آمده که شور و شوق فراوانی در مردم بوجود آورده آنها انسانهای فوق‌العاده‌ای نیستند اما انسان‌های دین‌باور و در مقام خدمت به مردمند.» (گفتگوی با خبرنگاری دانشجویان - ایسنا).

وی که در اوایل انقلاب فاقد حتی خانه مسکونی شخصی بود به یمن حضور در کنار رهبران نظام و دیدن خوابهای امام زمانی و داشتن فرزندی تاجر و انتشاراتی و... صاحب میلیاردها تومان سرمایه مردم ایران شده است. علاوه بر این دارایی‌ها، او صاحب معادن خاک سرخ در خلیج فارس می‌باشد که توسط یکی از فرزندانش که دارای کشتی‌های تجارتي است از این معادن بهره برداری می‌کند. او صاحب بنیاد پر سرمایه الغدیر است که از سوی احمدی نژاد حمایت کامل می‌شود و نماینده‌ای تام‌الاختیار در این بنیاد جهت رفع مشکلات مالی و سیاسی آن گماشته است.

4 - آیت الله عبدالکریم موسوی اردبیلی، نخست دادستان کل و سپس رئیس شورایی عالی قضائی و رئیس دیوان کشور و کسی که در ماجرای 14 اسفند، مانند محمد یزدی، برگهائی حاوی گزارشهای جنایت ها و فسادهایش بر پرونده سراسر جنایت و فساد قوه قضائیه افزوده است. او اگر در جریان اختلاس 500 میلیونی اش در همان زمان لو نمی رفت و خود را برای رهبری از خامنه ای اصلاح نمی شمرد، هم اینکه در مقام ریاست قوه قضائیه قرار داشت نه اینکه پرود و دانشگاه مفید باز کند و بشود آیت العظمی. فهرستی از اعمال این آیت الله فعلا اصلاح طلب :

• صدور احکام اعدام برای بسیاری از جوانان ایران و ایجاد دادگاه قلبی برای محاکمه مبارزان . و حرف شنوی از هاشمی رفسنجانی بر ضد بنی صدر در ماجرای 14 اسفند و انتشار کتاب 1000 صفحه ای غائله 14 اسفند که سندی ماندگار از دوران سراسر خیانت و جنایت و فساد خمینی است. رئیس دیوان عالی کشور و باز گردان دستگاه قضائی به دوران پر فساد شاه و البته پیشی گرفتن در فساد و جنایت. و ریاست دیوان عالی کشور در زمان اعدامهای سال 67. و سخنرانی در نماز جمعه و حمایت از اعدام زندانیان سال 67 .

او، بعدها که برکنار شد، به سوی اصلاح طلبی رفت و حالا دم از آزادی خواهی و مردمسالاری می زند. او حدود دهها حکم اعدام را بعد از سال شصت تأیید کرد. و دستور داد محاکمه دستگیر شدگان در میدان ولی عصر برگزار شود.

5- آیت الله مهدی ربانی املشی - دادستان کل در سالهای اول انقلاب که دهها حکم اعدام را صادر کرده است. وی از جمله حکام شرعی بود که موجبات تعطیلی نشریات و اعدام مبارزان را به وجود آورد. برخی ها معتقدند که خوب شد که او زود دار فانی را وداع کرد وگرنه از بسیاری از جنایتکاران فعلی بدتر بود.

6- آیت الله یوسف صانعی - دادستان کل کشور بعد از ربانی املشی. او از جمله حکام شرعی است که دهها حکم اعدام را تأیید کرده است. سالها عضو شورای نگهبان بود و فعلا اصلاح طلب شده است . او در حال حاضر از جمله مخالفان احکام قبلی و ولایت مطلقه خامنه ای است و عن قریب است که بلای منتظری بر سر وی آید.

او از جمله افرادی بود که در کنار منتظری سالهای دهه شصت قرار داشت و از جمله معترضین به حمله به بیت او بود. به نظر میرسد با توجه به برخی از نظرات فقهی که در حال حاضر داده است، مشکلاتی برایش به وجود آید به همین دلیل این روزها برخی از اصلاح طلبان در کار حمایت از او هستند.

7- آیت الله سید محمد موسوی خوئینی ها - صادر کننده مجوز تصرف سفارت امریکا و برانگیختن آنها به حمله به سفارت امریکا بود. او سالها دادستان کل کشور بود و در سال 67 ، مسئول اعدام هزاران زندانی سیاسی است. او مدیریت روزنامه سلام را بر عهده داشت و بعدها توسط دادگاه ویژه روحانیت به 5 سال زندان محکوم شد. او اینکه از اصلاح طلبان است. هنوز بعد از سالها حاضر به بازگشایی پرونده آن جنایت بزرگ نیست. اما در عین حال مدعی اصلاح گری است.

8- آیت الله مرتضی مقتدایی - متولد 1314 در اصفهان و عضو مافیا از 1357 تا 1387. از حکام شرع دادگاههای انقلاب و سخنگوی شورای عالی قضایی و ریاست دیوان عالی کشور و ریاست دادسرای دیوان عالی و دادستانی کل کشور و عضویت در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و عضویت در شورای عالی حوزه علمیه قم و نمایندگی مجلس خبرگان رهبری از استان اصفهان و مسئول اسبق دیوان عدالت اداری و از جنایتکاران به نام.

وی از معروفترین قضات شرع دست اندر کار جنایات از سال شصت به بعد و یکی از اعضای برجسته قاضیان صادر کننده احکام اعدامهای سال 67 است. و در حال حاضر از مسئولین و معاونین قوه قضائیه می باشد. پسر وی و پسر دری نجف آبادی و پسر واعظ طبسی با استفاده از قدرت پدر های خود دهها میلیارد تومان اختلاس کرده اند. البته وضعیت مالی خود او بسیار عالی است. ثروت او نشان می دهد او پاداش بسیاری از جنایات خود را گرفته است. مقتدایی سالها در شورای عالی قضایی کمک کار کودتاگران بود و در این راه با تمام وجود خود برای نابودی حرکت انقلاب مردم ایران تلاش می کرد.

9 - آیت الله محمدی گیلانی - از حکام شرع ملقب به قصاب اوین و از فقهای مرتد و ناصبی شناس است! این روحانی قاتل بی بدیل و مأمور صدور احکام اعدام در سال 60 است. در آن سال، نگران دو فرزندش بود که از گروه مجاهدین خلق بودند. اما جنایتکار دیگری که او نیز قصاب اوین گشت، یعنی لاجوردی، دستور داد فرزندان او را زنده به اوین نیاورند. آن دو بدست جلادان لاجوردی کشته شدند. در زمانی که در اوج کرکری خواندن ناصبی شناسی و مرتد شناسی بود، در محل کار خود، در شورای عالی قضایی، کار آموزش افراد تازه وارد به قوه قضائیه را بر عهده داشت. در این کلاسها او به آموختن مرتد شناسی و ناصبی شناسی شاغل بود. هو و دوستان او بودند که بسیاری از جنایتکاران را کشف کرده و در سنین جوانی به اجتهاد رساندند و مقام قضاوت به آنها دادند.

آموزش های او و جوادی آملی و مصباح یزدی و ... بودند که برخی از این افراد را در سن بیست و یکسالگی به درجه اجتهاد در جنایت رساندند.

آیت الله محمد محمدی صومعه سرایی معروف به محمدی گیلانی - قاضی القضاة حکام شرع و از جمله تئوریسین های مرتد شناسی، کسی است که موجبات قتل صدها مبارز از جمله پسران خود را به وجود آورد.

وی سالها در منصب قضاوت به شقاوت مشغول بود. او همان کس است که منتخب ملت ایران، بنی صدر را هفت بار باغی با غین و محکوم به 7 بار اعدام خواند.

از گفته های محبت آمیز این حاکم شرع، این گفته است: «شورشانی که در خیابان ها مجروح می شوند باید کارشان را تمام کرد» و آن ها که در تظاهرات علیه جمهوری اسلامی شرکت می کنند «باید در محل، مقابل دیوار اعدام شوند» و «توبه آن ها پذیرفته نمی شود و مجازات را قرآن تعیین می کند، مرگ با بدترین وسایل، با دار، قطع دست راست و پای چپ ( نامه بنی صدر به خمینی، 3 مرداد 1359؛ نامه ها از بنی صدر به خمینی و دیگران، ص 82 )

• محمدی گیلانی باز گفته است: «حارب، بعد از دستگیر شدن، توبه اش پذیرفته نمی شود و کیفرش همان است که قرآن گفته. کشتن به شدیدترین وجه. حلق آویز کردن به فضاحتبارترین حالت ممکن. تعزیر باید پوست را بدرد، از گوشت عبور کند و استخوان را درهم شکنند.» ( کیهان، 28 شهریور 60 )

جملات بالا انسان را به یاد خوفترین زندانبانان و جنایتکاران دوران هیتلر و استالین و شارون می اندازد. اگر تعزیر این است که او می گوید پس شکنجه چیست؟

شنیده بودیم در شکنجه گاه های زمان رژیم قبلی به گونه ای به مبارزان شلاق می زدند که خون از بدن آنها راه می افتاد. حال با این نظر آیت الله به نظر می رسد که شاه و شکنجه گران آن زمان همه مسلمانان ولایت مطلقه خواه بوده اند! چه راست گفته است آیت الله بروجردی: اگر ما بر سر کار بیاییم از شاه هم بیشتر آدم می کشیم.

10- آیت الله نیری - یکی دیگر از قضات برجسته در اعدام های جوانان ایران و از اعضای اصلی کشتار زندانیان در سال 67 می باشد. این مهره پرورش یافته در حوزه جنایت، چنان بی رحم است که حتی به دوستان خود هم رحم نمی کند. در کشتار سال 67 خود، برخی از زندانیان را مورد سؤال قرار می داد و یک جواب ناموفق یا دلخواه او کافی برای صدور حکم اعدام زندانیان بود. خاطره رفت و آمد های او بین زندانهای تهران و کرج برای اعدام هر چه سریعتر زندانیان بوسیله هلیکوپتر هنوز در حافظه های بسیاری زنده است. او و مقتدایی برای خراب کردن آیت الله منتظری دست به هر کاری می زدند.

آیت الله جعفر - حسینعلی - نیری - از حکام شرع و از سه نفر منتخب آقای خمینی در جنایات زندانهای کشور در سال 67 بود. وی سالها قائم مقام رییس دیوان عالی قضایی و معاون محمدی گیلانی از سال ۶۳ تا ۶۸ بود.

11 - آیت الله رهبرپور از رؤسای دادگاههای انقلاب که از سال شصت در مقام قاضی شرع اعدامهایش را شروع کرد. پس از آن، مدت چندین سال ریاست دادگاههای انقلاب اسلامی را بر عهده داشت. وی از جنایتکاران به نام در جمهوری اسلامی است که در حال حاضر در حال قضاوت در دادگاههای ویژه و مخفی می باشد. از جمله کارهای او کارهای زیر هستند:

- صدور دهها حکم اعدام برای مبارزان
- صدور دستور دستگیری صدها دانشجو و فعالان سیاسی.

- شرکت در محاکمه بسیاری از سیاسیون و دگر اندیشان از سال شصت به بعد .
- ریاست دادگاه انقلاب به مدت چندین سال .
- عضویت در شورای قضات مرتد شناس و ناصبی شناس و یارگار مبشری و پور محمدی و...

12- آیت الله علی مبشری - از جمله حاکمان شرع جنایتکار که بعد از رهبر پور به ریاست دادگاههای انقلاب مرکز رسید. او از جمله افرادی بود که در جریان اعدامهای سال 67 مسئول بوده است. دوره جاجایی وی و رهبر پور بسیار جالب است.

13- حجت الاسلام محمد نیازی دادستان دادرسی نظامی و رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح. او در جریان بازجویی از قاتلان قتل های زنجیره ای از سوی میر حجازی مسئول این کار شده بود که متهمان را به زیر شکنجه برده بود و دستور تعزیر و شکنجه از سوی وی صادر شده بود. ارتباط وی با میر حجازی منجر به این شده بود که از دفتر امام جمعه به این مقام برسد.

14- آیت الله مرتضی فهیم کرمانی - معاون اسدالله لاجوردی در زندانهای تهران - حاکم شرع کرمان و از جنایتکاران به نام که بعدها در رابطه با تریاک و گرفتن رشوه از کار برکنار شد. او در اعدام زندانیان سیاسی در سال 60 بسیار فعال بوده است.

حسین موسوی تبریزی در مورد او در نشریه چشم انداز چنین می نویسد و او خود را تبرئه می کند :

«آقای لاجوردی آدم خوبی بود. مسلماً متدین بود. اصلاً اهل سوءاستفاده مالی و اخلاقی نبود، ساده زیست، انقلابی و مردمی بود، ولی برخوردهای خارج از قانون داشت که قابل توجیه نبود. در رابطه با برخوردهای خشن باید خیلی مواظبش می شدیم. از طریق نمایندگان مجلس هم این مسئله به گوش حضرت امام رسیده بود. من آقای فهیم کرمانی را آوردم در اوین معاون ایشان کردم که مواظب همین مسائل باشد. آقای فهیم کرمانی حساسیت خاصی در رابطه با اعمال خشونت نسبت به زندانیها داشت. آن زمان گروه خاصی هم در اوین بودند و نمیخواستند کسی وارد بشود و کاری انجام بدهد. طیف بازار بودند و از زمان شهیدان بزرگوار آقایان بهشتی و قدوسی در زندان اوین مشغول بودند و طوری برخورد کردند که آقای فهیم کرمانی ناراحت شد و گفت که من نمی توانم کار کنم.»

15- حجت الاسلام اکبر جمشیدی - معروف به ناطق نوری - از جمله حکام شرع دوران خمینی و حاکم شرع دادگاه گروه فرقان است. وی نیز در پرونده جنایات خود، صدور دهها حکم اعدام را دارد .

او کسی است که در جریان 18 تیر مدعی شد باید حکم اعدام چندین تن از افراد ملی - مذهبی را صادر کرد تا جریان آرام شود . وی یک دوره وزیر کشور بود و سالها نیز ریاست مجلس را بر عهده داشت. او یکی از سرمایه داران کشور به حساب می آید و در حال حاضر رییس بازرسی بیت رهبری میباشد.

به نقل از عباس پالیزدار - از اعضای کمیسیون تحقیق و تفحص قوه قضاییه در سخنرانی 2 اردیبهشت سال 78 در دانشگاه همدان - قاچاقچی بزرگ فرودگاه پیام هزار و صد پرونده قاچاق کالا دارد اما هنوز موفق به بازداشتش نمی شویم چرا که تحت الحمایه آقای ناطق نوری است.

در مورد زندگی وی همین بس که وی هم مانند دیگر روحانیون هم قطار خود، قبل از انقلاب، منبر می رفت. وانت باری داشت و با آن، از این مجلس به آن مجلس می رفت و با درآمد روضه خوانی امرار معاش می کرد. اما همین چند سال پیش بود که سند خانه وی که بیش از 10 میلیارد تومان ارزش داشت جهت وثیقه 5 میلیارد تومانی برای آزادی فرزند واعظ طبسی به دادگاه داده شد.

16 - عباسعلی آقا علیجانی معروف به قدرت الله علیجانی از حکام شرع و فردی که در قتل بسیاری از مبارزان شرکت داشته است. او هم اکنون نماینده مجلس از قزوین می باشد. نام وی برای مردم استان قزوین که مدعی بود رضا شاه قزوین است تداعی کننده قتل و جنایات سالهای 60 در این استان است. گویا نان مجلس به دهان وی خوش آمده است زیرا در دوره گذشته مجلس او پسرش را هم به مجلس آورده بود به عنوان نماینده شهرستان آوج تا از پدر راه روش جنایت و خیانت را فرا گیرد. علیجانی از جمله زندانیانی بود که قبل از انقلاب با گفتن سپاس شاه مورد عفو ملوکانه قرار گرفته و آزاد شده بود.

17- حجت الاسلام عبدالمجید معادیخواه از حکام شرع دادگاههای انقلاب و زمانی وزیر ارشاد نظام ولایت بود که به دلیل داشتن روابط اخلاقی سوء از کار برکنار شد.

وی رییس دادگاه تقی شهرام بود و در حال حاضر ریاست بنیاد تاریخ ایران را بر عهده دارد. او دایی آخوند شخصی پوش غلامحسین کرباسچی شهردار معروف تهران است و در حال حاضر ادای اصلاح طلبان را در میآورد.

18- آیت الله محسن اراکی یکی از عوامل اعدامهای سال شصت در استان خوزستان و دیگر استانها است. زیرا در آن سالها برای اینکه قاضی شرعی شناخته نشود، آنها را نوبتی در استانها جاجا می کردند. به خاطرنیایات بیشمارش، او مسئول و نماینده خامنه ای در مرکز اسلامی لندن شد و سالها در عین عضویت در شورای خبرگان رهبری در آنجا به چپاول اموال ملت ادامه داد و از قبل اموال بیت المال چندین خانه در لندن و دیگر شهرهای اروپایی خریداری نموده است. او حاکم شرع اعدام جوانان در استانهای جنوب در سال 60 و خوزستان و کرمانشاه بود. و نیز عضو شورای خبرگان رهبری و نماینده خامنه ای و مسئول دفتر اسلامی لندن و از کارهای دفتر او شناسایی مبارزان در خارج از کشور مخصوص در انگلستان بود. هم اینکه، او با داشتن دهها خانه مسکونی جهت خود و فرزندان در انگلیس، برای ادامه رژیم ولایت مطلقه فقیه، در قم مستقر و مشغول خدمت به خامنه ای است.

19 - حجت الاسلام محمد علی حیدری از حاکمان شرع دادگاههای انقلاب بود که احکام اعدام وی در استان همدان معروف است.

20- حجت الاسلام غلامحسین نادی حاکم شرع دادگاههای انقلاب اسلامی بود که دهها حکم اعدام از سوی وی صادر شده اند.

21- آیت الله محمود هاشمی شاهرودی " رییس " قوه قضائیه یکی از پوششگران چند ساله اخیر جنایاتی است که مافیای قضائی مرتکب می شود. جنایات بسیاری زیر عبای او انجام شده اند و می شوند ولی دریغ از یک حرکتی که او برای به دام انداختن قاتلان انجام دهد. وی زمانی قوه قضائیه را ویرانه نام نهاد. ولی این حرف او شعاری بیش نبود. البته آن زمان او درست نمی توانست فارسی صحبت کند. زیرا این رییس قوه قضائیه کشور ایران یک عراقی است و متولد نجف می باشد که ستادی برای حقوق بشر در ایران را پایه نهاده است. این آیت الله قوه قضائیه به همراه ابریشمی مسئول دفتر قوه قضائیه، نمایندگی گوشی های موبایل را در اختیار دارند. از قبل همین تجارت سالها حدود پانصد نفر از منسوبان و وابستگان خود را به زیارت مکه می برد. او در این پست تنها تماشاگر و پوشش جنایات است و به احتمال زیاد در بسیاری از آنها، به دلیل آگاه شدن و عدم افشا، دخیل است. در دوران ریاست این آیت الله که یکی از حکام شرع دهه شصت بود است، چندین زندانی در زندانها به قتل رسیدند اما هیچ خبری از دستگیری و محاکمه عاملین آنها نشد از جمله، زهرا کاظمی - اکبر محمدی - زهرا بنی عامری و ...

22- آیت الله صادق صدقی گیوی، معروف به صادق خلخالی از حاکمان شرع منصوب خمینی که صدها حکم اعدام را شخصا صادر کرده است. خود او خطاب به معترضان خویش گفت: اگر من 550 نفر را اعدام کردم، شما گله گله اعدام می کنید! از جنایات وی یکی صدور احکام سران ترکمن صحرا است و محسن رفیق دوست متهم به اجرای آن حکم در جنگهای شمال است. در تصویری که از دوران حاکمیت شرعی وی موجود است دیده شده که یکی از متهمان را بر روی برانکارد تیرباران کرده است. جمله جالب وی یکی اینست: اگر اعدام شدگانی بی گناه بوده باشند، به بهشت می روند. باز از جنایتهای او، کشتن جوان 15 ساله در قم است. جوان مشغول توزیع اعلامیه بوده و خلخالی تیری در کله او خالی کرده است. وی بعد از رد شدن صلاحیتش برای نمایندگی مجلس خبرگان، مخالف نظام ولایت فقیه شد و سالهای آخر عمر را در بیماری شدید روانی به سر برد.

در مورد احکام خلخالی حاکم شرع ویژه خمینی این داستان خواندنی است: خوزستانی، در مقاله تحریف کدام اندیشه ها - کدام ارزشها به نقل از کتاب جعفری چنین می نویسد:

«...توضیح اینکه آقای شیخ اسدالله عندلیب بنابه حکم آقای خمینی ریاست دادگاه انقلاب و حاکمیت شرع شیراز را برعهده داشت و هیچ یک از زندانیان سیاسی حکومت مرگ نداشتند، سر لشکر ده پناه به یک سال زندان محکوم شده



بود، سرهنگ غضنفر بهمن‌پور به شش ماه زندان محکوم شده بود و از سوی آقای ربّانی شیرازی وسیله شیخ عبدالرحیمی به برادر زنش دکتر فاتح‌نژاد پیغام داده شده بود که اگر یکصد هزار تومان به حساب امام بریزند، آزاد خواهد شد. مبلغ مزبور به حساب آقای خمینی ریخته شد و قرار بود دو سه روز دیگر آزاد شود. سرگرد طوطیان به پنج سال زندان محکوم بود، و زندان به یک سال و مابقی به همین منوال داشتند مدت زندان خود را می‌گذرانند که آقای سیدعبدالحسین دستغیب امام جمعه شیراز می‌گفت: «من اطاع الخمینی فقد اطاع الله...» از اینکه در شیراز کسی را به جرم‌های فرضی و... نکشته بودند بسیار عصبانی بود. به شیخ صادق خلخالی، که از سوی آقای خمینی حکم داشت تلگراف کرد که ای آقای خلخالی تاکنون در شیراز هیچ‌کس اعدام انقلابی نشده و این ننگ بر پیشانی شیراز است. لطفاً شما بیائید و به پرونده‌ها رسیدگی کنید.

در پی این تلگراف آقای خلخالی بعد از ظهر پنجشنبه به شیراز رفت و مستقیماً به محل سپاه پاسداران رفت و با تعدادی تفنگچی عازم زندان عادل آباد شیراز شده و آنها را از زندان بیرون کشید و تا ساعت 11 شب کار همه را ساخت و تا ساعت حدود 12 شب همه را اعدام کرد. در میان این چهارده نفر اعدام شده خانمی یهودی بنام بانو نصرت گوئل بود که وی سه ماهه آبستن و دارای 4 فرزند و کارگر آرایشگاه بود که بی‌گناه اعدام شد.

جریان اعدام وی بنابه اطلاع آقای مهندس رجبعلی طاهری چنین است: آقای مهندس طاهری قبلاً فرمانده سپاه شیراز بود و در تاریخ 59/4/12 وکیل مجلس و نماینده کازرون بود. بعد از اعدام این چهارده نفر و اعدام این زن بی‌گناه برای تحقیق به سپاه می‌رود و از بچه‌های سپاه می‌پرسد جریان از چه قرار بوده است و چرا این زن اعدام شده است. نظر به اینکه وی خودش فرمانده سپاه آنجا بوده و همه را می‌شناخته بوی می‌گویند: فاحش‌های بنام زهرا در شیراز دستگیر شده بود و یک میلیون پول داده و آزاد گردیده بود. بچه‌های سپاه به خلخالی می‌گویند که زهرا یک میلیون داده و آزاد شده است. خلخالی می‌گوید بروید و او را بیاورید. بچه‌ها می‌روند که زهرا را بیاورند. زهرا که مخفی شده و یا به جانی رفته بود، وی را پیدا نمی‌کنند. بچه‌ها می‌گویند این‌که بد شد که او را پیدا نکردیم و خوب نیست که دست خالی برگردیم. به آرایشگاهی می‌روند و این زن را با خود می‌برند پیش خلخالی و می‌گویند این زهرا است. خلخالی می‌گوید زهرا. خانم گوئل می‌گوید، من زهرا نیستم و نصرت گوئل هستم و زهرا کیست؟ آقای خلخالی می‌گوید برو. زن بیچاره موقعی که حرکت می‌کند که برود، یکی از بچه‌های سپاه در گوشه به خلخالی می‌گوید که خود این زن هم دختر تلفنی دارد. خلخالی هم فوراً به او می‌گوید برگرد و بلافاصله وی را اعدام می‌کند. به هر حال، پس از اعدام این 14 نفر، خانواده‌های مقتول به این‌طرف و آن‌طرف شکایت و دادخواهی کردند ولی صدایشان بجایی نرسید. روح‌الله سلیم همسر بانو نصرت گوئل و فرزندان وی شکوائیه‌ای تنظیم و جهت حمایت و کمک به آیت‌الله علاتی تقدیم کردند. آیت‌الله علاتی نیز در رابطه با اعدام‌های برق‌آسای خلخالی در شیراز و مشکلات و مسایل دیگر در تاریخ 1359/4/25 برابر چهارم رمضان المبارک 1400 نامه‌ای به آقای خمینی نوشته است که فرازهایی از آن به قرار زیر است:

«می‌دانم حضرتعالی از کیفیت احکام صادره از سوی حاکم شرع دادگاه‌های ویژه مطلعید، آیا می‌دانید که این آقا چگونه 14 نفر را در مدتی کمتر از 10 ساعت بقول خودش بدون محاکمه و بدون مطالعه پرونده‌ها کشتار کرد و در حالی‌که حتی اجازه ملاقات به خانواده‌های آنها نیز نداد؟ و بسیار بعید است انسانی که اینطور دست خود را بخون مردم آلوده می‌کند در گزارش خود دروغ نگوید و به شما خلاف نرساند. آیا چگونه می‌توان احکام متناقض حکام دادگاه‌های انقلاب اسلامی را توجیه و تفسیر کرد؟ متهمی اول به یکسال زندان و پرداخت یکصد هزار تومان وجه نقد (بطور غیررسمی بلکه سری و بنام هدیه به بنیاد مستضعفان) محکوم می‌شود و تنها پس از چند ماه که از محکومیتش می‌گذرد به ناگهان توسط حاکم شرع دیگری تیرباران می‌شود؟ عجیباً! چه دادگاهی، چه احکامی و چه مجازاتی؟

حضرت آیت‌الله خمینی، مگر نه اینست که می‌خواهیم انقلاب خود را به جهان صادر نمائیم و بشریت را از ظلم و تباهی برهانیم، آیا با این چهره‌گریه و خشنی که از اسلام ساخته‌ایم؟ آیا با خشنوت و زور می‌توان اسلام را جهان‌گیر ساخت یا با منطقت و عطفوت و عدالت؟ اگر نشود که نظام واحد و مسئولیت

مشخص را در این جامعه حکمفرما نمود، با این تعدد مراکز قدرت به کجا می‌رویم؟» آقای خمینی در تاریخ بیستم رمضان المبارک 1400 برابر 59/5/10 به نامه آقای محلاتی پاسخ گفته است که فرازی از پاسخ آقای خمینی چنین است: «راجع به مسائلی که در کشور می‌گذرد و بعضی از آنها موجب نگرانی جنابعالی شده است باید عرض کنم که این نگرانی برای اینجانب نیز هست ولی خاطر شریف مستحضر است که این انقلاب بزرگ از بهترین انقلاب‌هایی است که در جهان بوده است و دنیا بی انقلاب نمی‌شود و معقول نیست همه چیز موافق دلخواه باشد.»

و نیز، خمینی به بنی صدر و بسا به دیگران نیز گفته بود: خلخالی نزد من آمده بود و می‌گفت مرا نخست وزیر کنید. به او گفتم: بله، اگر شما را نخست وزیر کنیم، همه مسائل کشور حل می‌شود. زیرا نیمی از جمعیت کشور را اعدام می‌کنید و دیگر مسئله ای باقی نمی‌ماند!

23- حجت الاسلام هادی غفاری از جمله روحانیون وابسته به قوه قضاییه که حکم بسیار قتل‌ها و ترور مبارزان در پرونده وی وجود دارد. او در سال 60 به هادی چماق معروف بود و در زندانها خود به بازجویی از مبارزان می‌پرداخت و راسا آنها را شکنجه می‌کرد بعدها اصلاح طلب شد.

وی فرزند آیت الله غفاری بود که سالها به دروغ می‌گفت که در زندان شاه سر پدرش را با مته سوراخ کرده اند. بعد معلوم شد که دروغ گفته است. او بعد از انقلاب، شرکت جوراب استارلایت را تصاحب کرده بود و از جمله سرمایه داران است. هادی غفاری نماینده دور اول مجلس بود و رهبری چماقداران در سالهای بعد از انقلاب را بر عهده داشت و بعدها به دلیل ارتکاب برخی از اعمال اخلاقی و مالی به خوردن حد شرعی محکوم شد.

24 - آیت الله علی قدوسی دادستان کل انقلاب و از اساتید مدرسه علمیه حقانی. وی در نظام ولایت فقیه دهها حکم اعدام صادر کرده است. او در محل کار خود به قتل رسید. او از کسانی بود که با کمک بهشتی و دیگران اقدام به تعطیلی نشریات برای اولین بار نمود.

علی قدوسی گفته است: نظر امام این بود که آنها (اعضای شورای انقلاب که در حزب جمهوری اسلامی نبودند و مانع تصرف دولت توسط این حزب بودند) باید در شورای انقلاب باشند که دیگران فکر نکنند آخوندها آمده‌اند تا همه مراکز قدرت را در اختیار بگیرند. دیدیم که تا آخر هم در پست‌های حساسی مانند ریاست جمهوری (بنی صدر) - وزارت امور خارجه، صدا و سیما (قطب زاده) و بسیاری از وزارتخانه‌های دیگر (اعضای نهضت آزادی) قرار داشتند و شاید هم لازم بود که بیایند و خودشان را در معرض آزمایش بگذارند تا مردم آنها را بشناسند و روحیاتشان را ببینند و گرنه با آن وضعیتی که ما در ابتدای انقلاب داشتیم و آشفتگی‌هایی که بود شاید خیلی از انتظاراتی که مردم داشتند برآورده نمی‌شد و بعد مردم همه را به پای روحانیت می‌گذاشتند که نتوانستند مملکت را اداره کنند". (خاطرات علی جنتی، سعید فخر زاده، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص 170-169)

25- آیت الله محمد حسین ریحانی معروف به محمد حسین موسوی تبریزی دادستان کل که بعد از قتل علی قدوسی به این سمت منصوب شد. وی از جمله جنایتکارترین دادستانهای انقلاب بود که در سال 60 میدان و خیابان ولی عصر را دادگاه مبارزان خواند و فراوان حکم اعدام صادر کرد. او در حال حاضر یکی از اصلاح طلبان به نام شده است و نماینده مجلس خبرگان رهبری است و رییس خانه احزاب. از نکات جالب زندگینامه وی این است که او هم به جرم فساد اخلاقی از کار برکنار شد.

نشریه «همشهری ماه» تیرماه 80 مصاحبه «حسین موسوی تبریزی»... بعد کاری که ما کردیم، همه اینها را جمع کردیم، از سپاه و کمیته و نخست‌وزیری و دادسرای انقلاب تهران و آقای «فلاحیان» را مسئول هماهنگی اینها قرار دادیم دو سه ماه که با هم هماهنگ شدند، کارها خیلی خوب پیش رفت و بیش از 80 خانه تیمی مجاهدین خلق را کشف کردند و همان جا بود که محل اختفای «موسوی خیابانی» و سران‌شان کشف شد...» (کتاب شنود اشباح ص 530)

26- حجت الاسلام ایزد پناه از معاونین قوه قضاییه که سالها در این مقام مشغول به کار بود. او در صدور و اجرای بسیاری از احکام اعدام‌ها شریک قاضیان شرع بوده است.

27- حجت الاسلام ابوالفضل موسوی تهریزی از روحانیون به نام قوه قضاییه که جانشین ری شهری شده بود. وی از قضات برجسته و دادستان انقلاب بود که دهها فقره حکم اعدام صادر کرد. او زمانی رییس دیوان عدالت اداری بود که حالا در اختیار دری نجف آبادی است.

28- حاج آقا حجت الاسلام شوشتری از مسئولین زندانها و رییس سازمان زندانها در دوران هاشمی و نماینده مجلس که بعدها به وزارت دادگستری رسید. او در جریان اعدام زندانیان سیاسی در سال 67 از جمله مسئولان بوده است.

29 - حجت الاسلام ابراهیم ریسی، معاون شاهرودی و رییس بازرسی کل کشور و یکی از جنایتکاران بنام و یکی از سه " قاضی" اعدام بیش از 5 هزار تن در زندانهای ایران، در شهریور 1367. فهرستی از جنایتهای او :

- دادن حکم دهها اعدام در سالهای 60 و بعد از آن
- شرکت مستقیم- به فرمان خمینی - در قتل عام زندانیان سیاسی در سال 67 که 5 هزار نفر بنا بر احکام او و نیری و پور محمدی اعدام شدند
- شرکت در غارت اموال مردم و دزدی ها و گرفتن میلیاردها تومان رشوه به حدی که اینک او یکی از سرمایه دارترین افراد ایران گشته است. او دارای صدها منزل و باغ و ویلا در ایران و چندین خانه در خارج از کشور می باشد. او یکی از اعضای باند جنایت است که از اول انقلاب همواره دستش در قتل ها و اعدام ها و شکنجه مبارزان بوده است. و چنین شخصی عضو ستاد حقوق بشر شده است.

بخشی از مصاحبه آیت الله منتظری با نیویورک تایمز، سخت عبرت آموز است :  
یادم هست وقتی که آقایان نامه از آیت الله خمینی برای اعدام مجاهدین خلق گرفتند، بعد نامه دومی را برای اعدام کمونیست ها از ایشان گرفتند، آقای خامنه ای - آن روز رئیس جمهور بود - داخل همین خانه به من گفت: «یک عده آمده اند به من گفته اند از امام یک نامه گرفته اند برای اعدام کمونیست ها، و خیلی کار بدی است.» گفتم: «آن روز که نامه گرفتند مجاهدین خلق را که بالاخره مسلمان بودند اعدام نمایند و دو هزار و هشتصد نفرشان را اقلای اعدام کردند چطور شما آن را هیچ نگفتی؟» ایشان گفت : «مگر نامه دیگری نوشته اند؟»

در کتاب خاطرات منتظری برخی از این جنایتکاران که ابراهیم ریسی هم در میان آنان است نام برده شده اند. بیهوده نیست که آنقدر در مورد او سخت گیری می کنند. زیرا اگر نبود کتاب خاطرات منتظری شاید سالها می گذشت و کسی در این مورد حرفهای مستندی نمی زد.

ابراهیم خان یکی از سه سرنشین همیشگی هلیکوپترهای مرگ بود و هو بود که در صدور بسیاری از احکام اعدام دخیل بود.

30- آیت الله احمد جنتی از اعضای اصلی مافیای جنایت است و در کلیه سرکوب ها و اعدام ها یا مستقیم نقش داشته است و یا پشتیبان صادر کنندگان و مجریان حکم اعدام بوده است و هست. او از قضات اعدام کننده در سال شصت بود. سالهای سال است به این کار مشغول می باشد و فتوا دهنده بسیاری از ترورها و اعدام ها بوده است. در زیر فهرستی از کارهای او را می آوریم:

- صدور احکام اعدام در اهواز، در سالهای اول انقلاب. او دانشجویی را به جرم سنگ پراکندن بسوی پاسدارهای سرکوب گر، محارب شناخته و محکوم به اعدام کرده بود.

- پدر معنوی گروههای چماق دار به خصوص انصار حزب الله .
- بنیان گذار نشریه یا لئارات الحسین با پول نماز جمعه تهران.

- نماینده رهبری در امور دانشگاهها

- دبیر شورای نگهبان و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و نماینده رهبری در سازمان تبلیغات اسلامی و عضو شورای خیرگان رهبری .

- مسئول ستاد امر به معروف و نهی از منکر که برای تبیین قوانین سرکوب دستوراتی به مجلس داد که قوانین بر اساس نیاز این سازمان و بسیج سپاه پاسداران باید نوشته تدوین و تصویب شوند.

- مجری کلیه تقلبات انتخاباتی با فتوای شرعی .
- مسئول درگیری ها در بوسنی هرزه گوین و مسئول ارسال نیرو به آن منطقه .

- عامل بسیاری از درگیری های خیابان ولی عصر و سرکوب مردم به خاطر بد حجابی و ...

- از مفتیان قتل های مخفی و یکی از قضات ناصب شناس و مرتد شناس.
  - از عوامل اصلی حمله به کوی دانشگاه.
  - وی در حال حاضر در بسیاری از برنامه ریزی های سرکوب از طراحان و تصویب کنندگان است.
- 31- حجت الاسلام مجید انصاری** از جمله افرادی است که در قوه قضاییه ایران نقش داشته است. وی سالهایی را در مسئولیت سازمان زندانها به سر برده است. همان سالهایی که اسدالله لاجوردی در زندان کشتار راه انداخته بود و او سکوت کرده بود.
- 32- حجت الاسلام جمال کریمی راد**، دادیار دادرسی عمومی و انقلاب به مدت ۲۵ سال، دادستان عمومی کردستان، رئیس دادگاه حقوقی یک زنجان و رئیس دادگاه انقلاب و دادگاه اصل ۴۹ در استان قزوین، مدیر کل تعزیرات حکومتی استان قزوین بوده است. او بعدها به ریاست دادگستری در استان خوزستان رسید و بعد سخنگوی قوه قضاییه شد و بعد وزیر دادگستری و سرانجام در تصادف کشته شد.
- 33- آیت الله مصباح یزدی** از مهمترین اعضاء شاخه فتوای سازمان ترور، سرپرست مجله پرتو ولایت و از رابطن گروه های انصاروحزب الله بود. او معلم بسیاری از قضات و حکام شرع ایران بوده است و به وسیله آموزشها و نیز دستور العمل های او، هزاران نفر از جوانان کشور به دست شاگردان وی به قتل رسیده اند.
- مصباح یزدی می گوید:** « هر جا که آهنگ مخالفت با ولایت فقیه یا ولی فقیه ساز شد، سعی کنید آن را خاموش کنید. اگر از روی نادانی است برایش توضیح دهید و شبهه اش را رفع کنید. ولی اگر از روی غرض ورزی است او را خفه کنید!» (سخنرانی در جمع بسیجیان شهرستان قروه ۷ مرداد ۸۱).
- 34- حجت الاسلام اصغر حجازی** مسئول اداره بیت رهبری (خامنه ای) و رابط سازمان ترور با واواک است. وی ابتداء قاضی شرع در خوزستان بود. اصغر حجازی در بسیاری از ترورهای داخلی و خارجی سمت فرماندهی را بر عهده داشته است.
- در اعترافات سعید امامی آمده است که آنها بعد از ترور داریوش فروهر و همسرش، جلسه ای تشکیل داده بودند. در آن جلسه، میرحجازی به چگونگی انجام عملیات گوش داده و در پایان گفته است: موید باشید و کارها را ادامه دهید.
- 35- حجت الاسلام مجتبی ذوالنور**، فرمانده تیپ مستقل ۸۳ امام صادق قم، عامل اصلی حمله به منزل آیت الله منتظری و جوادی آملی. وی در بسیاری از امور دادگاههای ویژه روحانیت دخیل بوده است و از نزدیکان محمد یزدی می باشد.
- 36- آیت الله محمد یزدی** از چهره های برجسته در کودتای سال شصت و ویران کننده قوه قضاییه و عضو گروه چماق کشان در قم است. در زیر کارهای ضد بشری او را فهرست می کنیم:
- صدور دهها حکم اعدام
  - پرونده سازی و برخورد برای آیت الله شریعتمداری و آیت الله روحانی
  - حمله به اجتماعات ضد خمینی در شهرستان قم بوسیله چماقکش معروف خود حاج غلام.
  - حذف دادرسیها در محاکم قضایی.
  - عضویت در شورای نگهبان و شورای خبرگان رهبری و شورای عالی قضایی و شورای مدرسین حوزه علمیه قم و شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی و شورای تشخیص مصلحت نظام.
  - عضو گروه صادر کنندگان احکام و فتاوی اعدام ها و ترور های سیاسیون و دگر اندیشان.
  - امام جمعه تهران و عامل برخی از سرکوبهای مردم و بردن و خوردن مال آنها که برخی از آنها به شورش مردم انجامیدند.
  - عامل به زندان انداختن صدها مبارز سیاسی و روزنامه نگار.
  - حیف و میل بیت المال توسط خود و فرزندان و داماد او، دکتر تحشید رییس دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. به بردن و خوردن بیت المال شهره اند.

از خاطرات جالب شیخ محمد یزدی در مورد انتخابات شورای جامعه مدرسین، یکی اینست:

« برای نخستین بار وقتی قرار شد که جامعه مدرسین اندکی شکل اداری به خود بگذرد به این نتیجه رسیدیم که باید امور مالی هم داشته باشد. بعد در فکر سرمایه اولیه افتادیم. اینجا بود که هر یک از اعضا مبلغی از خود گذاشتند حاصل کار ظاهراً هزار یا هزار و دویست تومان شد.» (خاطرات آیه الله یزدی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1380، ص 529).

آیه الله در مورد چگونگی شکلگیری مجمع و انتخاب افراد آن می نویسد: « مقام معظم رهبری در سخنرانی خود برای اعضای شورا در زمان ریاست جمهوری، نکته بسیار جالبی که خطاب به من بعنوان مسئول بخش سیاسی فرمودند این بود که در نظامهای حکومتی در برخی مواقع و موارد حکومت نمی تواند به طور مستقیم وارد شود و اظهار نظر نماید در عین حال دوست دارد که کلام و مرام او از کانال یک تشکیلات ذی نفوذ در میان عامه ابراز شود. در این حال نظام اگر هم از تشکیلات یاد شده حمایت کند در خفا خواهد بود. ( آیه الله خامنه ای سپس فرمودند جامعه مدرسین حکم همان تشکیلات را دارد و به خصوص وظیفه بخش سیاسی آن در این خصوص خطیر است.» آیه الله در مورد دوم می نویسد: « یک بار هم در ایام رهبری ایشان خدمتشان بودیم و در آن جلسه دوستانه، ایشان رهنمودهای بسیار ارزنده ای دادند و خط مشی ما را برای آینده تعیین فرمودند. از جمله عنوان کردند: اکثر اعضای شما دارای عنوان آیت الهی هستند و قدم به سن کهولت گذاشته اید و به تدریج توان کاری تان را از دست می دهید و به جایی می رسید که توانایی انجام کار از شما خلاف انتظار است. بنابراین باید شما تشکیلاتتان را اصلاح کنید. بدین ترتیب که عضوگیری کنید و از افراد جوان و شاداب بهره ببرید و امور اجرایی جامعه مدرسین را به آنها بسپارید و خودتان در پشت صحنه تنها به سیاستگزاریهای کلی رو آورید. از جمله پیشنهادهای ابتکارآمیزی که رهبر انقلاب در آن جلسه ارائه کردند این بود که فرمودند اگر موافق هستید آقایان فلانی و فلانی (اسامی ایشان را فرمودند) برای تغییر تشکیلات جامعه مدرسین انتخاب شوند. اگر خواستید می توانیم رای بگیریم. این پیشنهاد مقبول افتاد و به همین دلیل با آنکه از پایان وقت جلسه گذشته بود آن را تمدید کردیم و قرار شد که مخالفین و موافقین با این پیشنهاد، حرفهایشان را بزنند. یک دور آقایان صحبت کردند و بعضی ها به اسامی پیشنهادی رهبری تعدادی را افزودند. بنده به خاطر دارم که در آنجا اشکالی را مطرح کردم و آقای خامنه ای فرمودند که اشکال شما قابل حل است و راه حلش را عنوان کردند. در نهایت پنج نفر انتخاب شدند و مسئولیت اصلاح ساختار جامعه مدرسین و تغییر برنامه و اساسنامه به دوش آنان گذاشته شد. جلسه آن قدر به درازا کشید که وقت نماز ظهر و عصر فرا رسید و جلسه برای اقامه نماز و صرف ناهار موقتاً تعطیل شد. مجدداً جلسه شروع به کار کرد و مقام ولایت فرمودند. بنده مایلیم با پنج نفری که انتخاب شدند جلسه ای داشته باشم و بقیه آقایان می توانند تشریف ببرند. » (خاطرات آیه الله یزدی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1380، ص 531-32)

وی در سال 1310 هجری شمسی متولد شده است و این سمت ها را تصدی کرده است: ریاست دادگاه انقلاب اسلامی قم و ریاست دفتر امام (ره) در قم و نمایندگی مجلس خبرگان قانون اساسی و نمایندگی مجلس شورای اسلامی در دو دوره متوالی (دوره اول از قم و دوره دوم از تهران) و نایب رئیس مجلس شورای اسلامی و عضویت در شورای نگهبان و عضویت در شورای بازنگری قانون اساسی و ریاست قوه قضائیه با حکم خامنه ای در دو دوره پنج ساله و نمایندگی رؤسای سه قوه در هیأت سه نفره حل اختلاف بین بهشتی و هاشمی رفسنجانی و رجائی و بنی صدر و نمایندگی مجلس خبرگان رهبری.

عباس پالیزدار در مورد وی در دانشگاه همدان چنین می گوید :

«... آیت الله... آمدند نزد مقام رهبری گفتند که می خواهیم یک دانشگاه قضایی بسازیم برای خواهران در قم. مجوز داده شد. بلافاصله بعد از مجوز رفتند سراغ ساپورت مالی که بله کارخانه لاستیک دنا را مجوزش را بدهید. آقای نعمت زاده هم گفت کارخانه را در ازای 126 میلیارد به شما واگذار می کنیم. در حالی که قیمت واقعی آن 600 میلیارد بود. بعد این آقایان نامه نوشتند به نعمت زاده که تخفیف منظور فرمایید. بعد از بارها نامه نگاری برای گرفتن تخفیف، قیمت را از 600 میلیارد واقعی به 10 میلیارد رساندند. باز آقایان گفتند که ما پول نداریم. 80 درصدش را به اقساط می پردازیم.

نعمت زاده قبول کرد. دوباره گفتند بیست درصد بقیه را هم الان نداریم بعد از فروش مستغلات کارخانه می پردازیم. خوب به همین راحتی آقای آیت الله کارخانه را صاحب شد و بعد از مدتی هم این کارخانه را در بورس فروخت. در پی اصرار دانشجویان که نام این آیت الله را بری، پالیزار گفت: این شخص آیت الله یزدی رئیس سابق قوه قضاییه و دبیر جدید جامعه روحانیت حوزه علمیه قم است که چاپلوسانه ترین نامه تاریخ جمهوری اسلامی را اخیراً برای رهبر نوشت. (او به همراه محمد علی شرعی نماینده مجلس خیرگان استان قم) خوب مجدداً آقای آیت الله یزدی نامه ای می نویسد به آقای فروزش وزیر صنایع که پسر همید بیکار است. ترتیبی فرمایید از جنگل های شمال در جهت صادرات چوب بهرمنند شود. جالب است که همید یزدی در این زمان در قوه قضاییه مدیر کل بود. یعنی بی کار نبود. و به این صورت جنگل های شمال را به تاراج بردند. بعد رفتند مردم بومی شمال را که حالا شاید به اندازه هیزمشان چوب انبار کرده بودند بازداشت کردند که باعث شلوغی جلوی زندان در شمال شد.

● کارخانه ایران خورد و بدون هیچ ضابطه ای به قضات قوه قضاییه ماشین پرشیا را به نصف قیمت داد که بقیه اش را هم به اقساط باید می پرداختند. اما خیلی ها ماشین که به نامشان شد این قسط را هم نپرداختند. اما همین بذل و بخشش باعث شد صدای خیلی ها در بیاید. مثلاً یکباره بنیادی به نام بنیاد نهج البلاغه آمد گفت که آقا ما هم 500 تا ماشین با این تسهیلات می خواهیم. حالا فکر می کنید چه کسانی اعضای این بنیاد نهج البلاغه هستند. آقای علی اکبر ناطق نوری. رفیق دوست. عسگر اولادی. حسین دین پرور. معزی ● بعد از این ماجرا، باشگاه پرسپولیس به سرپرستی عابدینی و بنیادی به نام همگرایی اندیشه هم صدایشان در آمد که آقا ما هم از این ماشین ها می خواهیم. لازم به گفتن است که بنیاد "همگرایی اندیشه" متعلق به حجت الاسلام فلاحیان وزیر اسبق اطلاعات و آیت الله علم الهدی امام جمعه حجاب پرور مشهد است.

آیت الله محمد یزدی از جمله سرمایه دار ترین روحانیون بعد از انقلاب است که با نگاهی به زندگی گذشته وی می توان به این نتیجه رسید که دارایی های وی و خانواده وی بر اثر شرکت در جنایات بر ضد مردم به دست آمده اند.

## قاضیان عضو مافیا که برخی از آنها در کشتار زندانیان و ترورهای سیاسی نقش داشته اند

### \*بخشی از کتاب خاطرات آیت الله منتظری در بار کشتار زندانیان سیاسی در مراد - شهریور 1367 :

« به آیت الله موسوی اردبیلی که آن زمان رئیس شورای عالی قضایی بودند پیغام دادم: مگر قاضی های شما اینها را به پنج یا ده سال زندان محکوم نکرده اند؟ مگر شما مسئول نبودید؟... حتی افرادی که نماز می خواندند، روزه می گرفتند، طرف را می آوردند به او می گفتند بگو غلط کردم. او هم به شخصیتش برمی خورد نمی گفت. می گفتند پس تو سرموضع هستی و او را اعدام می کردند! در همین قم یکی از مسئولین قضایی آمد پیش من و از مسئول اطلاعات قم گله می کرد که می گوید تندتند اینها را بکشیم از شرشان راحت شویم. من می گویم آخر پرونده های اینها را بررسی کنیم یک تجدید نظری در حکم اینها بکنیم. می گوید حکم اینها را امام صادر کرده ما فقط باید تشخیص موضع بدهیم. به بعضی افراد می گویند تو سر موضعی؟! او هم نمی داند که قضیه از چه قرار است می گوید بله. فوری او را می برند اعدام می کنند... اول محرم

شد. من آقای نیری که قاضی شرع اوین و آقای اشراقی که دادستان بود و آقای رئیسی معاون دادستان و آقای پورمحمدی که نماینده اطلاعات بود را خواستم و گفتم الان محرم است حداقل در محرم از اعدام‌ها دست نگه دارید. آقای نیری گفت: «ما تا الان هفتصد و پنجاه نفر را در تهران اعدام کرده‌ایم، دوپست نفر را هم به عنوان سرموضع از بقیه جدا کرده‌ایم. کلك اینها را هم بکنیم بعد هر چه بفرمایید!»  
(خاطرات آیت‌الله منتظری، ج 1، صص 628 و 635)

### \* قاضیان عضو مافیای حاکم بر قوه قضائیه که برخی از آنها در کشتار زندانیان و ترور فروورها و نویسندگان نقش داشته اند:

- 37- آیت‌الله محمد مؤمن، در 23 دی 1316 هجری شمسی در خانواده‌ای مذهبی در شهر قم چشم به جهان گشود. سوابق او از اینقرارند:
- مسؤولیت انتخاب و اعزام قضات شرع دادگاههای انقلاب در سراسر کشور به دستور حضرت امام خمینی
  - ریاست دادگاه عالی انقلاب اسلامی
  - عضویت در شورای عالی قضائیه
  - عضویت در شورای نگهبان با حکم خمینی در سال 1362 و ابقاء در آن مسؤولیت با حکم خامنه ای .
  - مدیریت حوزه علمیه قم و عضویت در شورای عالی سیاستگذاری حوزه علمیه قم از سال 1371 تا 1374 و نیز عضویت در دوره چهارم شورای عالی حوزه علمیه قم
  - نمایندگی در دوره اول و دوم مجلس خبرگان رهبری از سمنان و در دوره سوم از قم
  - ریاست مجمع فقه اهل بیت (ع).
- او هم اکنون در حوزه علمیه قم - مجلس خبرگان رهبری - شورای نگهبان مشغول به خیانت است وی از جمله حاکمان شرع دادگاههای انقلاب بود که احکام بسیاری را صادر کرد.
- 38- حجت الاسلام مروی (داماد آیت الله خزعلی) وی سالها پیش فوت کرد اما قبل از آن، معاون قوه قضائیه بود و در جریان شکنجه متهمان به «قتل‌های زنجیره ای» اعتراضاتی به آن شکنجه‌ها کرد. اما خود وی سالها در پست‌های قضائیه از جمله قاضیان صادر کننده احکام سرکوب و اعدام بود .
- 39- حجت الاسلام احمد خاتمی متولد سمنان در ۱۳۳۹ . او شاگرد خزعلی و مشکینی و حسن زاده آملی و محمد تقی عبدوست و فلسفی و فاخر بود. او سالها در محاکمات قضائیه شرکت داشته است و در حال حاضر امامت موقت جمعه تهران را نیز در اختیار دارد .
- 40 - حجت الاسلام محمدی عراقی - داماد آیت الله مصباح یزدی و از قضات شرع سالهای شصت است . او احکام اعدام بسیاری را صادر کرده است . وی در حال حاضر رییس سازمان ارتباطات اسلامی می باشد که در سایه و پوشش این سازمان گروه های ویژه ترورهای خارج از کشور تحت نام رایزن فرهنگی و نیروهای فرهنگی به کشور های دیگر اعزام می شوند . این سازمان در حال حاضر خود را دارای قدرت کنترل وزارت خارجه می بیند و متکی یکی از معاونان محمدی عراقی بوده است .
- محمدی عراقی از شاگردان گروه الف مصباح یزدی بوده است که در سال های شصت و بعد از آن ، افرادش برای محاکمات و تبلیغات به شهرستانها اعزام شده بودند .
- وی سالها در سپاه پاسداران مشغول به حفاظت از ولایت بود و بعد از آن به سرپرستی سازمان ارتباطات اسلامی رسید. ناگفته نماند که سال گذشته، مصطفوی از شاگردان دانشگاه امام صادق به دستور احمدی نژاد جانشین وی شد.
- 41- حجت الاسلام سید صادق زیارتی معروف به (حمید روحانی) که در نجف بود . او از اعضای هیات ریسه مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران و دوست حسینیان و رازینی و پور محمدی و محسنی اژه ای است .

داستان جعل سند وی در مورد آیت الله روحانی در نجف از جمله داستانهایی است که جلال الدین فارسی از وی نقل کرده است. قبل از انقلاب نیز، او و همانند هایش برای خراب کردن چهره ها سند جعل می کردند.

42- آیت الله عبداللهی متولد 1326 در اصفهان او سمت های زیر را داشته است:

- حاکم شرع دادگاه انقلاب اهواز در سالهای 58-60 و نیز دادگاه ارتش و سپاه در تهران
  - حاکم شرع دادگاه عالی قم و عضویت در شورای سیاستگذاری صدا و سیما و عضویت در شورای مشورتی فقهی شورای نگهبان و عضویت در شورای عالی حوزه علمیه قم
  - 43 - حجت الاسلام مسیح مهاجری (مدیر مسئول روزنامه جمهوری اسلامی و نماینده ولی فقیه در این نشریه) از حکام شرع دادگاههای انقلاب و از اعضای هیات منصفه دادگاه ویژه روحانیت می باشد. او از جمله کسانی بود که در سالهای بعد از انقلاب به کار قضاوت می پرداخت.
  - 44- حجت الاسلام سید هادی خامنه ای برادر سید علی خامنه ای که در حال حاضر اصلاح طلب است. وی دورانی را در زندان اوین به بازجویی مشغول بود و حاکم شرع بود. او در مورد اینکه آیا شکنجه و تعزیر به درستی صورت می گیرد یا نه می گوید:
- « ما کابل های مورد استفاده در بازجویی را به نزد "امام" برده، ایشان آن هایی را که شرعی هستند، تایید کرده اند »

45- آیت الله محمد رضا مهدوی کنی کسی است که به سرپرستی کمیته های انقلاب اسلامی منصوب شد. بعد معاون وزیر کشور شد. بعد از کودتا، نخست وزیر نیز شد. او سالها از بنایان استبداد فقیه و در دروغگوئی تالی هاشمی رفسنجانی است. او صاحب دانشگاه امام صادق می باشد و در حال حاضر نماینده در شورای خبرگان رهبری است.

- برادر وی در دهه شصت به عنوان جاسوس کشورهای غربی دستگیر و به زندان محکوم شد. اما به زندان رفت. وی مسولیت اعمال ماشاء الله قصاب رییس کمیته مستقر در سفارت امریکا را بر عهده داشت و حامی او بود.
- لازم به ذکر است که مهدوی کنی اموال مردم را به چپاول برده است. زمانی بر سر چهارراه خیابان ولی عصر و طالقانی محلی وجود داشت که از سوی خانواده تولیت به عنوان مسجد وقف شده بود. بعد از حمله به بیت آیت الله منتظری، آن محل به زور از او گرفته شد و به محلی تجاری تبدیل گشت. قیمت هر متر از طبقات مختلف آن بین 8 تا 10 میلیون تومان است که این در آمد از آن آقای کنی و دانشگاه امام صادق او می باشد.
- دانشگاه امام صادق که مسولیت آن را کنی بر عهده دارد از دانشگاههایی است که رژیم در آن، به تربیت کادرهای خود می پردازد.
- فرزند او از قاچاقچیان بنام اشیاء عتیقه و آثار باستانی است.

46- حجت الاسلام علی یونسی با نام مستعار ادریسی، معاون محمد محمدی ری شهری از سال ۶۳ تا ۶۸ براین مسند بود بعد از انتصاب علی رازینی به ریاست دادگاه ویژه روحانیت و دادگستری تهران به مقام ریاست سازمان قضایی نیروهای مسلح دست یافت و سپس وزیر و اواواک شد.

47- حجت الاسلام علی رازینی: این شخص نیز، از همان روزهای اول بعد از پیروزی انقلاب، وارد رشته جنایت شد. در کرمانشاه بود که جنایتکاری را از اندازه بدر برد. در آغاز به کار بنی صدر، بعنوان نخستین رئیس جمهوری ایران، از او و جنایت هایش شکایت شد. شاکیان سندی را در اختیار او گذاشتند. سند نامه 11 تن بود. رازینی زیر فهرست نوشته بود 10 نفر بالا را اعدام کنید. نه تنها کسانی را محکوم به اعدام کرده بود که ندیده و نشناخته بود، بلکه حتی به خود زحمت خواندن اسامی و شمارش صحیح آنها را هم نداده بود. زیر فشار رئیس جمهوری، برای مدتی دست او کوتاه شد. اما بعد از کودتای خرداد 60، در "دادگاه انقلاب" تهران بود که به حرفه جنایت مشغول شد.

او اینک «رییس» دیوان عدالت است. پیش از این، از رؤسای دادگاههای انقلاب و ویژه روحانیت و... بوده است



بسیاری از پست های قوه قضاییه از اول انقلاب در دست یک عده خاص بوده است که در تمام جنایات دخیل بوده اند. هر از گاهی پست خود را با پست دیگر تعویض کرده اند. از این جمله اند افرادی مانند رازینی و حسینیان و فلاحیان و محسنی اژه ای و پور محمدی و ریسی و مبشری و رهبر پور و ...

او خود شخصا به شکنجه برخی از مبارزان پرداخته است از جمله شکنجه مستقیم آیت الله میلانی رهبر گروه مهدویت که مسئول ترور او بود. میلانی یکی از کسانی است که مستقیماً توسط این جنایتکار شکنجه شده است. در یکی از اعترافات سردار غلامرضا نقدی، در مورد شکنجه شهرداران تهران، آمده است که آیت الله رازینی دستور شکنجه کردن شهردارها را به او داده بود. جالب اینجاست که یکی از همکاران رازینی در آن قضیه محسنی اژه ای بود. رازینی سالها ریاست دادگاه ویژه روحانیت یا دادگاه کاپیتالاسیون داخلی را بر عهده داشت که بیشترین احکام صادره توسط او بر محکومیت روحانیون مبارز بود.

رازینی کار خود را به عنوان حاکم شرع در دادگاههای انقلاب شروع کرد و بعد به مسئولیت در دادگاههای

نظامیان رسید و سالها در دادگاههای ویژه روحانیت و دادستانی و دیگر مناصب جنایت در قوه قضاییه مشغول به کار بود و هم اکنون ریاست دیوان عدالت اداری را به جای دری نجف آبادی بر عهده دارد. زیرا دری نجف آبادی به جای وی به دادستانی رفت.

- او سالها در سرکوب گریها و جنایات دخواه «رهبر» شرکت داشته است.
- رازینی در جریان کشتار سال 60 در مشهد حاکم شرع زندانهای مشهد بود و در کنار او مصطفی پور محمدی و روح الله حسینیان به عنوان دادستان و دادیار ناظر زندان قرار گرفته بودند.

**48 -** حجت الاسلام ابراهیم رازینی، برادر علی رازینی از جمله سرکوبگران دادگاههای انقلاب و روحانیت است و سالهاست که تحت امر «رهبر» به محاکمه مخالفین می پردازد. وی از مسئولین ستاد امر به معروف و نهی از منکر به ریاست احمد جنتی است. و او مسئول هیات نظارت بر انتخابات استان تهران بود.

**49 -** حجت الاسلام دعاگو از روحانیون برجسته سرکوبگر و از قضات برجسته و از بازجویان زندان اوین و امام جمعه شمیرانات و عضو هیات منصفه دادگاه ویژه روحانیت بود و می گفت: «برای حفظ انقلاب گاهی اوقات مجبور می شوم، دوستانی را هلاک کنیم و از روی جسدشان بگذریم». وی در مورد روحانی آزاده، حسن لاهوتی، می گفت: خوب شد که مرد وگرنه با پرونده ای که ایشان داشت می بایست اعدام می شد.

این امام جمعه شمیرانات تهران از سرمایه دار ترین روحانیون این کشور است و پسر وی داماد عباسعلی علیزاده می باشد.

**50 -** محمد محمدی نیک، معروف به ریشهری یکی از نوابغ در جنایت و فساد است. ری شهری در کتاب خود چنین می نویسد: از طریق روح القدس خبر رسید که من دارم می آیم. مادرم رحمه الله علیها برای تعریف می کرد که هنگامی که تو را باردار بودم، روزی جلوی در خانه ایستاده بودم، شخصی را در حال عبور دیدم که مرا با نام حوری خطاب کرد و گفت: «فرزندی که در شکم داری پسر است و از ناحیه ی یکی از پسرهایت خیر خواهی دید» (خاطره ها - ص 18). او باز می نویسد: «من از اول نابغه بودم و از استادم بیشتر می فهمیدم با جدیت، کتاب جامع المقدمات را شروع کردم. استادم از پاسخگویی به برخی از سئوالات من ناتوان بود» (خاطره ها ص 20)

- از بنیانگذاران واواک و کاشف کودتا های بیشمار در ایران است. او به استناد همین کودتاهای قلبی، زمینه اعدام های بیشماری را فراهم آورد.
- فردی که از ترس جاننش هیچگاه بدون محافظ بیرون نمی آید، معلوم نیست چرا از رفتن و رسیدن به بهشت اینقدر وحشت دارد؟
- در زیر فهرستی از کارهای ایشان را می آوریم:
- از مفتیان قتل های سیاسی.

• عامل حصر در خانه آیت الله شریعتمداری و اعتراف گیری از او با تهدید اعدام دامادها و... به شرکت در کودتائی است که بابت آن صادق قطب زاده را اعدام کردند.

- عامل اصلی اعدام قطب زاده به جرم شرکت در کودتا . او در خاطراتش می نویسد: احمد خمینی تلفن کرد امام می فرم ایند قطب زاده را اعدام نکنید . گفتیم: حکم کتبی لازم است. تلفن کرد حکم کتبی نوشته اند. تا حکم برسد او را اعدام کردیم (نقل به مضمون)
- عامل حذف آیت الله منتظری به جرم داشتن ارتباط با سید مهدی هاشمی که قضیه مک فارلین را افشا کرد .
- عامل اعدام سید مهدی هاشمی و حجت الاسلام امید نجف آبادی
- عامل صدها اعدام از بدو انقلاب تا به حال .
- پدر معنوی حکام مرتد شناس و ناصب شناس در قوه قضاییه و واواک
- بنیانگذار گروه ارزشهای انقلاب اسلامی
- طراح و برنامه گذار بسیاری از بجران ها و ترور ها .
- محکوم کننده به اعدام افسران و درجه داران نیروی هوایی. شماری از قربانیان را، با شروع جنگ، بنی صدر موفق شد از این جنایتکار خلاص کند.
- در زمان وزارت او صدها مبارز اعدام شده یا به فرماندهی او ترور شده اند .
- صاحب قدرتمند دخمه های ترور های مخفی در تهران و شهرستانها .
- بنیانگذار بنیاد فواد ری و یکی از بنیاد های قدرتمند در امور اقتصادی و تجاری . کم نیستند صاحبان مؤسسات صنعتی و بازرگانی که او بزور مجبورشان کرده است بخشی از سهام شرکتهای خود را به او واگذار کنند.
- عامل و مفتی ترور سعید جاریان توسط مریدانش .
- او هم اینک مسئول بعثه رهبری در امور حج و زیارت می باشد و امیر الحاج است. از قبل همین امر سالانه میلیاردها تومان هزینه بنیاد اقتصادی فواد ری می نماید . جالب است که بدانیم او یکی از اعضای هیات ریسه کارخانه بی - ام - و در ایران است البته بزور صاحبش را مجبور کرده است بخش مهم از سهام شرکت خود را به او بدهد. واردات کالاهای قاچاق و غیر قانونی از سوی بنیاد این امیر الحاج خود داستانهای دارد . وی تولیت آستان شاه عبدالعظیم را در اختیار دارد و سلطان شهر ری می باشد.
- 51 - حجت الاسلام دری نجف آبادی دادستان کل کشور:
- یکی از قاضیان جنایت پیشه ایست که سالهای سال است به حرفه جنایت مشغول است. همین شخص بود که دستور کشتن سرافراز مرد وطن فروهر و همسرش را داد وی حکم بر بسیاری از قتل ها داده است .
- فهرستی از جنایات دری نجف آبادی ، « دادستان کل کشور و عضو ستاد حقوق بشر :
- شرکت و رهبری مستقیم جنایتهای سیاسی که داریوش و پروانه فروهر و محمد مختاری و محمد جعفر پوینده و مجید شریف و زال زاده و... قربانیان شان بودند .
- شرکت در اعدامهای ازکودتای سال 60 به بعد
- جاسوسی نزد منتظری برای باند خامنه ای - هاشمی رفسنجانی
- مسئولیت سرکوب مردم در نجف آباد زمانی که به نفع آیت الله منتظری تقصن کرده بودند
- دخالت در سرکوب روزنامه نگاران و دانشجویان در سمت دادستانی کل کشور
- گرفتن رشوه های چند صد میلیونی و میلیارد تومانی توسط خود و فرزندش در زمانی که سرپرست دیوان عدالت بود به گونه ای که پسرش را به جرم گرفتن رشوه دستگیر کردند. ولی به سرعت آزاد شد. در آن زمان، چند نفر از آقازاده ها را با هم در رابطه با رشوه و دخالت در احکام و ضربه به اقتصاد کشور دستگیر کردند. یکی از آنها، آقازاده دری نجف آبادی بود و دیگری آقازاده مقتدایی و سومی آقازاده واعظ طبسی و چهارمی آقازاده یکی دیگر از روحانیون . کار این گروه این بود که توسط پسر دری نجف آبادی، ارتباطاتی در دیوان عدالت ایجاد شده بود و برخی از احکام را با دریافت دهها میلیون تومان تغییر می دادند .
- واینک کسی که بر اثر لو رفتن مأموران قتلهای سیاسی ناگزیر از استعفاء شد از بانیان حقوق بشر شده است!
- 52- حجت الاسلام غلامحسین محسنی اژه ای یکی از جنایتکاران تاریخ ایران و همکار نزدیک پور محمدی و یکی از مجرمینی است که پرونده اش در دادگاه

مرتکبان جنایت بر ضد بشریت در حال بررسی می باشد . وی به همراه پور محمدی در جریان اعدام 4 هزار زندانی همان کارهایی را کردند که در زندانهای هیتلر و استالین انجام می دادند .

وی در دهها قتل دیگر نیز دخیل بوده است که قتل پیروز دوانی یکی از آنهاست . فهرستی از دیگر جنایتهای او :

- دخالت مستقیم در قتل شخصیتهای سیاسی و نویسندگان در ایران
  - صدور حکم اعدام صدها نفر در سالهای 60 و بعد از آن
  - دادن حکم اعدام پیروز دوانی و شرکت در قتل او
  - شرکت در بازجویی و سرپرستی دادگاههای انقلاب که منجر به اعدام هزاران نفر در ایران شده است
  - شرکت مستقیم در اعدام های سال 67 که حدود 4 هزار نفر اعدام شدند .
  - شرکت و همراهی در شکنجه و حمله به مبارزان روحانی و غیر روحانی
  - دادن حکم حصر آیه الله منتظری و زندان عبدالله نوری و شهرداران تهران و کرباسچی و گاز گرفتن و پرتاب قندان در یک دادگاه علنی که گفته می شود در بسیاری از دادگاههای غیر علنی کارهای بسیار زشت تری مانند مشت به دهان زدن و لگد به پهلوی زندانی زدن و کشیدن موی زندانی و تف به صورت زندانی انداختن از کارهای عادی او در حین محاکمه افراد سیاسی بوده است.
  - دادن حکم تعطیلی دهها نشریه در زمان ریاست بر دادگاهها
- این «قاضی» ضد بشر متاسفانه در گروه حقوق بشر اسلامی به همراه یاران جنایتکارش قرار گرفته است که وجود او در این کمیسیون یعنی به سخره گرفتن حقوق بشر.

او که اینک وزیر و اواک است، همواره در حال دسیسه چینی برضد مبارزان است. وی هم اینک در حال تهیه پروژه ضد انقلاب خمینی به همراه پور محمدی و دری نجف آبادی است تا بدین بهانه، بتوانند عده زیادی از روشنفکران و دگر اندیشان و سیاسیون و هنرمندان را به زندان بکشانند .

او در دستور شکنجه توانچه و اکبر محمدی که موجب مرگ او شده است از عوامل اصلی است . از بدو ورود به دادگاههای انقلاب و معاونت در و اواک همواره از عوامل قتل ها و شکنجه ها بوده است. وی پس از نصب به وزارت و اواک، در پیروی از تمایل خامنه ای، و اواک را زیر مجموعه سازمان ترور «بیت رهبری» قرار داد و کلیه اسناد و مدارک و پرونده های موجود را به آن بیت انتقال داد و موجب خشنودی «رهبر» را فراهم آورد . بدین ترتیب، دستگاههای اطلاعاتی کشور در اختیار بیت با مدیریت میر حجازی قرار گرفت.

53 - علی فلاحیان عضو برجسته در کشتار سالهای شصت به بعد و وزیر و اواک در زمان هاشمی و مسئول مستقیم بسیاری از ترورها و اعدامها از سال شصت تا به حال و اینک عضو دفتر رهبری و عضو گروه راهبردی قوه قضائیه و معاون پور محمدی در ستاد هماهنگی گروه ارزشها و شرکت در هر ائتلافی برای حضور مستقیم در سربنامه ریزی سرکوب مردم . سوابق جنایتکارانه او عبارتند از

- حاکم شرع در سال 60 و بعد از آن .
- کاشف سعید امامی یار جدایی ناپذیرش در جنایات.
- مفتی و فرماندهی ترورهای سیاسی تا سال 76.
- مسئولیت در طراحی بسیاری از انفجارات در ایران .
- حاکم شرع و اواک و یار نزدیک محمدی ری شهری در زمان وزارت او .
- ویران کننده و اواک با وارد کردن افراد آن در فعالیتهای مالی کثیف و ترورها .

• به وجود آورنده گروه حاکمان و مفتیان ناصب شناس از طریق ایجاد دفتر بررسی ها .

• برنامه ریز «قتل های زنجیره» ای به کمک پور محمدی و حسینیان و ...

- از یاران دبستانی پورمحمدی و محسنی اژه ای و حسینیان و دری نجف آبادی و رهبر پور و مبشری و ...

- نماینده رهبری در وزارت اطلاعات در حال حاضر .
- عضو برجسته قوه قضائیه و ناظر بر و اواک و عضو شورای خیرگان رهبری .
- مشاور رهبری در عملیات پاکسازی روشنفکران ناصبی و مرتد .
- وی با تاسیس کانون های قرآن و ایجاد نیروهای تند رو مانند زمان حضورش در و اواک در حال تشکیل گروههای اطلاعات موازی جهت بیت رهبری می باشد و از اعضای اصلی اطلاعات بیت رهبری است

• این عضو برجسته دستگاه جنایت گستر، در جریان حمله به رستوران میکونوس از سوی دادگاه به همراه یارانش محکوم شد و به همین دلیل جرات سفر به کشور های خارج را با نام اصلی خود ندارد. او در جریان میکونوس گفته می شود که می خواست به نماینده قاضی دادگاه قاشق و جنگال طلا رشوه بدهد و لی نماینده با غیرت آن رشوه ها را تحویل دادگاه داد

• فلاحیان و اخوی و پسر قهرمانش در بسیاری از اختلاس ها و مال خوری ها دخیل هستند و برادر او یکی از قاچاقچیان عمده می باشد که با حمایت اخوی در هر قاچاقی کار عمده می کند. وی در زمان وزارت فلاحیان مسئول اقتصادی این وزارتخانه بود.

54- حجت الاسلام زرگر از جمله روحانیون نزدیک به آیت الله جنتی بود که مسئولیت دادگاههای امر به معروف و نهی از منکر را عهده دار بود. وی قبل از آن، مسئول دادگاههای مبارزه با مواد مخدر در پل رومی بود. اما به دلیل عشق به ماشین بازی بارها مورد اعتراض برخی ها قرار گرفت ولی همچنان به کار در امور قضایی مشغول بود.

55- آیت الله سلیمی رییس جدید دادگاه ویژه روحانیت با برنامه هایی جدید. این قاضی جنایتکار که در جنایت مانند دیگر همقطاران خود بوده است، با به دست آوردن مقام رازینی و محسنی اژه ای و حسینیان در دادگاه ویژه روحانیت برای اینکه توانایی بیشتر خود را نسبت به آنها نشان دهد، برنامه ای را طراحی کرده است که بر اساس آن، در این دادگاه به جز محاکمه روحانیون به محاکمه افراد و سران بلند پایه نظام نیز پرداخته می شود. این قاضی، بنا بر طرحی که تهیه کرده است، خبر از محاکمه سران نیروهای مسلح و وزرا و نمایندگان مجلس در صورتی که مرتکب جرمی شوند در این دادگاه را داده است. او معتقد است این دادگاه ضامن سلامت اخبار و اطلاعات نظام است به همین دلیل اگر قرار شد مسئولی محاکمه شود بهتر است در این دادگاه محاکمه شود تا اطلاعات نصیب دشمنان نشود.

56 - حجت الاسلام نکودهی از قضات با سابقه در جنایت پیشگی و صدور احکام اعدام است. او در حال حاضر در دادگاه ویژه روحانیت و دادگاههای امر به معروف و نهی از منکر مشغول به کار است.

57- «حجت الاسلام» مصطفی پور محمدی، «روحانی» که درس نخوانده قاضی شده و با ارتکاب جنایتها حجت اسلام و وزیر کشور احمدی نژاد گشته است. او یکی از قاتلان مردم ایران از سال 60 تا سال های اخیر و یکی از عوامل اصلی کشتار زندانیان در سال 67 است که به دستور او و دو همکارش حدود 4 هزار نفر را اعدام کردند. به تازگی نام او و همدستانش در اعدامها و ترورها، بعنوان مرتکبان جنایت برضد انسانیت، مطرح شده است تا به خاطر جنایت هایش محاکمه شود. وی از زمانی که بیش از بیست سال نداشت به عنوان حاکم شرع و دادستان دادگاههای انقلاب اعدام جوانان را شروع کرد. بعد مأمور ترورهای خارج از کشور شد و در پست معاونت واواک، در وزارت فلاحیان، تمام ترورهای داخل و خارج از کشور را به کمک حسینیان و سعید امامی و موسوی و ... انجام داد. وی یکی از افرادی است که می توان به جرات گفت از درنده خو ترین دژخیم های رژیم است. او به هیچ کس رحم نمی کند و به تازگی به پست معاونت شورای امنیت ملی به دستور احمدی نژاد برگزیده شده است یعنی بالاتر از علی لاریجانی. فهرستی از دیگر جنایتهای او:

• دادن حکم اعدام بیش از چند صد نفر در جریان کودتای سال 60 در استانهای خوزستان و کرمانشاه و بندر عباس

• دخالت مستقیم در اعدام های سال 67 که در آن حدود 4 هزار نفر اعدام شدند.

• دخالت مستقیم در ترور و قتل فاطمه برقی همسر پسر عمویش در قم به خاطر افشای قتل سید احمد خمینی نزد خانواده او.

• دخالت مستقیم و سرپرستی ترور های خارج از کشور در زمانی که معاون عملیات واواک بود بین سالهای 68 تا 76

• دخالت مستقیم و همکاری با سعید امامی در ترورها و بمب گذاری های داخل کشور از جمله بمب گذاری در حرم امام رضا و مساجد اهل تسنن و شیعی در زاهدان

• برنامه ریزی جهت تجمع انتخابات برای تضمین تقلبات گسترده در انتخابات کشور.

- همکاری گسترده با واواک و سازمان زندانها جهت سرکوب مبارزان .
- دستور تعطیلی احزاب و گروههای سیاسی مخالف داخلی و بی خطر.
- دستور تغییر مدیران مسئول نشریات بعد از آسیب رساندن به امنیت کشور در مورد روزنامه شرق این دستور را داده است .
- وی به همراه حسینیان و شریعتمداری و علی لاریجانی از برنامه سازان فیلم چراغ صدا و سیما در رابطه با «قتل های زنجیره ای» بود .
- در حال حاضر به کمک یار دیرینش محسنی اژه ای در حال برنامه ریزی برای شروع ترورهای داخلی و خارجی است .
- پروژه اعترافات جهانبگلو توسط او و محسنی اژه ای و دری نجف آبادی در حال تهیه می باشد .
- به دستور او نیروهای انتظامی برای سرکوب زنان از تعدادی از دختران شاغل در بسیج الزهرا استفاده کرده و با استخدام آنان در نیروی انتظامی شرایط را برای سرکوب مبارزان زن ایجاد کرده است .
- سوابق وی در کشور بدین گونه است :
- دادستان انقلاب اسلامی خوزستان، بندرعباس، کرمانشاه و مشهد از سال ۵۸ تا ۶۵

- معاون واواک در امور خارجی از سال ۶۵ تا ۷۸.
- مشاور ریاست دفتر مدیر گروه سیاسی و اجتماعی مقام رهبری از سال ۸۱ تا کنون .
- استاد دانشگاه امام صادق از سال ۷۹ تا به اکنون.
- معاون وجانشین وزیر واواک از سال ۶۶ تا ۷۸ .
- نماینده ری شهری وزیر اسبق واواک و یکی از مجریان قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ .

پور محمدی معاونت بخش خارجی واواک را در دوران علی فلاحیان و قربانعلی دُرّی نجف آبادی در اوایل دهه ۷۰، بر عهده داشت و در دوران دری نجف آبادی نیز همچنان مرد شماره ۲ واواک بود. پس از آن، به عنوان یکی از مسئولان دفتر ویژه اطلاعات و امنیت خامنه ای منصوب شد.

وی بعد از اخراج از واواک و حضور در بیت رهبری با بر سر کار آمدن احمدی نژاد، به وزارت کشوری منصوب شد. اما او و احمدی نژاد آبشان از یک جوی نرفت و برکنار شد و فاسد و تبهکاری چون او، علی کردان وزیر کشور شد.

برای روشن تر شدن هویت این جنایتکار، به قسمتی از نوشته عبدالله شهبازی توجه کنی:

«... آقای حسینیان احتمالاً از اتومبیل پژو استفاده می‌کنند و اتومبیل زانتیا (متعلق به کمپانی سیتروئن) را در خیابان‌های تهران فراوان دیده‌اند. ایشان قطعاً از قراردادهای بزرگ نفت و گاز ایران با کمپانی‌های رویال داج شیل و توتال فرانسه مطلع‌اند و احتمالاً، از طریق دوست صمیمی و دیرین خود، آقای مصطفی پورمحمدی، معاون پیشین اطلاعات خارجی وزارت اطلاعات، نام کمپانی کلینورت بنسون، به عنوان سازمان‌دهنده سفر بزرگ‌ترین هیئت اقتصادی انگلیس به جمهوری اسلامی ایران را شنیده‌اند. سفر این هیئت به ایران پس از حمله به اتوبوس گروهی از بازرگانان غیرسیاسی آمریکایی در تهران (نیمه شب ۲۹ آبان ۱۳۷۷)، به دستور آقای پورمحمدی و توسط تیم عملیاتی به سرپرستی آقای جواد وعیدی (همشهری بنده از حمله گودعربان شیراز که پدرشان کارمند شرکت نفت در آبادان بودند)، رخ داد.

آقای حسینیان یقیناً، با توجه به مطالعات «عمیقی» که در سال‌های اخیر در مرکز اسناد انقلاب اسلامی داشته‌اند، می‌دانند که کمپانی کلینورت بنسون یکی از سرشناس‌ترین کمپانی‌های دلای و مالی متعلق به کانون‌های صهیونیستی است که در میان محققین غرب به ارتباط با سرویس اطلاعاتی بریتانیا (ام. آی. ۶) شهره است و در افشاگری‌های سال‌های اخیر، از جمله در کتاب‌های استفن دوریل محقق سرشناس انگلیسی، روشن شده که در دوران جنگ تحمیلی با حکومت صدام روابط گسترده داشته. (برای آشنایی بیشتر با کمپانی‌های عضو این هیئت بزرگ انگلیسی- صهیونیستی بنگرید به: عبدالله شهبازی، «سیمای خانوادگی جرج کندي يانگ، طراح و فرمانده کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲»، فصلنامه مطالعات تاریخی، نشریه مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، سال اول، شماره اول، زمستان ۱۳۸۲، ص ۲۶) [۶] جرمی هنلی، رئیس هیئت بلندپایه فوق، در آن زمان گفت: «انگلستان

اکنون فرصتی یافته است تا زمان از دست رفته بیست سال گذشته را در کشوری که همچنان نقش عمده‌ای در خاورمیانه دارد جبران کند؛ کشوری که یکی از بزرگترین بازارهای منطقه را در اختیار دارد.» (روزنامه نشاط، دوشنبه 7 تیرماه 1378، ص 10)

آقای حسینیان می‌تواند به روزشمار وقایع آن زمان مراجعه کنند. خواهند دید که در روز یکشنبه 23 آبان 1378 قرارداد بزرگ ایران با کمپانی رویال داچ شل منعقد شد، در فردای آن روز، دوشنبه 24 آبان، مجلس لایحه‌ای را تصویب کرد که طبق آن «انجام فعالیت‌های مربوط به عملیات اکتشاف، استخراج، پالایش، بخش و حمل و نقل مواد نفتی و فرآورده‌های اصلی و فرعی آن با رعایت اصل 32 قانون اساسی توسط بخش غردولتی» مجاز شد. (روزنامه اخبار اقتصاد، شماره 56، سه‌شنبه 25 آبان 1378) این یعنی شروع فعالیت «مافیای نفت و گاز ایران». و در آذر 1378، مجتمع بانکی HSBC، متعلق به همین کانون صهیونیستی، فعالیت خود را، که از زمان انقلاب متوقف شده بود، در تهران از سر گرفت. در مورد ارتباط این چند نفر، محققان باید تلاش نمایند تا چهره آنها در تاریخ انقلاب ایران روشن شود چند نفری که از ابتدای انقلاب در کنار هم بودند و به جرات می‌توان گفت که بیش از دو هزار نفر توسط این گروه به اعدام محکوم شدند علی رازینی - مصطفی پور محمدی - روح الله حسینیان - محسنی اژه ای و علی فلاحیان . البته در کنار این افراد نام اصغر میرحجازی نباید فراموش شود که همه در حول آقای خامنه ای چنبره زده اند .»

58 - حجت الاسلام روح الله (خسرو) حسینیان صادق ترین عضو گروه اعدامها که بدون ترس از سعید امامی دوست و همکارش دفاع کرد و بی محابا اعلام کرد که ما خودمان یک ،پا قاتل بودیم . او زندانیان را در زندانها مجبور به خود کشی می کرد وی در گروه مخفی حکم اعدامهای ناصبیان و مرتدان از نیروهای برجسته است و در مراکز مختلف قوه قضاییه قدرت زیادی دارد برخی از کارهای این جنایت کار :

- صدور دهها حکم اعدام برای مخالفان سیاسی .
- همکاری در فرماندهی ترورهای سیاسی مخالفان .
- معاونت قضایی و نماینده وزیر و اوا که در قوه قضاییه و بر عکس .
- شکنجه برخی از زندانیان توسط شخص خود .
- وادار کردن زندانیان به خودکشی که از افتخارات او است .
- همکاری مستقیم با سعید امامی فردی که به دستور او و یاران او دست به آدمکشی می زد .
- یکی از سه قاضی صادر کننده فتوای قتل دگر اندیشان و سیاسیون .
- یار دبستانی پور محمدی و فلاحیان و محسنی اژه ای و ...
- شرکت مستقیم در طراحی برنامه های بجران ساز، مانند هویت و چراغ .
- حمایت بی پرده و پوشش از قتل سیاسیون و دگر اندیشان .
- ریاست سازمان اسناد انقلاب اسلامی ایران که در آن مرکز، کلیه افراد وابسته به باند بجران ساز و ناصبی ساز و مرتد ساز هفته ای یکبار جمع می شوند و برای فعالیتهای خود برنامه تهیه میکنند . در هیات رئیسه این مرکز، افرادی چون پور محمدی و فلاحیان و دری نجف آبادی و مرادی و محسنی اژه ای و ... شرکت دارند. بعد از اینکه پور محمدی به وزارت کشور رفت حسینیان با فرستادن معاون خود مرادی به وزارت کشور، به کمک او رفت. او در کلیه وزارتخانه ها و به خصوص واواک و کشور و دفاع جاسوس های خود را دارد. نظرات او برای بازرسان و بررسی کنندگان شورای نگهبان همواره مقبول است .
- روح الله مشکوک هم اینکه در مجلس مافیاهای، به عنوان نماینده، مشغول به کار است . وی عضو گروه سه نفره رازینی - پور محمدی - حسینیان در اعدام های گسترده سال 60 در مشهد بوده است. او در آن زمان به نام حاجی حسینی معروف بود و معاونت پور محمدی را که در آن زمان دادستان بود، بر عهده داشت در آن روزگار، رازینی حاکم شرع و صادر کننده مجوزجنایتها در مشهد بود . از نکات جالب در پرونده وی می توان به قاضی بودن وی در دادگاههای مطبوعات اشاره کرد که خود عامل آموزش بسیاری از قضات این دادگاهها بوده است و جرم های بسیار جالبی را جهت تعطیل مطبوعات طراحی نموده است این روحانی نما حامی خط ایجاد بجران و آشوب و از حامیان سرسخت ترورهای سیاسی بود که رژیم به آنها «قتلهای زنجیره ای» عنوان نهاد.

عبدالله شهبازی در مورد وی اینگونه می نویسد :

«نکته اول: این نام «روح‌الله حسینیان» برای برخی از فعالین سیاسی سؤال‌برانگیز بوده است. نامی است کاملاً «آنکادریه» و منطبق با ایستارهای نهضت امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی. آقای حسینیان متولد سال 1334 است و گویا در پنج سالگی به همراه خانواده به روستای صغاد مهاجرت کرد. آقای حسینیان متولد کجاست؟ علت مهاجرت این خانواده به روستای صغاد، که در آن سال‌ها، در کنار روستاهایی چون ادریس آباد و همت آباد و خرمی و غیره، از مراکز مهم بهائی‌نشین در فارس به‌شمار می‌رفت، چه بود؟ چه انگیزه‌ای می‌توانست خانواده‌ای را به مهاجرت به چنین روستایی ترغیب کند؟ نام این خانواده در آغاز چه بود؟ برخی به طنز ایشان را «خسرو خوبان» می‌نامند. این نام چنان شیوع یافته که برای من نیز، که این شیوه تخریب دیگران مطلوب نیست، ابهام‌هایی برانگیخته. پرس و جو‌هایی کردم. برخی افراد مطلع، نام اولیه ایشان را «خسرو خوشخو» ذکر کرده‌اند. از این خانواده «ستار خوشخو» را می‌شناسیم که در سال 1360 ناپدید شد و منابع بهائی مدعی‌اند در زندان عادل‌آباد شیراز، به دلیل تعلق به فرقه بهائی، به قتل رسید. نمی‌دانم این ادعا تا چه حد صحت دارد ولی برای روشن شدن شده که نام اولیه آقای حسینیان «روح‌الله حسینیان» نبوده است. «روح‌الله» هر چند نامی مرسوم در میان مسلمانان است، ولی رواج آن در میان مردم، به‌ویژه در روستاها، از نیمه دهه 1340 است و اسطوره شدن حماسه امام خمینی (ره). این نام نمی‌توانست در سال 1334، که امام خمینی را جز خواص کسی نمی‌شناخت، کاربرد گسترده داشته باشد. آقای حسینیان در سال 1349، در 15 سالگی، به قم رفت و اندکی بعد در مدرسه حقانی به تهیل پرداخت. در این مدرسه نام «روح‌الله حسینیان» راه‌گشا بود و می‌توانست علاقمندان به امام خمینی را به ایشان جلب کند یا در آن‌ها ایجاد اعتماد نماید. کسانی را می‌شناسم که در مناصب مهم‌اند و پس از انقلاب نام کوچک یا نام خانوادگی خود را در شناسنامه تعویض کرده‌اند. این‌گونه پنهان کردن هویت و گذشته هواره برای من پرسش‌برانگیز بوده است.»

در نامه ای که در زیر می‌آید، دانش معتمدی که از افراد مطلع در امور مربوط به اعمال این گونه افراد است مسائلی را در مورد او و میر حجازی و نمازی و گلپایگانی مطرح می‌کند که خواندن‌ی هستند:

بنام خدای ایران آفرین

## نامه سرگشاده به حجت الاسلام حسینیان درباره پرونده قتل‌های 1377

کلام آخر

جناب حجت الاسلام روح الله حسینیان!

رییس محترم مرکز اسناد انقلاب اسلامی!

با تشکر از وقتی که صرف مطالعه این نامه فرموده اید بعنوان کلام آخرمهمترین اشکالاتی که بر روند تشکیل و رسیدگی به پرونده قتل‌های زنجیره ای پاییز سال 1377 وارد است را باستحضار می‌رسانم.

در روند تشکیل پرونده این نکات اساسی و مهم علی‌رغم جوسازیها و تبلیغاتی که صورت گرفته مشهود است:

(1) - برای شناسایی عاملان قتلها و دستگیری قاتلین هرگز و به هیچ عنوان تحقیقاتی صورت نگرفت چه برسد به اینکه اشخاص و یا گروه‌هایی شناسایی شوند.

(2) - مجریان قتلها تحت فرمان معاونت امنیت وزارت اطلاعات و در زمان صدارت آقای قربانعلی دری نجف آبادی مشغول بکار بودند و از شخص سیدمصطفی کاظمی ارسنجانی معروف به سیدمصطفی موسوی و یا موسوی شیرازی دستورات لازم را بطور رسمی دریافت کرده اند.

(3) - تمامی این قتلها و تعداد بیشتری که در سالهای قبل انجام شده همگی براساس یک روش معین و استاندارد بوقوع پیوسته است.

(4) - همه ی قاتلین فاقد انگیزه شخصی و بری از مشوقهای مالی و یا تهدیدات جانی بوده و براساس وظیفه تشکیلاتی خود اقدام به کشتن مقتولین می‌کرده اند.

- (5) - هرگز سند مستند و مدرک و دلیلی دال بر اعمال نفوذ و یا مداخله عوامل بیگانه و یا عاملیت سرویسهای امنیتی خارجی در این پرونده مشاهده نشد. در حالیکه ماههای متمادی گروهی از بهترین ماموران و مدیران خدمتگذار نظام و شیفتگان ولایت و حکومت جمهوری اسلامی ایران زیر فشار شکنجه های قرون وسطایی قرار داشتند تا به حجم عظیمی از دروغها و تهمتهایی اعتراف کنند که برای تسویه حساب با رقبای سیاسی یک جریان خاص تنظیم شده بود.
- (6) - کلیه اقدامات بازجویان و قضات و شکنجه گران مستقیما و بلاواسطه توسط مسولین پرونده به اطلاع سیدمحمد خاتمی رییس جمهوری وقت و سیدعلی اصغر حجازی جانشین رییس دفتر رهبری و مشاور عالی رهبری می رسیده است.
- (7) - تمامی فشارهای اعمال شده بر متهمان و ماموران دستگیر شده با صدور فرمانهای قانونی برای انجام تعزیر بشکل زدن دستبند قیانی وارد کردن ضربات شلاق برکف پا و پشت ران و روی کفل از سوی حجت الاسلام محمد نیازی و عباسعلی فراتیان صورت گرفته و نمایندگان روسای قوه قضاییه و مجریه مستقیما از روند و کیفیت بازجویی ها و نحوه رسیدگی مطلع بوده اند. مکررا و بی محابا آیین دادرسی در مورد متهمین نقض شده است. بازجویان مطلقا از بابت پیگرد بدلیل نقض حقوق انسانی و قوانین و مقرارت دغدغه ای نداشته اند و این اثبات می کند که برای خشونت و ددمنشی علیه متهمان و مظنونان پرونده مجوز تام و تمام داشته اند.
- (8) - کسانی مانند مهرداد عالیخانی که جری فرمان قتل داریوش و پروانه فروهر و محمدختاری و محمدپوینده بودند از زبده ترین نیروهای کیفی وزارت اطلاعات هستند و در تعداد زیادی از عملیات مشابه در داخل و خارج از کشور دخالت و نقش داشته اند. هیچ سند و مدرکی دال بر وجود مفاسد اخلاقی و یا مالی و سیاسی و یا وابستگی به بیگانگان علیه مجریان قتلها بدست نیامد و براساس محتویات پرونده پرسنلی آنها این افراد جزو بهترین و سالمترین نیروهای عملیاتی و امنیتی وزارت اطلاعات بوده اند بنحوی که بعضی از آنها سطح زندگیشان در حد اضعف جامعه بوده است. بنابراین وجود مشوقهای نامحسوس و یا رقباهای اداری منتفی است.
- (9) - افراد گفته شده سالهاست که بدلیل بی کفایتی و بی لیاقتی بعضی از معاونین وزارت اطلاعات در جریان چند عملیات ترور در خارج کشور شناسایی شده و تحت تعقیب پلیس بین الملل و جامع قضایی چندین کشور اروپایی هستند و به همین دلیل امکان فرار و اختفای درازمدت آنها مطلقا وجود نداشته است. در یک مورد نیز که یکی از نیروهای غیررسمی و رده پایین وزارت اطلاعات به ترکیه فرار کرده بود دستگیر و به جمهوری اسلامی ایران مسترد شده است، پس چرا آنها باید با تحریک بیگانگان و یا بخاطر پول وضعیت خود را دشوارتر از پیش کنند؟
- (10) - چرا با وجود دستور مرحوم امام (ره) دایر بر بسته و بایگانی شدن پرونده جمعولی که پس از ترور ناجوانمردانه شهید رجایی و شهید باهنر علیه تعدادی از مسولین امنیتی کشور درست شد و باعث شد آنها دستگیر و شکنجه شوند، شما هنوز هم اصرار دارید کسانی مانند دکتر سعید حجاریان را مسبب همه ی این وقایع زشت و ننگین قلمداد نمایید. شما خوب می دانید با آنها چه کردند و حتی در مورد فردی از میان دستگیرشدگان او را چندین سال در انفرادی نگهداشتند و بعد هم بی هیچ اتهام اثبات شده ای از زندان آزادش کردند. این فرد تا آن زمان رکورد حبس انفرادی را در طول تاسیس زندان اوین شکسته بود!!! اینهم یک مورد پرافتخار برای دستگاههای امنیتی و قضایی کشور اسلامی ما.
- (11) - جناب حسینیان شما حتی حجاریان را بخوبی نمی شناسید چطور درباره او چنین قضاوتی دارید؟ شما یکی از علل تشکیک و تردید خود علیه حجاریان را این موضوع اعلام کرده اید که همسر او به هشت سال و برادر زنش به ده سال زندان بدلیل عضویت در سازمان منافقین (جاهدین خلق سابق) محکوم شده بودند. آیا شما واقعا نمی دانید که سرکار خانم دکتر وجیهه مرصوصی (فوق تخصص جراحی جنین) همسر دکتر سعید حجاریان یکی از افراطی ترین نیروهای دست راستی کشور بود تا آنجا که حتی یکبار نامه ای به مقام معظم رهبری نوشت و از ایشان برای ادامه زندگی زناشویی با شوهرش و یا طلاق از وی کسب تکلیف نمود؟ البته موضع مخالفت خانم دکتر مرصوصی تا آن زمانی بود که برادر ارجمند ما جناب آقای سعید عسگر!! شوهرخانم دکتر مرصوصی را ترور نفرموده بودند؟! جناب حسینیان شما که مسوول تدوین تاریخ انقلاب اسلامی هستید واقعا از این



موضوع که پس از انشعاب در سازمان مجاهدین خلق (سابق) و ریزش شدید نیروهای آن، تنها چهار زن مبارز و انقلابی مسلمان و معتقد باقی ماندند و بقیه یا به دارو دسته مسعود رجوی پیوستند یا عمدتاً به گروه انشعابی چپ نما (مجلس مارکسیستی مجاهدین) جذب شدند و یا توبه نامه نوشتند و به همراه کسانی مانند اسدالله بادامچیان و عسکراولادی از زندان بیرون آمدند بی اطلاع هستید؟! برای کشف حقایق بیشتر و درک رنجها و دردهای جانگداز آن سالهای غربت ایمان و مومنین، از سرکار خانم سرحدی زاده (همسر مهندس سرحدی زاده) که یکی دیگر از آن چهار زن شیردل بود و همبند خانم دکتر مرصوصی بود تحقیق بفرمایید.

12- در جریان پرونده سازی یک جناح خاص برعلیه سعید حجاریان و خسرو تهرانی تعداد زیادی از مسوولین امنیتی کشور به بهانه انجام تحقیقات درباره علل و چگونگی ترور شهید رجایی و باهنر دستگیر شدند و به روشهایی مانند آنچه که بعدها برسر مهندس سعید امامی و مصطفی کاظمی و مهرداد عالیخانی و مهدی ریاحی آورده شد آنان نیز شکنجه شدند. یکی از نیروهای بازداشت شده نیز بنام تقی محمدی به قتل رسید ولی ادعا شد که وی خودکشی کرده است!! در مورد این گروه نیز دقیقاً با همان روشهایی برخورد شد و همان سیلاب تهمت‌های احمقانه و زشتی متوجه آنها گردید که تنها ممکن است از درون بیمار و متعفن عده ای سادیست و عقده ای بیرون بریزد. من در کتاب موسوم به "شیرها و موشها" به تفصیل شرح کشف این زشتکاریها را افشا کرده ام اما در تعجبم چگونه شما بعنوان رییس معتبرترین و مجهزترین مرکز مطالعات تاریخ انقلاب اسلامی از اینهمه تشابه و یکسانی به این نتیجه نرسیدید که همه ی این سناریوهای احمقانه "کشف شبکه دشمنان مملکت در بطن نظام" یک رونویسی ناشیانه از روی دفتر مشق امثال پرویز ثابتی مقام امنیتی رژیم سابق نبوده و نیست!؟

جناب حسینیان!

شما بهتر از من می دانید که تاریخ چه داور بی رحم و چه قاضی قسی قلبی است و چگونه بر اعمال و رفتار اسلاف ما حکم رانده است. سوالات بسیاری در اذهان باقی است و قطعاً آن روز که این پرونده بازگشایی و مطرح شود سیل بنیان کن سوالات این کشور را دربر خواهد گرفت. متأسفانه جمهوری اسلامی بارها و بارها ثابت کرده که در لحظه انتخاب یک قربانی از میان سفلگان و نخبگان، برای حفظ خود رای به ادامه حیات رذلتین سفلگان داده است. مهندس سعید امامی با درجه علمی مهندسی هوافضا از یکی از دانشگاههای معتبر آمریکا وارد وزارت اطلاعات شد. در حالیکه مضاف بر تحصیلات آکادمیک فنی سوابق موثر و درخشانی در بخش جمع آوری اطلاعات و تشکیل و اداره هسته های آشکار و نیمه پنهان اطلاعاتی داشت. در زمانی که او به استخدام وزارت اطلاعات درآمد سطح علمی و میزان تجربیات امنیتی و اطلاعاتی نیروهای کشور بسیار کمتر از امروز بود و در طول سالهایی که سعید امامی معاون امنیت وزارت اطلاعات بود، حجت الاسلام علی فلاحیان وزیر وقت اطلاعات در کشور همچون سلطانی بلامنازع بر تخت نشسته بود و قدرت و امکاناتی بیشتر از همه ی وزرای کابینه آقای هاشمی رفسنجانی داشت. بنحوی که بسیاری براین باور هستند که شیخ قدرت فلاحیان حتی امروز هم رفسنجانی را به وحشت می اندازد.

رفع و رجوع بخشی از عواقب سیاه سیاستهای نسنجیده مالی و اجتماعی دولت آقای هاشمی که به ناامنی عمومی و ظهور گروههای بزرگ و کوچک مافیایی منجر شده بود بخشی از خدماتی است که سعید امامی برای جمهوری اسلامی انجام داد. شما بهتر از همه می دانید که بر فضای مدیریت اطلاعاتی و امنیتی کشور چه هرج و مرج و افسارگسیختگی حاکم بود و چگونه در هرگوشه از این کشور پهناور هریک از مدیران کل وزارت اطلاعات همچون تیولدار ایلخان مغول بر تخت سلطنت غیرمشروطه نشسته بود و احدی جرئت مخالفت با او را نداشت. در تمکین از دستور آقای رفسنجانی، فلاحیان برای هریک از مسوولین و نمایندگان مجلس شورای اسلامی به تناسب رده شغلی و ارزش و جایگاه اجرایی و یا پست قضایی و تعداد آراء آنها یک پرونده ویژه ایجاد کرده بود. مهمترین سرویس امنیتی جمهوری اسلامی پشت به دشمنان و راهزنان و بدور از واقعیات تلخ و شرم آور جامعه ایران در سالهای پس از جنگ، با همه توان درکار پرونده سازی برای هر کسی بود که بدلیلی عنصر نامطلوب تشخیص داده شده بود و یا احتمال می رفت

روزی به یک تهدید بدل شود. و طبیعتاً در این میان تکلیف منتقدین جدی آقای هاشمی و رقبای سیاسی او کاملاً روشن است.

من در صدد تهرئه مهندس سعید امامی و یا توجیه اقدامات او نبوده و نیستم اما اینکه می بینم چگونه دوست و دشمن در سنگسار مردی که تنها جرمش تبعیث بی چون و چرا از مسوولین کشور بوده بسیار متاسف می شوم. در این جهان پرفتنه و ستم تنها حقیقت است که نجات می بخشد، شفای دردها است و موجب تالیف قلوب انسانها می شود. وقتی حقیقت را فدای منافع یک فرد و یا گروه خاص می کنیم به ناجوانمردانه ترین شکل با خالق هستی و حق محض به دشمنی برخاسته ایم. شاید به همین دلیل جنابعالی بقدر استطاعت خود در صدد افشای بخشی از حقایق پنهانی این پرونده هستید اما می پرسیم شما با اینهمه تجربه و دانش تخصصی در امور امنیتی و قضایی بازهم معتقدید که بازجویان و قضات پرونده خودسرانه و بدون هیچ دستوری از سوی مقامات مافوق انطور ددمنشانه بجان متهمان افتادند و یا این نیز بخشی از تلاش مسوولین برای جانداختن سناریویی بود که می بایست توجیه شود تا پای یک سیستم به میان نیاید؟

جناب حسینیان!

چرا باوجود افرادی مانند شما باید رسیدگی به پرونده قتل‌های پاییز سال 1377 به کسانی مثل محمد نیازی و عباسعلی فراتیان سپرده شود؟ شما از سوابق آقای محمد نیازی اطلاعی دارید؟ طلبه ای که از دفتر امام جمعه قیر و کارزین به تهران خزید و سوار بر یک آسانسور مخفی بسرعت خود را از کف هرم قدرت به راس سلسله ی قدرتمداران رساند؟ آیا با توجه به وجود سوء سوابق طولانی و شریرانه ی کسانی مانند مجتبی باوند، مهدی قوامی هنر و جواد عباسی کنگوری بازهم معتقدید که انتصاب آنه بعنوان بازجوی تحقیق در این پرونده و بعد هم به میان کشیدن پای مهندس سعید امامی تصادفی بوده است؟ یار غار و هم حجره ای جنابعالی یعنی حجت الاسلام سیدعلی اصغر حجازی که حتی از دیده شدن چهره اش در تلویزیون و مطبوعات وحشت دارد در این میان چه نقشی داشته است؟ آیا با فشار و اعمال نفوذ او نبود که همان احکام سست و بی ارزشی که برای تنبیه بازجویان صادر شده بود معلق ماند و حتی تعدادی از آنها در حریم بیت رهبری سکنی داده شدند تا از انتقام نیروهای خشمگین وزارت که به مفاسد و رذایل این دارو دسته آگاهی کامل دارند در امانند؟ آیا شما واقعا نمی دانید که جواد عباسی کنگوری مورد حمایت مطلق سیدعلی اصغر حجازی است؟ آیا با وجود چنین مداخلات و اقداماتی بازهم نقش بعضی از مسوولان دفتر مقام معظم رهبری را در این پرونده انکار می فرمایید؟ من از شما می پرسم چه کسی فکر نفوذ و نقش سرویسهای امنیتی بیگانه در طراحی و انجام قتل‌های پاییز سال 1377 را به ذهن مقام معظم رهبری وارد کرد؟ ایشان که حتی برای قدم زدن در هوای آزاد ناچارند منتظر اقدامات تامینی جناب حجازی باشند!

پس چگونه به این نتیجه شگفت آور رسیدند که بیگانگان در این پرونده نقش آفرینی داشته اند؟! خوب می دانید که صغیر و کبیر از دست خودسریها و باندبازیهای سیدعلی اصغر حجازی بجان آمده اند! حجازی از یک سو با افشای موضوع ازدواج محرمانه آیت الله گلپایگانی با یک پرستار جوان که تبعه انگلستان و اصالتاً ایرلندی است می کوشد از اعتبار رییس خود بعنوان رییس دفتر مقام معظم رهبری بکاهد و از سوی دیگر با لابی حمایت از فلاحیان او را در حلقه ی یاران غار و گرمابه رهبر حفظ می کند. به همین دلیل در شرایطی که کسانی مانند آیت الله اسدالله بیات زنجانی، مهدی کروبی و بسیاری از یاران امام و مبارزان سالهای خفقان علی رغم پایه علمی و اجتهادی خود رد صلاحیت شده اند، صلاحیت علی فلاحیان و قربانعلی دری نجف آبادی تایید شده است! بنظر شما شورای نگهبان با چه توجیهی این دو نفر را تایید کرد؟ کسانی که سوابق سیاه سوء مدیریت آنان در اذهان ملت ایران تا ابد ماندگار است.

جناب حسینیان!

بیش از این مصدع اوقات عزیز نمی شوم و تنها اشاره می کنم که عین متن این نامه را در وبلاگ من که نشانی آن را در پایین همین نامه ذکر شده خواهید یافت تا زمینه گفتمان روشنگرانه درخصوص حوادث و وقایع تاریخ انقلاب اسلامی میان محققان و علاقمندان به تاریخ معاصر ایران توسعه یابد.

در پایان به جهت ارادتی که به شخص شما دارم بخود حق می دهم تذکری برادرانه بشما بکنم: " بپرهیزید از ارباب قدرت که چون بر توسن دیوانه ی جهالت و غفلت بنشینند تا عمق اسفل السافلین هم باز نمی ایستند. سرنوشت صدام و اعدام او دو روز پس از صدور قطعنامه سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی پیام روشنی است برای همه ی طرفهای منازعه آمریکا و جمهوری اسلامی، استکبار به هیچ کس رحم نمی کند و فقط به منافع خویش می اندیشد! بیایید پیش از آنکه با دشمنانمان در خانه روبرو شویم خود خانه امان را از دشمنان پاک کنیم! ادامه این بازی فریبکارانه که از ابتدا نباید شروع می شد نه شایسته ملت ایران است و نه در خور شئون انقلابی که در اوج خون بارش ملت قهرمان ایران با شعار پیروزی گل بر گلوله و خون بر شمشیر، زیباترین چهره ها را در تاریخ انقلابهای بشر به نمایش گذاشته است. "

با تجدید احترام دانش معتمدی - شهری 13 دیماه 1385  
در رابطه با این روحانی جنایتکار، عبدالله شهبازی، از دوستان سابق حسینیان می نویسد:

«...در مورد آقای حسینیان سه مسئله برای من ابهامهای جدی آفریده است: اول، انکار نقش سر شاپور ریپورتر، رئیس شبکه های اطلاعاتی بریتانیا در ایران، توسط ایشان و مرکز اسناد انقلاب اسلامی. دوم، صلاحیت علمی ایشان برای تصدی نهاد پژوهشی و اسنادی مهمی چون مرکز فوق و سوم، دفاع بی پروا و جنجالی وی از سعید امامی (اسلامی)، معاون پیشین امنیت وزارت اطلاعات و متهم اصلی پرونده «قتلهای زنجیره ای»، و منتسب کردن توطئه قتل های زنجیره ای به تعارض جناح های سیاسی بود که به عاملی بسیار مؤثر در مبهم ماندن رازهای این پرونده و ایجاد آشفتگی در مواضع نیروهای انقلاب و استتار ماهیت این توطئه بدل شد.

حجت الاسلام والمسلمین روح الله حسینیان اهل روستای ضُغاد آباده است. روستایی است بهائی نشین و در این زمینه معروف. ولی، تنها به صرف تعلق به این روستا مگر می توان اهانتی بزرگ کرد و شخصیتی چون آقای حسینیان را، که سالها حاکم شرع وزارت اطلاعات بوده و هم اکنون مشاور امنیتی رئیس جمهور و رئیس مرکز اسناد انقلاب اسلامی است و به زودی رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس خواهد شد، خدای ناکرده به بهائی گری متهم نمود؟ آن هم شخصیتی که در دوران فعالیت پژوهشی خود یکی از معروفترین کتابها را علیه بهائی گری، نوشته دکتر سعید زاهد زاهدانی را منتشر کرده و اولین مقاله شماره 17 فصلنامه مطالعات تاریخی (تابستان 1386، ویژه بهائیت)، از اوست.

این توجه به موطن و زادگاه آقای حسینیان ضرور بود زیرا ایشان، با توجه به سوابق گذشته اش، از سوی برخی کانونها نامزد ریاست کمیسیون امنیت ملی در مجلس هشتم است و این سیر اعتلایی احتمالاً تا تصدی دبیری شورای عالی امنیت ملی و وزارت اطلاعات و شاید، در سالهای بعد، نامزدی مقام ریاست جمهوری، مانند آقای حسن روحانی، تداوم خواهد یافت. به یقین، این تأکید «اهام» نیست، توجهی است از سر تعلق به انقلاب و نظام که قطعاً باید بیان می شد حتی به بهای برخی کدورتها. امید من آن است که آقای حسینیان با ارائه سوابق خانوادگی خود به مراجع ذیصلاح شایستگی کامل خویش را برای صعود در مناصب مهم سیاسی و امنیتی به اثبات رساند و این شبهه برای من نیز برطرف شود.»

59 - حجت الاسلام محمد کاظم بهرامی حاکم شرع دادگاههای نظامی و از جمله قضاتی است که در بسیاری از جنایات دست دارند. وی سالها رییس دادگاه نظامیان و رییس سازمان قضایی نیروهای مسلح بود.

60- حجت الاسلام سراج الدین موسوی از ابتدای انقلاب در کمپته های انقلاب اسلامی در کنار مهدوی کنی و فلاحیان و برادر وی حضور داشت و سالها به عنوان یکی از سرپرستان کمپته ها در ارتکاب بسیاری از جنایات و صدور احکام جنایتکارانه شریک بوده است. او هم اکنون خود را در کنار حسن خمینی قرار داده و اصلاح طلب شده است.

## مافیای قضایی : شبکه مافیایی زندانبانان

### \*متصدیان دستگاه قضائی خمینی در سالهای رواج جنایت:

«... اگر قرار بود کسی که عنوان دادستانی را دارد ، خودش تشخیص بدهد ، خودش هم نیروی مسلح داشته باشد و این نیروی مسلح را بفرستد و دستگیر کند و کسی هم نتواند بپرسد چرا دستگیر کردی و چه کسی به تو اعلام جرم کرد که دیگر قوای سه گانه لازم نیست.» (انقلاب اسلامی، 19 آبان 59)

در بخش دیگری از وابستگان به قضا و قضاوت به معرفی برخی از افرادی می پردازیم که در کلیه جنایات در کنار قضات نا عادل، کارکرده اند . نظام قضاوت در حکومت ولایت فقیه همواره نیازمند عناصری بوده است که در جریان دستگیری و شکنجه و بازجویی یار غار آنان باشند .

این نیروها در دو مرحله از جنایات گفته شده کاملاً در خط ولایت بوده اند هر چند برخی از آنها با توجه به افشا شدن ماهیت ولایت فقیه، به جایی رسیدند که به نقد خود پرداختند . اما هستند کسانی که هنوز در همان خط و ربط هستند و اگر هم نیستند به خود این اجازه را نمی دهند که مردم را در جریان جنایات انجام شده قرار دهند .

نام کسانی را که این روزها ادعای اصلاح طلبی دارند و زمانی از جمله همین جنایتکاران بودند را به این دلیل ذکر می کنیم که شاید متوجه شوند که ماه همیشه زیر ابر باقی خواهد ماند و بهتر است که هر چه زودتر مردم را در جریان آن وقایع قرار دهند و خود را از گروه قدرت طلب جدا کرده و به دامان مردم باز گردند .

افرادی چون عبدالله نوری و اکبر گنجی و عماد الدین باغی و ... از جمله کسانی بودند که با پذیرش سختی های فراوان خود را به غافل مردم رساندند و با افشای جنایاتی که در حق مردم شده است از مردم طلب بخشش کردند اما هستند کسانی که در ادعا بسیار اصلاح طلب و مبارز خود را نشان می دهند اما هرگز به مردم اعتماد نکرده و تلاش ننموده اند تا با باز گویی حقیقت خود را از بند بندگی رژیم ولایت فقیه برهانند .

اسامی سران جنایتکار که در سال های بعد از انقلاب در سازمانها و نهادها و مراکز سرکوب قرار گرفته بودند را در زیر می آوریم و به معرفی برخی از آنها که تا به حال از سوی برخی از مبارزان مشخص شده اند می پردازیم . عموماً این افراد در مراکزی چون دادستانی و سازمان زندانها و بخش های مختلف آن از جمله بازجویی و شکنجه و اعدام و تجاوز و نیز در سرکوبها شرکت داشته اند

به جرات می توان گفت که یکی از بخش هایی که در بسیاری از جنایات دخیل بوده است بخش دادستانی می باشد که نماد مشخص این بخش افرادی چون اسدالله لاجوردی - مرتضی اشراقی - سعید مرتضوی و ... می باشند . این بخش در کلیه امور از جمله بازجویی و شکنجه و ضرب و شتم مبارزان دخالت تام و تمام داشته است و دارد .

اسدالله لاجوردی از جمله چهره های مشخص این بخش بود . تا زمانی که او در این مقام بود، از هیچ کاری در آزار و اذیت زندانیان فروگذار نمی کرد . افرادی که در این بخش و دیگر بخش های قوه قضاییه از جمله سازمان زندانها، «خدمت» می کنند و افراد مستقر در نگهبانی از زندانیان و بازجوها و مدیران قسمت های مختلف زندان در دو محدوده زمانی مورد جابجایی قرار گرفتند تا از آشکار شدن هویت آنها جلوگیری شود :

1- بعد از اعدام های گسترده در سال 60، و در پی کودتا بر ضد رییس جمهوری و

2- بعد از اعدام های گسترده زندانیان سیاسی در زندان ها در سال 67 .

یکی از تدابیر این باند مافیایی که دخالت بسیار زیادی در صدور احکام اعدام و شکنجه و بازجویی و اعتراف گیری و تواب سازی و .. داشته است، تغییر و جایابی افراد خود بوده است. به ترتیبی که بعد از انجام جنایتها محل «خدمت» آنها تغییر کند تا شناخته شدن و احتمالاً ترور مصون باشند.

در قسمت های آینده این تحقیق، مشخص خواهد شد که بسیاری از زندانبانها و مدیران زندانها و رؤسای زندانها و بازجو ها و ... مرتب در محل های مختلف به کار گرفته شده اند و برخی از آنها نیز از حوزه های خود منفک شده و به محل های دیگری رفته اند تا شاید از دیده ها پنهان بمانند. غافل از این هستند که وقتی که پرده از روی جنایات آنها کنار زده شود، هویت همه آنها از پرده بیرون خواهد افتاد و مردم آنها را شناسائی خواهند کرد. قبل از ورود به بحث دادستانی بهتر دیدیم روشن کنیم که در حمله برخی از این افراد و وابستگان آنها، به اجتماع مردم در 14 اسفند 59، چه کسانی از حمله برخی از نیروهای مستقر در دادستانی و کمیته ها و سپاه پاسداران به رییس جمهوری و مردم حمایت کرده بودند:

### \* حامیان چماقدارانی که در 14 اسفند 59 به اجتماع مردم در دانشگاه حمله کردند:

- ◀ هویت های حامیان آن روز چماقداران از سخنان خود آنان، شناخته می شوند:
- سید علی خامنه‌ای: «عناصر مؤمن و متعهد را کتک زده اند.» (نماز جمعه مورخه 15 / 12 / 59)
- خامنه ای در سازمان دادن چماقداران و بکار گرفتن آنان در عرصه سیاسی، از بانیان است. چنانکه با افتتاح مجلس اول، چماقداران برای ترساندن و مهار کردن نمایندگان را او به همتای خود، هاشمی رفسنجانی معرفی کرده است. گروه چماقدار در اختیار رئیس مجلس را او و هاشمی رفسنجانی سازمان دادند. در حمله به خوابگاه دانشگاه تهران و دانشگاه تبریز و ... همواره چماقداران از او اذن گرفته اند.
- بهشتی: «آنچه الان مطرح است دفاع از افراد مظلومی است که در حوادث دانشگاه کتک خوردند و گرفتار شدند و الان از رئیس جمهور شکایت دارند.» (انقلاب اسلامی، 21 اسفند 59)
- بی آزرمی این قاضی را ببینید که می گوید: «افراد مظلوم» و گمان می برد مردم از او نمی پرسند این «افراد مظلوم» در دانشگاه چه می کردند؟ بنا بر کارتها که از جیبهای آنها بیرون آورد ه شدند، اعضای سپاه و کمیته بودند. چرا محافظان امنیت اجتماعات به اجتماع آرام مردم بخاطر بزرگداشت مصدق حمله کردند؟ او افراد سپاه و کمیته و چماقداران حزب جمهوری اسلامی را برای حمله به اجتماع مردم گسیل کرده و برغم هشدار رئیس جمهوری به وزیر کشور، ساعتها پیش از حمله، اقدامی برای جلوگیری از آن بعمل نیامده و چماقداران به مردم و سخنرانی رییس جمهور با چوب و کابل و چاقو و زنجیر حمله کرده اند، دو تن را هم برای کشتن او فرستادند که آن دو پشیمان شدند و اسلحه خود را تحویل دادند، با اینهمه می گوید: آنچه الان مطرح است دفاع از افراد مظلومی است که ...
- رجایی: «ضد انقلاب پایگاه جدیدی پیدا کرده است تحت عنوان حمایت از رئیس جمهور.» (انقلاب اسلامی، 18 اسفند 59)
- بؤاد نبوی: «از جمع موجود در این روز و از دست زدن ها و سوت کشیدن های پی در پی کاملاً مشخص بود که چه جمعی هستند. حتی در این جمع یک بار هم الله اکبر گفته نشد.» (کیهان، 16 اسفند 59)
- آقای بهزاد نبوی! در سخنرانی های امروز شما، حاضران کف می زنند. آیا شما هم ضد دین شده اید؟ این حرفها که از شما به یادگار مانده اند، آیا جز گویای غرض ورزی آن روز شما هستند؟
- خلخالی: «رئیس جمهور به قانون اساسی که خونبهای ملت ماست خیانت کرده.» (انقلاب اسلامی، 18 اسفند 59)
- خمینی نیز بعدها مردمی را «مهدورالدم» خواند که گروه فشار را دستگیر کرده و تحویل داده بودند. او از حوادث 14 اسفند با عنوان «فاجعه 14

اسفند» یاد کرد. (وصیتنامه سیاسی- الهی امام خمینی، انتشارات دانش‌پرور، چاپ دهم، ص 65).

او 14 اسفند را فاجعه خواند زیرا از لحاظ رویارویی مردم با ملتاریائی که در کار اجرای برنامه کودتای خزنده بود، روز تعیین کننده شد. در این روز، بنی صدر در کنار مردم و خمینی در کنار چاقداران قرار گرفتند. این آن رویدادی بود که خمینی نمی توانست تحمل کند. نمی توانست تحمل کند که در سال روز مرگ مصدق، مردم ایران راه استقلال و آزادی را برگزینند و او سردسته روندگاه به بیراهه استبداد و وابستگی باشد. از آن روز تاریخی ببعده بود که خمینی ناگزیر شد دست خود را رو کند. سردسته خون ریزهائی شد که از روز کودتای خرداد 60، اعدامهای دستجمعی جوانان و نوجوانان را شروع کردند و در سال 67، به دستور کتبی او، دست به کشتار دستجمعی زندانیان زدند.

در همان زمان، غیر از بنی صدر، دیگران هم هشدار دادند. از جمله

- لاهوتی: «من در تعجبم که چاقداری چرا و چگونه ادامه دارد؟» ( انقلاب اسلامی، 2 اسفند 59 )

- لاهوتی: «مردم انقلاب نکردند تا من و شما بر آنها حکومت کنیم. اگر قرار بود با چماق و زورگویی بتوانند حکومت کنند قبل از شما آریامهر بود.» (انقلاب اسلامی، 8 آذر 59)

- آیت‌الله پسندیده: «آقایان محترم دادگستری، تجاوز چاقداران و جماعت‌های منحرف و تخطی به حدود و حقوق و اموال و آبرو این مردمان شریف را نمی بینید؟» ( انقلاب اسلامی، 30 بهمن 59 )

- آیت‌الله پسندیده در گفتگو با خبرنگار میزان: «اول اینکه من بعد مرا آیت‌الله خطاب نکنید! ثانیاً اینکه به نظر می‌رسد عملیات چاقداران سازمان داده شده است.» (انقلاب اسلامی، 12 بهمن 59)

### \* افراد مستقر در دادستانی و دادسرای انقلاب :

**1 -** سید اسدالله لاجوردی جلاد زندان اوین از اعضای هیات متولفه و از زندانیان بدنام نظام سابق. وی بعد از انقلاب مغازه روسری و پارچه فروشی خود را بست و از مسئولان انقلاب شد تا جایی که وی را کاندیدای وزارت نمودند و قرار بود به بنی صدر به عنوان وزیر تحمیل کنند. او از بدنام ترین موجودات دستگاه ولایت فقیه بود که هزاران نفر را به قتل رساند.

به گفته بسیاری از مسئولان همین نظام وی شکنجه گری بسیار خشن و پلیید بود. به قول عباس امیر انتظام، او بر روی شکم زنان آبستن می دوید. به گفته خاتمی وی سرباز رشید اسلام بود. و به قول موسوی تبریزی، حجت الاسلام فهیم کرمانی را برای جلوگیری از خشونت های وی به زندان اوین فرستادند. او به دلیل شکنجه های بسیار کلیت نظام خمینی را زیر سؤال برد و مجبور شدند وی را از کار برکنار کنند. از میان حامیان اصلی وی در این جنایات، می توان از خامنه ای وهاشمی و سید احمد و رفیق دوست نام برد که همیشه حامی وی بودند. ناگفته نماند که بهشتی کسی بود که او را به خمینی معرفی کرد. او بعد از جنایات بیشمار در زندانها از سوی منتظری عزل شد. اما بار دیگر او را بر سر کار آوردند (توسط آیت الله محمد یزدی). این فرزند هیزم فروش که در بازار تهران به فروش روسری و دستمال اشتغال داشت، به دلیل حضور در هیات متولفه بعد از انقلاب به این کار گمارده شده بود و با تایید خمینی، زندانیان را شکنجه های سخت می داد و به شکنجه، عنوان «حد شرعی» می داد. او بعد از یک دوره دادستانی به ریاست سازمان زندانها رسید و تا زمان مرگ در ارتباط با زندانها بود.

سعید حجاریان در مورد چگونگی عمل اسدالله لاجوردی و اطلاعات دادستانی میگوید:

«... لاجوردی و برخی دیگر به برخورد قانونی و به بیانیه ۱۰ ماده ای دادستانی اصلاً اعتقاد نداشتند و معتقد بودند که باید برخورد قاطعی را با آن گروهها کرد و لازم نیست خیلی خودمان را به ضابطه و قانون ملزم کنیم. مثلاً در رابطه با ماجرای سعادتى دوستان رفته بودند صحبت کرده بودند که وی حفظ شود و نگه داشته شود... یک مرتبه خبر آوردند که آقای لاجوردی خودش

کار سعادتی را تمام کرده ... رجوی به این احتیاج داشت که لاجوردی بیشتر بچه های او را بزند تا او بیشتر بتواند نیرو جذب کند و کینه و نفرت آنها را به نظام افزایش دهد . لاجوردی هم به این احتیاج داشت که رجوی بیشتر ترور کند تا او بتواند مسئولان را توجیه کند که باید تا آخر خط رفت و نه تنها سازمان منافقین بلکه هر کسی که ذره ای دگر اندیشی دارد باید جارو شود، این یعنی سیکل معیوب و ما بشدت در آن زمان با آن مخالف بودیم...»  
(مصاحبه سعید حجاریان با عمادالدین باغی - صبح امروز )

**2-** حاج اسدالله بادامچیان از دوستان و یاران حلقه سرپرستی زندانها و از اعضای هیات متولفه اسلامی . او در بسیاری از جنایات در زندان و شکنجه و اعدام ها دخیل بوده است . این فرد مخوف و قصی القلب سالها ست که در سازماندهی ترور نیروهای وطن دوست و مبارز، شرکت دارد . او کسی بود که هنگام صدور دستور قتل سید احمد خمینی در کنار دیگر جنایتکاران بود و بعد از دستگیری سعید امامی برای آزادی وی تلاش بسیار کرد . گفته می شود که وی یکی از اعضای گروه جعلی فدائیان نواب بود که در جریان قتل های سیاسی - که رژیم بر آنها قتل های زنجیره ای نام نهاده است - شکل گرفته بود . در حال حاضر او بعد از سالها تلاش به نمایندگی مجلس شورای اسلامی رسیده است. فردی است سازمانده و طراح که مورد اعتماد باندهای اطلاعاتی و امنیتی در کشور از جمله خامنه ای است

**3-** حاج حبیب الله عسگر اولادی رییس هیات متولفه اسلامی و از افراد دخیل در سازمان زندانها . در ابتدای انقلاب، او در حمایت از اسدالله لاجوردی و سرکوب نیروهای مبارز همکاری های بسیاری را با نظام سرکوب و جنایت داشت و سالها در هیات منصفه دادگاههای ویژه مطبوعات موجبات تعطیلی نشریات را فراهم می آورد .

این عضو اطاق فکر رژیم ولایت فقیه و سازمانده جنایتها، سالهاست که با سوء استفاده از مبارزه ملت ایران، موقعیت یافته است و با تاسیس شرکت حساس به صادرات خشکبار ایران می پردازد و از قبل همین در آمدها است که خانواده او به یکی از سرمایه دارترین خانواده های ایران مبدل شده است . برادر وی با عنوان سلطان زیره جهان شناخته می شود . او و گروه او علاوه بر حضور در دادگاهها و سازمان زندانها و ترورها در بنیاد های مالی نیز حضوری فعال دارند . او سالها وزیر بازرگانی در ریاست جمهوری خامنه ای بود .

عسگر اولادی و دیگر یاران هیات متولفه در سالهای قبل از انقلاب مدتی را در زندان بودند و در برنامه سپاس شاه شرکت کردند و با «عفو ملوکانه» از زندان آزاد شدند . بعد از انقلاب، به دلیل به اصطلاح داشتن تجربه، در زندانها برای جلوگیری از شکنجه و ضرب و شتم زندانیان وارد این بخش از نهادها شدند و از همان زمان تا به حال، افراد این هیات در سازمان زندانها و دادستانی و مدیریت زندانها و ... شرکت دارند.

نام برخی از سپاس شاه گویان هیات متولفه که بعدها مسئول زندانها شدند: **1** - محمد مهدی ابراهیم عراقی از سران هیات متولفه و **2** - حبیب الله عسگر اولادی از سران هیات متولفه و از مسئولین زندانها و **3** - ابوالفضل حیدری از سران هیات متولفه و از اعضای باند اقتصادی مافیها و **4** - محمد باقر محی الدین انواری از روحانیون وابسته به هیات متولفه و **5** - یدالله اعتمادی از هیات متولفه و سازمان زندانها و **6** - عباس شهاب الدینی از هیات متولفه که گویا خیلی ها را لو داده بود . **7** - مهدی کروبی از اصلاح طلبان امروز و **8** - قدرت الله آقا علی خانی از اصلاح طلبان امروز.

**4** - سید مرتضی نبوی از اعضای فعال گروه هیات متولفه اسلام می و تشکل های همسو و جامعه اسلامی مهندسان و از جمله کسانی است که هم در مافیای قضایی عضو است از طریق لاجوردی در گذشته و سعید مرتضوی در حال حاضر و هم در مافیای حاکم بر رسانه های گروهی، از طریق روزنامه رسالت و نشریه شما، عضو است و هم با گروه ترور از طریق باد امچیان و هم با گروه سرکوب از طریق باهنر مرتبط است . علاوه بر این، او یکی از حامیان مالی گروه انصار حزب الله می باشد . وی در گذشته در ارتباط با گروههای قضایی و اعدامها بود .

پسر این مهندس در حال حاضر به همراه فرزندان ضرغامی و ... گروهی جهت حمایت از نظام تشکیل داده اند . وی علاوه بر حضور در جریانات سرکوب عضو

شورای تشخیص مصلحت نظام و صاحب امتیاز فصلنامه «راهبرد یاس و مدیرمسئول روزنامه رسالت می باشد .

**5** - حاج آقا لاجوردی، برادر اسدالله لاجوردی که از شغل بازرگانی و سر بازرگانی به ریاست دادگاه فرودگاه مهر آباد تهران رسید . او سالها در این مقام، اوامر دستگاه ولایت را بر دستگیری ها و سرکوب مبارزان به اجرا در می آورد .

دادگاه فرودگاه از جمله دادگاههایی است که هیات متلفه از طریق قوه قضاییه همچنان بر آن نظارت و کنترل دارد.

**6** - محمد رضا باهنر از جمله کادرهای منتسب به هیات متلفه و تشکل های همسو و جامعه اسلامی مهندسان است . او سالهای اول انقلاب را در میان بازرجویان و مسئولان دادستانی گذراند و بعده تغییر رویه داد و به بازوی سیاسی مافیها پیوست . او در حال حاضر در ارتباط با بازوهای ترور و سرکوب های خیابانی است . از جمله افرادی است که با خانواده به اداره کشور پرداخته است مانند هاشمی ثمره و برادرانش و زن برادرانش که حملگی خواهر زاده های باهنر هستند و باجناق های آنان یعنی زیربافان و مددی و دیگر فامیل ها مانند موسی پور - وزارت کشور - و دانش جعفری - وزارت اقتصاد و دارای - و خیر اندیش مسئول قراردادهای نفتی و معاون زنان وزارت کشور ... . محمد رضا باهنر در حال حاضر نماینده مجلس مافیها می باشد و از جمله حامیان احمدی نژاد محسوب می شود .

**7** - حاج آقا حسن شاهچراغی نماینده مجلس اول و دوم . او از نزدیکان آیت الله قدوسی و رییس دفتر دادستانی کل کشور بود . او سالها در جریان دستگیری و سرکوب نیروهای مبارز شرکت داشت . این روحانی شخصی پوش سالها تحت نظر قدوسی و بهشتی و مصباح در حوزه علمیه و مدرسه حقانی درس ترور و جنایت را می خواند . او اینک فوت کرده است.

**8** - حاج سعید مرتضوی از دادستانهای به نام که مسئول قتل زهرا کاظمی و دهها زندانی دیگر در زندان اوین می باشد . وی به دستور مستقیم میر حجازی از بیت رهبری در کلیه امور دخالت می کند و در دوران دادستانی علیزاده وی دستور توقیف دهها نشریه را صادر کرد . سعید مرتضوی از جمله افرادی است که مورد حمایت مرتضی نبوی میباشد و از سوی برخی از سران هیات متلفه نیز حمایت می شود .

**9** - حاج محمود سالارکیا از معاونین دادستانی در دوره سعید مرتضوی بود . وی سالها در یک خیاطی شاگرد بود و از شاگرد خیاطی گری به مقام قضائی رسید !

**10** - حاج حسن زارع دهنوی - قاضی حداد - فارغ التحصیل از دانشگاه بهشتی است. او از سال 60 از طریق لاجوردی به دادستانی پیوست و کار خود را با بازرگانی و شکنجه آغاز کرد.

او سالها در زندان اوین به سرکوب مبارزان پرداخت و احکام زیادی را صادر کرد و در سال 68 از کار برکنار شد .

دلیل اخراج وی فسادهای مالی و اخلاقی و رابطه با چند زندانی زن بود . او بعد از آن، در ستاد اموال امام خمینی به کار مشغول شد که در آنجا نیز به فساد مالی متهم شد .

او به دلیل تلاش بسیار در اختلاس و کارهای خلاف اخلاق، وارد دادگاه انقلاب شد و رییس شعبه 26 گردید تا با محکوم کردن مبارزان خوش رقصی خود را ثابت نماید

وی ابتدا به صدور حکم اعدام برای قاچاقچیان مشغول بود . تا زمانی که دانشجویان در 18 تیر تظاهرات کردند و پرونده آنها را به قاضی حداد دادند تا رسیدگی کند و الحق که نشان داد چه جرثومه فساد و جنایتی است . او برخی از دانشجویان را به حکم های سنگین و حتی اعدام محکوم کرد و سپس در سال ها بعد به محاکمه اکبر گنجی پرداخت و وی را به ناحق به زندان افکند .

سپس در سال 85 به دلیل قساوت به معاونت قاضی مشکوک الهویه یعنی سعید مرتضوی منصوب شد و به شدت با جریان اصلاح طلبی و حرکت دانشجویان برخورد نمود .



- 11 -** حاج آقا ابوالقاسم سرحدی زاده از وزرای رژیم ولایت فقیه و از مسئولین سازمان زندانها بود. در سال 67 که در زندانها کشتار بود، او در مقام هایی قرار داشت که او را از متصدیان کشتار می کرد. او به پاس خدماتش به پست وزارت نیز رسید.
- 12-** مصطفی تاج زاده از افراد مستقر در دادستانی که در بسیاری از دستگیری ها و شکنجه ها و بازجویی های مبارزان ایران دست داشته است. در حال حاضر، او اصلاح طلب است. او نیز مانند بسیاری از اصلاح طلبان با وجود دادن شعارهای اصلاح طلبی هرگز تن به اظه ار حقایق و نقش خود در سرکوبگریهای ایام کودتا و پس از آن، نداده است. به همین دلیل است که مورد اعتماد دانشجویان و مردم قرار نمی گیرد.
- 13 -** عباس عبدی در سال 67 از افراد زیر مجموعه دادستانی بود و با محمد موسوی خوئینی ها کار می کرد و بعد از آن در کنار پورنجات ی به بررسی اعمال می پرداخت.
- او هم اکنون اصلاح طلب شده است و خود مدتی در زندان گرفتار همان روشی شد که مسئول آن بود. او هنوز در مورد کارهای انجام شده آن روزها مهر سکوت بر لب زده است و سخنی نمی گوید. البته او از سال 60 به اطلاعات نخست وزیری رفت و آمد داشت و با سعید حجاریان و دیگران در رابطه اطلاعاتی بود.
- 14 -** نادری از جمله دادستانهای رژیم ولایت فقیه است که در اعدام های سال 67 در شهرستان کرج به شدت فعال بود و موجب اعدام بسیاری از زندانیان گشت.
- 15 -** محمد داوود آبادی - محمد مهر آیین - از مسئولان بند هفت زندان اوین و کسی که به قول لاجوردی ستون فقرات دادستانی بود. او بعدها به مقامات زیر رسید:
- نایب رئیس کمیته ملی المپیک، رئیس فدراسیون ورزشهای رزمی، رئیس فدراسیون جودو و رئیس فدراسیون جانبازان و معلولین، مسئول لجستیک وزارت سپاه.
- 16 -** محمد شریف زاده - معروف به محمدی - از مسئولین گروه ضربت دادستانی در زندان اوین و مسئول حفاظت دادستانی. او زمانی مسئول بند 209 بود و در دوره اصلاحات در واواک دارای مقامی بود.
- 17-** مرتضی اشراقی از جمله جنایتکارترین دادستانهای رژیم ولایت فقیه که در جریان کشتار سال 67 از سوی خمینی، «عارف» رژیم ولایت فقیه، دستور به کشتار زندانیان سیاسی را دریافت کرد و الحق که عرفان خمینی را به خوبی نمایان ساخت و موجب اعدام بیش از 5 هزار نفر از زندانیان گشت.
- 18-** اعتمادیان از افراد وابسته به هیات متولفه که سالها در امر اعدامها همکاری صادقانه با دادستانی انقلاب داشته است.
- 19-** عباس شیرازی عضو ارشد گروه ضربت دادستانی. از جمله افرادی بود که در سالهای جنایت، دست به هر کاری جهت تحکیم نظام می زد و در صدور و اجرای بسیاری از احکام اعدام دخیل بود.
- 20 -** کوشا دادستان دهه 60 در بندر انزلی که عامل صدور احکام اعدام مبارزان در آن شهر بود.
- 21 -** محسن سازگارا از فرماندهان سپاه و از مأموران امنیتی در سالهای اول انقلاب بود. او و بهزاد نبوی موجبات فراهم آوردن تا که اطلاعیه هشت ماده ای دادستانی تهیه و انتشار یابد. اطلاعیه هشت ماده ای دادستانی از جمله اطلاعیه هایی است که با استفاده از مواد آن، بسیاری از مبارزان دستگیر و به اعدام محکوم شدند. او بعدها اصلاح طلب شد و حتی کاندیدای ریاست جمهوری گشت. او مدتی در زندان گرفتار همان برنامه ای شد که خود او عامل آن بود و هم اکنون در امریکا در خدمت این قدرت و لابی اسرائیل است.
- او یکی از افرادی است که هنوز در باره کودتا در سال 60 و اعدام مبارزان در سالهای بعد از آن، سکوت گزیده است.
- 22-** احمد توکلی رییس مرکز پژوهشهای مجلس از دادیاران سابق دادگاه انقلاب و از جنایتکاران به نام است. او زنی را در حالی که آبستن بود به اعدام محکوم کرد و سالها در امر بازجویی و شکنجه از افراد بود و هم اینک نیز نماینده مجلس مافیها است.
- وی زمانی قرار بود به عنوان وزیرکار به بنی صدر تمیل شود. اما او با وزیرشدن او به دلایل زیر مخالفت کرد:

در زمان تصدی منصب قاضی شرع در دادگاه انقلاب بهشهر، با اجرای قصاص و قطع انگشتان و اعدام و شلاق و سنگسار چنان محیط رعب و وحشتی ایجاد کرده بود که کسی یارای دم زدن نداشت. او حتی کارگرانی را که در یک کارخانه در اعتراض صنفی به حقوق و مزایا دست به اعتصاب زده بودند بازداشت کرده و پس از شکنجه تحویل زندان داده بود. آوازه جنایت های او از مرزهای کشور فراتر رفته بود. چنانکه اوریانا فالاجی، روزنامه نگار ایتالیایی در مصاحبه با آقای خمینی نیز به رفتارهای توکلی اشاره کرده و ماجرای اعدام زن هیجده ساله آبستی که به خاطر زنا در بهشهر سنگسار شد را از او پرسیده بود.

احمد توکلی سالها با توجه به موقعیتی که در دوران سرکوب داشت به مقامات بالایی تا حد وزارت رسید او در دوران خاتی طی دستوری مبلغ یک میلیارد دلار ارز کشور را در یکی از کشورهای عربی تبدیل به ریال کرد و درصدی از آن را نصیب خود کرد.

**23-** درجه ای دادستان انقلاب اسلامی در شهر تبریز در دهه 60 که موجب سرکوب مردم در این شهر شد. وی در جریان دستگیری و سرکوب اعضای حزب خلق مسلمان و طرفداران آیت الله شریعتمداری بسیار هولناک عمل کرد.

**24-** مسرور از جمله دادیاران دادگاههای انقلاب و معاون دادستان بندر انزلی بود که بسیار سختگیر و خشن بود و در اعدام مبارزان فعال بود.

**25 -** ارجمندی معاون دادستان تهران و سرپرست اجرای احکام در تهران بود. او معاون سعید مرتضوی بوده است و شایع است که در جریان قتل زهرا کاظمی از جمله افراد دخیل در این جنایت بوده است.

**26-** باقری رییس دفتر دادگاه انقلاب اسلامی بود. وی بعدها از ریاست دفتر به مقاماتی از جمله دادیاری و عضویت در دادستانی رسید.

**27-** عرب دادیار زندان قزلخصار که در محاکمه و اعدام مبارزان فعال بود.

**28-** سید مجید ضیایی از بازجویان زندان اوین که به مقام دادیاری در اوین رسید. وی از نزدیکان آیت الله قدوسی (دادستان انقلاب) است که توسط شاهچراغی به دادستانی آمد و در اعتراف گیری از زندانیان بسیار فعال و پر تلاش بود.

**29-** حمید شریفی از مأموران سعید مرتضوی و از حلقه مؤسسه تنظیم و نشر آثار خمینی است. او در دادستانی نیز فعالیت دارد.

**30-** دزفولی دادیار زندان قزلخصار از جمله دادیارانی بود که در اعدام مبارزان بسیار کوشا بود.

**31-** ناصر احمدی از مسئولان و دادیاران زندان اوین و از دست اندرکاران اعدام جوانان بود.

**32-** ناصریان دادیار زندان اوین و از یاران لاجوردی او در کنار لاجوردی در اعدام مبارزان، رفتاری بسیار خشن داشت.

**33-** عباسی که ابتدا معاون دادیار ناصری بود و بعد خود دادیار شد. او نیز مانند بسیاری از مأموران دادستانی در کار اعدام مبارزان دخالت مستقیم داشت.

**34-** دادیار - سید مجید پور سیف - ابتدا منشی قاضی حداد بود و بعد دادیار شد و حالا در مجمع قضایی میرداماد مشغول به کار است.

**35-** حسنی از دادیاران زندان اوین که در جنایات بسیاری شرکت داشت.

**36-** ماشاالله احمد زاده دادیار شعبه ششم اجرای احکام که مانند دیگر دادیاران در صدور احکام شرکت داشت.

**37-** حاج آقا مجید قدوسی فرزند آیت الله قدوسی و از نزدیکیان شاهچراغی که در دادستانی بود او از سال 63 تا 65 مسئول آموزشگاه زندان اوین بود و بعد از آن دادیار شد و بعد از مدتی نیز مسئول گرفتن فیلم مصاحبه زندانیان گشت. او مدتی مسئول ورزشگاه آزادی بود.

در کنار وی دو نفر بودند که در کار با او همراه بودند این دو نفر عبارت بودند از:

**38-** قاسم کبیری که معاون مجید قدوسی بود و بعدها به معاونت رییس زندان رسید و در سال 67 در کشتار زندانیان در همان مقام بود و دیگری

**39-** حمید کریمی از بازجویان و شکنجه گران در سال 60 بود. او در سال 61 معاونت آموزشگاه را برعهده داشت و در سال 68 به مسولیت ورزش زندان

رسید و سپس مدیریت ورزشگاه اجدیه را عهده دار شد . او از افراد سپاه پاسداران بود .  
چقدر جالب است دو شکنجه گر جانی یکی مسئول ورزشگاه آزادی و دیگری اجدیه !

**40-** اتابکی دادستان انقلاب ارتش که عامل صدور احکام بسیاری علیه نظامیان مبارز بود .

**41-** معلمی رابط سپاه پاسداران و زندان عادل آباد شیراز است .

**42 -** محمد ناظمی اردکانی، وزیر پیشنهادی تعاون، اهل اردکان یزد و فوق لیسانس مدیریت و درحال حاضر دانشجوی مقطع دکتراست.  
سوابق کاری وی شامل همکاری با نیروهای نظامی و نمایندگی حاکم شرع دادگاه های انقلاب ارتش در غرب کشور و همکاری با دفتر سپاه پاسداران کردستان می شود.

**43 -** ناصر سراج رییس دادگاه کیفری استان تهران

**44 -** مستشار دادگاه انقلاب - راجی - از جمله جنایتکاران سالهای اخیر است

**45 -** بابایی مدیر دفتر اجرای احکام.

**46-** سید علی مرویان حسینی از اعضای برجسته دادستانی تهران و از یاران اسدالله لاجوردی که از سال 60 در کنار وی در دادستانی انقلاب تهران و مرکز بود . وی تا زمانی که لاجوردی در سازمان زندانها بود در کنار وی قرار داشت و در کلیه سرکوب ها در زندانها شریک جنایات لاجوردی بود .

**47-** حاج محمد علی امانی از خانواده سعید امامی و از وابستگان به هیات متولفه است. نزدیکی خانوادگی با حیدریان و قدیریان و نبوی دارد . او از

دوستان قدیمی لاجوردی بود که در سال 63 از سوی لاجوردی به مدیریت زندان اوین رسید و بعدها از سوی وی مسئولیت اجرایی دادستانی را عهده دار شد و در نهایت به معاونت سیاسی لاجوردی رسید و تا زمانی که لاجوردی در زندانها و سازمان زندانها بود در کنار وی قرار داشت .

وی لاجوردی را فردی بسیار دقیق آدم شناس و جریان شناس می دانست و او را بسیار حق مدار و عدالت خواه می خواند !.

**48 -** حاج احمد قدیریان از دوستان لاجوردی در بازار و از یاران وی در دادستانی بود . او که سالها با لاجوردی دوست بود در زمان ریاست وی در دادستانی به معاونت اجرایی وی رسید و در کنار وی بود تا زمان برکناری او از دادسرا . قدیریان از جمله افراد سرکوبگر و وابسته به هیات موت لفه اسلامی بود که در کار زندانها و دادستانی ها مشغول به کار بودند .

**49-** مهدی منتظری از بازجویانی بود که در امور دادستانی در کنار دیگر بازجویان و شکنجه گران قرار داشت . وی بعدها به امور امنیتی و اطلاعاتی وارد شد و به آن کار ادامه داد .

**50-** سید اسدالله جولایی از یاران لاجوردی که از زندان های مدرسه رفاه و علوی در کنار او بود . بعدها، با هم به زندان اوین رفتند و در کنار هم بودند تا زمانی که تحت نظر لاجوردی مسئولیت بازجویی از گروه فرقان را از سوی آیت الله قدوسی بر عهده گرفت . بعد از آن که در سال 59 از سوی قدوسی به دادستانی انقلاب معرفی شد نیز در کنار وی بود تا زمانی که از دادسرا بر کنار شد .

خاطره ای از جولایی در مورد «شفقت»! خمینی در روزنامه حمایت به تاریخ اول شهریور ماه سال 82 نقل شده است: «...یک شب برای لاجوردی محقق شده بود که منافقین قصد حمله به زندان اوین و آزاد سازی یک گروه از زندانیان را دارند . لاجوردی فرمودند که باید نظر حضرت امام را بدانند با آیت الله حمدی گیلانی به نزد امام رفتند و امام فرمودند آنها را اعدام کنید . آقای لاجوردی با خیال راحت آمدند و آماده بودند که اگر یک وقت آنها حمله کردند، دستورات لازم را بدهند .»

**51-** اکبر بیگلری دادستان کل استان همدان

**52-** بهزادی پور معاون دادگستری استان خوزستان

**53-** محمد حسین امی دادستان عمومی و انقلاب ورامین

**54 -** امیر خانی دادستان عمومی و انقلاب اهواز

**55-** علی اصغر شفیعی خورشیدی دادستان کرج

**56-** خداییان دادستان خرم آباد

**57-** غضنفری دادستان عمومی و انقلاب گرمسار

- 58- قربانی دادستان استان خراسان جنوبی
- 59- غلامحسین اسماعیلی دادستان استان خراسان رضوی
- 60- درخشان نیا قائم مقام آوایی
- 61- ابراهیم خانی سرپرست دادگاههای تجدید نظر استان تهران
- 62- کریمی رییس کل دادگاههای عمومی و انقلاب تهران
- 63- ماندگاری معاون قضایی دادستان عمومی و انقلاب تهران
- 64- مظفری مستشار دادگاه کیفری استان تهران
- 65- احمد شهاب - از اعضای هیات مؤتلفه اسلامی که در اوایل انقلاب در دادستانی مشغول به کار بود. وی در دوران اسدالله لاجوردی نماینده وی در سرکوب کارگران در شمال ایران بود.
- لازم به ذکر است که برخی از افراد مستقر در گروه دادستانی و بازجویی و مدیریت زندانها از بچه های هفت گروهی بودند که به نام کمک به انقلاب موجب سرقت انقلاب شدند. این هفت گروه به دو دلیل تشکیل شدند:
- دلیل اول ایجاد جبهه در برابر سازمان مجاهدین خلق بود. و
  - دلیل دوم کسب حمایت روحانیون بود. زیرا، با توجه به طرز فکر خمینی، می دانستند به زودی صاحب حاکمیت مطلق بر مردم خواهند شد.

### \* معرفی این هفت گروه از سوی الویری :

- «هفت گروه بودیم که در کمیته استقبال از امام شرکت داشتیم:
- 1- گروه بدر [که بچه های شهری و علی عسگری جزو آنها بود]
  - 2- گروه فلق [که بچه های خارج از کشور بودند از قبیل آقای حسن واعظی، مصطفی تاج زاده، آقای طیرانی و بهروز ماکویی]
  - 3- گروه منصورون [که اشخاص مهمش آقای محسن رضایی، شهید علم الهدی، عبدالله زاده و محمد باقر ذوالقدر ... بودند]
  - 4- گروه صف [که اشخاص شاخص آن عبارت بودند از محمد بروجردی، حسین صادقی، اکبر براتی و فردی به نام اباذر]
  - 5 - گروه امت واحده [که بچه های زندان بودند از قبیل بهزاد نبوی، محمد سلامتی و پرویز قدیانی]
  - 6 - گروه موحدین
  - 7 - گروه فلاح { محمدرضوی، حسن منتظر قائم، حسین شیخ عطار و دیگران که پیشتر ذکرشان کرده ام عضو آن بودند.}
- .... بدین ترتیب تصمیم گرفتیم گروههای هفتگانه فوق را در هم ادغام کرده و تشکیلاتی را جهت گسترش و تداوم انقلاب اسلامی سامان دهیم. شرط لازم برای عضویت در این تشکل، تبعیت و پذیرش قطعی ولایت فقیه و رهبری امام خمینی بود. پس از جلسات متعدد سرانجام نام سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی برای این تشکیلات برگزیده شد.» (مرتضی الویری. شانزدهم فروردین 58)

### \*رؤسا و مدیران زندانها:

- در این بخش نیز دیده می شود که برخی از روسای زندانها تا سال 60 در یک محل بوده اند و در سال 61 جابجا شده اند. البته تغییر و جابجایی رؤسای زندان ها بیشتر از سایر گروهها صورت می گیرد. به دلیل جلوگیری از شناسایی شدن آنها و نیز به دلیل تخلفاتی است که در شغل زندانبانی انجام داده اند. این جابجایی در سال 67، بعد از اعدامهای گسترده در زندان، نیز صورت گرفت.
- 1 - محمد کجویی از رؤسای زندانهای کشور بود. او رییس زندان اوین بود که ترور شد. او در زمان دادستانی اسدالله لاجوردی به این مقام رسید و از اعضای نزدیک به مؤتلفه اسلامی بود. در آن سالها زندانها و برخی از مناصب در دادستانی ها در اختیار افراد وابسته به این گروه بود. هر چند که هنوز سازمان زندانها در ارتباط با این گروه می باشد. بعد از مرگ وی، شوهر خواهرش در همین زندان به مقام رسید. او نیز در جای خود معرفی می شود.

- 2- حاج آقا شیخ محمد مغیثه ای - حاج اقا ناصریان - از بازجویان زندان اوین بود. از سال 64 به عنوان دادیار به زندان قزلخصار رفت و بعد دادیار زندان گوهر دشت شد.
- وی در جریان اعدام زندانیان در سال 67 رییس زندان بود و بعد از آن به بازپرسی دادگاه انقلاب در تهران رسید. او از کارکنان قوه قضاییه می باشد.
- 3- حاج داوود لشگری مدیر زندانهای ایران و گوهر دشت. وی از جمله افرادی است که در کشتار زندانیان سیاسی در سال 67 از مسئولان زندان گوهر دشت بوده است. بعدها گویا به دلیل فساد اخلاقی و مالی از کار برکنار شده است.
- 4- حاج آقا میثم از مدیران زندانهای کشور از اوایل انقلاب بدین سو بود. وی زمانی رییس زندان شیراز بود. در سال 1363 به زندان قزلخصار رفت و دو سال در آنجا بود و بعد به زندان اوین آمد رییس این زندان شد. او در سال 67 از دست اندرکاران کشتار زندانیان بود.
- 5 - حاج آقا حسین زاده از مدیران داخلی زندان اوین بود. او از سال 60 در اکثر شکنجه ها و فشارها و اعدام ها دخالت داشته است. در سال 67، او از جمله مسئولان اعدام ها بوده است. وی شوهر خواهر حاج محمد کچویی رییس مقتول زندان اوین بود. حسین زاده قبل از انقلاب زندانی بود و به آقای بیگناه معروف شده بود. او نیز در بازار تهران به کار اشتغال داشت.
- 6- حجت الاسلام شیخ حسین مرتضوی - حاجی زمانی - رییس زندان اوین در سال 67 به هنگام اعدام زندانیان سیاسی بود. او از افراد منتسب به واواک بود. حاج حسین قبل از زندان اوین از مدیران زندان گوهر دشت کرج بود و در سال 60 از مسئولان جنایت بعد از کودتا بود.
- 7- حاج داوود رحمانی - از روسای زندانهای ایران - رییس زندان قزلخصار. او نیز مانند بسیاری از مسئولان زندانها در اکثر اعدام ها و شکنجه ها و بازجویی ها شرکت داشت.
- 8- حاج محمد خاموشی از مدیران زندان قزلخصار. او معاون زندان بود و از بازجویان روانی ساز بود و بعدها در گمرک مهرآباد به مقام و منصب رسید. گمرکات و فرودگاهها از جمله مکانهایی هستند که به عنوان محل امن و آب و نان دار، برای مسئولان زندان در نظر گرفته شده اند.
- 9- حاج آقا پیشوا از مدیران زندان اوین بود. وی قبلا بازجو و سپس سر بازجو شده بود. او به دلیل سابقه در کار اعتراف گیری به پست های بالاتری رسید.
- 10- حاج آقا فروتن از مسئولان زندان های کشور. وی در سالهای 64 و بعد از آن به مدت کوتاهی سرپرستی زندانهای اوین و گوهر دشت را داشت.
- 11- حاج آقا جوهری فرد با نام مستعار حاج مهدوی از دوستان لاجوردی و از بازاریان تهران بود. او سالها مسئولیت زندان دادستانی را بر عهده داشت و در اعدامهای سال 67 شرکت داشت و بعد از آن به سرپرستی زندان قصر رسید.
- 12 - حاج مهدی مسئول و مدیر یکی از بخش های زندان اوین که از سال 60 به کار بازجویی مشغول بود و در جنایات آن زمان و نیز در جنایات سال 67 شرکت فعال داشت.
- 13 - حاج حمید عباسی از بازجویان زندان اوین و گوهر دشت بود. او سالهای بعد از کشتار سال 60 به دادپاری اوین رسید و در کشتار سال 67 بسیار فعال بود و بعد از آن نیز در اوین به شغل شریف دادپاری مشغول شد.
- 14 - حاج حمید تبریزی از مدیران داخلی زندان اوین و از بازجویان و شکنجه گران از سال 60 به بعد بود. او، در سال 67، در اعدامها بسیار فعال بود. او در سال 66 مسئول بخش آسایشگاه زندان اوین بود.
- 15 - اکبر کبیری ارانی - حاج فکور - از بازجویی کار خود را شروع کرد و در نهایت به ریاست زندان اوین رسید. وی بازجوی شعبه هفت زندان اوین بود.
- 16 - مصباح مدیر زندان رشت بعد از اعدامهای سال 67 او قبلا در اداره آگاهی مشغول به کار بود.

- 17 - احمدی - او از شغل دادیاری به ریاست زندان رسید و بعد به دلیل دزدی اخراج شد .
- 18 - دامیار رییس زندان رشت و بعد به ریاست سازمان زندانهای گیلان رسید . وی در زندانهای رشت و در جریان سرکوب ها و اعدام ها بسیار پرکار بود .
- 19 - ملاکی رییس زندان دشتستان
- 20 - اسداللهی از روسای با سابقه زندانها است . وی زمانی رییس زندان آمل بود .
- 21 - سود مند فرمانده یگان انتظامی زندان گوهر دشت
- 22 - علی محمدی از مدیران زندانهای کشور وی زمانی معاون زندان گوهر دشت بود .
- 23 - حاجی کاظم از روسای با سابقه زندانهای کشور وی زمانی رییس زندان گوهر دشت کرج بود .
- 24 - مرتضی بختیاری از روسای زندانها و رییس سازمان زندانها بود و در حال حاضر استاندار اصفهان می باشد . او قبلا در مشهد در معاونت عباسعلی علیزاده در زندان مشغول به کار بود .
- 25 - مرتضی تریزی از مسئولین زندان گوهر دشت.
- 26 - عبداللهی رییس زندان رشت از جمله روسای زندانی بود که زندانیان را بسیار آزار می داد .
- 27 - صبحی (مرتضی صالحی) از مهرماه سال ۶۱ رییس زندان گوهر دشت بود
- 28 - حاج آقا شکاری رییس بند جهاد در زندان گوهر دشت .
- 29 - موسی واعظی از مسئولان واواک تهران است و سرپرستی زندان را در سال ۶۸ به عهده گرفت.
- 30 - حاج آقا اصغر پور از روسای زندانهای ایران و زندان قزلخصار .
- 31 - حاج حسین موید عابدی از روسای زندانهای ایران بود . او رییس زندان انزلی است و از شغل بازجویی و سر بازجویی به این پست رسیده است .
- 32 - حاج اقا سلیمانی مسئول زندانهای مرکز در حال حاضر.
- 33 - حجت الاسلام سعادت رییس زندان گوهر دشت بعد از صبحی .
- 34 - زنجانی معاون داوود رحمانی رییس زندان قزلخصار
- 35 - قاسمی از بازجویی به معاونت بخش آموزشگاه رسید معروف به مهندس بود .
- 36 - محمد صادقی از مسئولان زندان اوین که زمانی معاونت آموزشگاه را بر عهده داشت .
- 37 - ملاکی رییس زندان دشتستان .
- 38 - حجت الاسلام ارغوان مدیر کل زندانهای استان بوشهر.
- 39 - حجت الاسلام فغانی مدیر کل زندانهای استان گیلان و نصیری جانشین او
- 40 - حجت الاسلام آذر مهر مدیر کل زندانهای استان سمنان
- 41 - حجت الاسلام احمدی مدیر کل زندانهای استان هرمزگان
- 42 - طوسی مدیر کل زندانهای استان کرمانشاه
- 43 - پستچی مدیر کل زندانهای استان خراسان شمالی
- 44 - غلامرضا خلف رضایی مدیر کل زندانهای استان مرکزی
- 45 - ولی نیا مدیر کل زندانهای استان یزد
- 46 - گلپایگانی مدیر کل زندانهای استان اصفهان
- 47 - ناصر جعفر قلی مدیر کل زندانهای استان فارس
- 48 - محمد علی محمدی مدیر کل زندانهای استان همدان
- 49 - مهربان مدیر کل زندانهای استان مرکزی
- 50 - علوی مدیر کل زندانهای استان خوزستان
- 51 - قطبی مدیر نمونه بسیجی استان و مدیر کل زندانها استان قم
- 52 - عرب مدیر کل زندانهای استان گلستان
- 53 - الوندی مدیر کل زندانهای استان گیلان
- 54 - علی پور معاون مدیر کل زندانهای استان لرستان
- 55 - مباحثی مدیر کل زندانهای استان لرستان
- 56 - سلیمان نصب مدیر کل زندانهای استان جنوبی
- 57 - امیری مدیر کل زندانهای استان کرمان

- 58- خامی زاده مدیر کل زندانهای استان آذربایجان شرقی
- 59- آقا پور مدیر کل زندان بابل
- 60- گرگانی مدیر کل زندان گنبد
- 61- حجت الاسلام شمس آبادی معاون فرهنگی زندانهای خراسان شمالی
- 62- ضیایی رییس کل آموزش منطقه هفت زندانهای کشور
- 63- عادل مسؤل روابط عمومی زندان جیرفت
- 64- سرهنگ بهروش فرمانده یگان حفاظت زندانها
- 65- ناصری مسؤل روابط عمومی زندانهای خراسان رضوی
- 66- صولت از مسؤلان زندانها که به استانداری رسید .
- 67- مرتضوی از مسؤلان زندانها که به استانداری رسید .
- 68- الوندی از مسؤلان زندانها که به استانداری رسید .
- 69- مظفری از مسؤلان زندانها که به استانداری رسید .
- 70- ثقفی دادیار ناظر زندان گرمسار
- 71- سرهنگ رضایی راد فرمانده حفاظت زندان های استان مرکزی
- 72- الوندی مدیر کل روابط عمومی سازمان زندانها
- 73- محمدی معاون قضایی سازمان زندانها
- 74- حجت الاسلام محمد جمشیدی
- 75- مصباح مدیر کل زندان انزلی
- 76- مراد فانی رییس زندان سنقر

## مافیای قضایی : شبکه مافیائی حجت الاسلام ها

«... فردای آنروز به گمانم دوشنبه بود و طبق روال هر دوشنبه در وزارتخانه ما شورای عالی وزارت داشتیم که از طرف ..... اتفاقا یا طبق هماهنگی (من اطلاعی ندارم) آمده بودند که در آنجا من و آقا مصطفی و سید صادق رفتیم و مشروح عملیات را شرح دادیم منتها طب یعنی بود که چون چند نیروی غیر وزارتی در آن جلسه بودند و ... هم آنجا بود که ما مواردی را ذکر نکردیم که عصر همانروز در جلسه ای که با حضور حاج آقا دری و حاج آقا فلاحیان در دفتر آقای حجازی تشکیل شده بود تمام موارد و حتی کشفیات از منزل را ذکر کردیم که آقای حجازی عنوان کردند موید باشید و برای مابقی کار آماده شوید.» (اعترافات سعید امامی)

### \* شبکه مافیائی «حجت الاسلام هائی» که قدرت آنها را حجت خشونت گرداند (دنباله):

- 61- حجت الاسلام ابراهیمی از جمله قضات جنایتکاری که سالها در زندان اوین در حکم قاضی و حاکم شرع احکام بسیاری را در مورد زندانیان و مبارزان صادر نمود .
- 62- آیت الله حسن مفیدی از حکام شرع دادگاههای انقلاب در دهه شصت که زمانی نیز در شورای عالی قضایی بود .
- 63- حجت الاسلام راوندی از جمله قضات و حکام شرع دادگاههای انقلاب و مستقر در زندان اوین که در دهه شصت احکام بسیاری را در مورد مبارزان صادر نمود .
- 64- حجت الاسلام عاملی از جمله حکام شرع دادگاههای نظامی و در بسیاری موارد در کنار دیگر حکام شرع در صدور احکام اعدام دخیل بود .
- 65- حجت الاسلام موجدی قمی از حکام شرع دادگاههای انقلاب در استان کرمانشاه بود که به تهران آمد و در صدور بسیاری از احکام شرکت داشت . گفته می شود که وی بعدها به عنوان نماینده امام به نیروی انتظامی رفت ولی در آن نیروی درگذشت.

- 66 - حجت الاسلام امید نجف آبادی از جمله حکام شرع معروف دادگاههای انقلاب بود که احکام اعدام بسیاری را در زندانهای اصفهان به اج را گذارد. وی بعدها به دلیل همکاری با سید مهدی هاشمی دستگیر و به اعدام محکوم شد.
- 67 - حجت الاسلام یکتا از جمله حکام شرعی که مورد تایید خمینی بود. وی سالها در مبارزه با مردم ایران شرکت داشت و احکام بسیاری را صادر نمود.
- 68- حجت الاسلام زرقندی از حکام شرع دادگاههای انقلاب مستقر در شهرستان کرج که در صدور احکام اعدام مبارزان تلاشی گسترده داشت.
- 69 - حجت الاسلام مظاهری حاکم شرع دادگاههای انقلاب در اصفهان بود. وی از جمله افرادی بود که بعد از انقلاب قرار بود توسط دادگاه ویژه روحانیت به دلیل همکاری با نظام سلطنت خلع لباس شود. او قبل از انقلاب دبیر دینی یکی از مدارس اصفهان بود و بعدا به دلیل نیاز دستگاه ولایت فقیه به جنایتکار، حاکم شرع شد و به عنوان حاکم شرع دادگاههای انقلاب احکام اعدام برای بسیاری از مبارزان صادر کرد. او هم اکنون در اصفهان به عنوان آیت الله مشغول خدمت به رژیم می باشد.
- 70 - حجت الاسلام رحمانی از حکام شرع دادگاههای انقلاب که بعدها به ریاست عقیدتی سیاسی نیروهای انتظامی رسید.
- 71- حجت الاسلام موحدی کرمانی از جمله قضات جنایتکار رژیم که دهها حکم اعدام از سوی وی برای مبارزان صادر گشت وی بعدها به عنوان نماینده رهبری در سپاه پاسداران مشغول به کار شد و سالها در این پست بود تا زمانی که به دلیل اختلافات سیاسی در جریان انتخاب رییس جمهوری تغییر کرد. فرزند وی به دلیل فروش اسناد و مدارک نظامی به نیروهای اطلاعاتی کشورهای غربی در فرودگاه یکی از شهرهای جنوبی دستگیر شد ولی بعدا آزاد شد.
- 72- حجت الاسلام کریمی از حکام شرع دادگاههای انقلاب در منطقه شمال کشور که در صدور احکام اعدام ها شرکت داشت.
- 73- حجت الاسلام وکیل زاد حاکم شرع بندر انزلی و بعدها به حاکمیت شرع کل استان گیلان رسید و در ثبات نظام استبدادی ولایت فقیه بسیار تلاش نمود.
- 74- حجت الاسلام خزاعی رییس دفتر و مسئول انتشارات واواکه در زمان علی فلاحیان که اخراج شد. وی قبل از آن مسئول واواکه قم بود. او نیز سوابق گسترده ای در صدور احکام سرکوب مردم دارد.
- 75 - حجت الاسلام شفیعی معاون واواکه در امور دانشجویی و معاون حفاظت این وزارتخانه بود. وی در جریان بازجویی از غلامرضا نقدی شرکت داشت و اطلاعات مربوط به جنایات او را به میر حجازی منتقل نمود. این حجت الاسلام نیز در جریان سرکوب و صدور احکام اعدام دخیل بود.
- 76- حجت الاسلام متقی رییس دادگاه انقلاب همدان و از جمله ب ازپرسان این دادگاه که در کار قضاوت در خدمت خشونت سامان مند است
- 77 - حجت الاسلام محمد رضا دهقان طرزجانی رییس دادگاههای انقلاب یزد که دارای سوابق گسترده در سرکوب مردم این استان است
- 78 - حجت الاسلام عباسعلی علیزاده از برجسته ترین و خنده آورترین مسئولان قوه قضائیه است. او سالها به جرم های اخلاقی و مالی و روانی دارای پرونده بود. ولی از آنجا که آنان مردم را واجد شعور و عقل نمی دانند برایشان مهم نبود که علیزاده را که در آن سوی کشور دارای پرونده های زیادی بود به تهران بیاورند تا با مرتضوی همکاری شود و مافیای بتواند در بسیاری از جنایات ها از ایشان استفاده کند. او بعد از ایجاد پرونده های جدید مفساد اخلاقی و مالی، این بار، جرم او جاسوسی برای کشور بیگانه شد و بدون سر و صدا از کار برکنار شد.
- این دادستان برجسته قوه قضائیه در گزارش وزارت اطلاعات اینگونه معرفی می شود: افشای يك سند وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی در زمان فلاحیان: با سلام حضور مردم ایران و رزمندگان راه آزادی سندی را که در این سایت افشا میگردد گزارش ارسالی مدیر کل اطلاعات خراسان در زمان تصدی پست وزارت اطلاعات بوسیله فلاحیان است و از اینکه اصل سند را به معرض دید نمیگذاریم دلایل امنیتی برای حفظ جان منابع ارسال کننده اطلاعات میباشد که مشخص نگردد که این سند از مرکز استان خراسان درز پیدا کرده یا مرکز تهران و از آنجا که مندرجات درون این سند حاکی از جنایات اقتصادی و اجتماعی بسیاری از سردمداران این رژیم است به رونوشت این سند کفایت میکنیم امیدواریم که انتشار این سند کمکی باشد به نجات مردم ایران از دست این



دژخیمان نزدیکان و همکاران ایشان در زیر مجموعه قضائی که در کلیه امورات با یکدیگر مشترکا فعال میباشند:

- 1- آقای سید حسن شریعتی معاون ایشان
  - 2- آقای علی اکبر یساقی معاون ایشان .
  - 3- سید مرتضی بختیاری قائم مقام دادگستری استان.
  - 4- محمد میلانی رئیس شعبه سه تجدید نظر استان خراسان.
  - 5- سید محمد صادق زاده طباطبائی رئیس دادگاه تجدید نظر استان.
  - 6- محمد سلامتی
  - 7- شهرام شجاعی .
  - 8- ناصر واعظ طبسی، فرزند طبسی نایب التولیه آستان قدس آرم جمهوری اسلامی. بسمه تعالی. ج.ا.ا.
- وزارت اطلاعات  
مرکز استان خراسان.  
با سلام و تحیات وافره.
- حسب الامر آن مرکز در مور د تحقیقات دامنه دار در خصوص مسائل و ارتباطات آقای عباسعلی علیزاده رئیس فعلی دادگستری این استان و پیگیری روابط نامطلوب نامبرده بصورت کاملا محرمانه این ستاد بابکار گری سه تیم کاملا مورد تائید بمدت 140 روز به نتایج زیر رسید
- 3- بسیاری از بومیان منطقه که در ذیل به آنها اشاره میگردد.  
موارد مورد خلف عباسعلی علی زاده عبارتند از :
    - 1- به مالکیت در آوردن مجتمع چهار طبقه در رضا شهر.
    - 2- به مالکیت در آوردن ساختمان دادگستری که بسیاری از مردم استان با پرداخت مبالغی منتظر دریافت سهم خود از این ملک بوده اند که با همکاری رئیس دادگاه تجدید نظر استان ، طباطبائی، پرونده را بنفع خود محتومه اعلام نمودند. بدین شکل که با عدم ایفاء تعهد، دعوی را مطرح نمودند و با تبانی به نفع آقایان موضوع بسرعت به ورطه محتومه کشیده شد .
    - 3- شرکت در پروژه ارسال گاز از طریق سرخس به کشور ترکمنستان که کلیه برنامه های اجرائی بوسیله این مرکز بصورت فیلمهای خری و مستند رو و پشت پرده خدمتتان ارسال میگردد. که متاسفانه در این گزارش مستند نقش جناب آقای طبسی مشهود میباشد.
    - 4- اداره نمودن خانه های فساد بوسیله اعضاء دادگستری و زیر نظر شخص آقای علیزاده که در این موارد هم عکس و فیلم خدمتتان ارسال میگردد. و متاسفانه در این مورد در رضا شهر در محلی از مراجعین زن و دختر به دادگستری استان استطلاع میگردد.
    - 5- ترانزیت 5 نوع مواد مخدر از طریق بروجند و تایباد به تهران بوسیله آقای ناصر واعظ طبسی که با عنوان خرید صابون از کارخانه سانا در آن مرکز مواد ارسالی از افغانستان تحویل گرفته میشود و به کارخانه خوشاب روانه میگردد و بعد از بسته بندی با تائید و مهر رسمی دادگستری به امضاء منتظری معاونت قضائی آقای علیزاده این مواد به تهران و آسیای میانه ترانزیت میگردد.
    - 6- دستور مستقیم آقایان طبسی بزرگ و آقای علیزاده در مورد ربایش تاجر خراسانی بنام شریفیان که از موفقترین تجار خراسانیست جهت رفع مشکلات در تقسیم اراضی موقوفی و تبدیل آن به قطعات کوچک و فروش آن در سطح استان به دلالت امور ملکی که تا بحال بیش از 4000 مورد شناسائی گردیده است. و در این خصوص، کلیه مدارک نشانگر این میباشد که این معاملات در استان آذربایجان بوقوع پیوسته است. و کلیه این امورات بوسیله آقای ناصر واعظ طبسی و شهرام شجاعی انجام میگردد.
    - 7- توضیح اینکه در خصوص مبالغی که بصورت ارزی از مجموعه این معاملات بدست می آید در حسابی در بانک جب الا علی در دوبي ذخیره میگردد که مستحضر حضور میباشد.
    - 8- محل تجمع و گفتگوهای خصوصی نامبردگان در منزلی که در حوالی زیست خاور بصورت ویلائی بزرگ میباشد انجام میپذیرد که بالغ بر 7 میلیارد ریال تخمین قیمت میگردد.
- کلیه موارد ذکر شده با مدارک و اسناد همراه و 36 حلقه فیلم ویدئویی و 97 ساعت نوار صوتی ضبطشده خدمتتان ارائه میگردد.  
امضاء . کیمیا قلم ذاکری.

## توضیحات

پس از تصدی کرسی قوه قضائیه بوسیله شاهرودی و انتقال علیزاده به تهران دوباره جناب علیزاده که از فئودالهای روحانی در ایران میباشند و از نزدیکترین نفرات به واعظ طبسی در خراسان، باز هم بدلیل ادامه فعالیتها مافیائی خودشان آقایانی همچون محمد اسلامی که قاضی خراسانیست به تهران انتقال دادند و ایشان را رئیس شعبه 1010 ویژه نموده اند و با خروج خیر آبادی و جانشین نمودن وکیلان و چند تن دیگر همچون جواهری و احمد میاجی و احمد شاهرودی باند مافیائی دیگری را تشکیل داده اند و جواهری را بعنوان ریاست تحقیقات و احمد میاجی را بعنوان رئیس گزینش قضات و احمد شاهرودی را بعنوان رئیس توسعه قضائی و آموزش و در کنار وی میر حجازی و دیگر ایادیش همچون هادی مروی و ابراهیم رئیسی که در قوه بازرسی کل کشور هستند دست در دست یک دیگر در ادامه چپاول و سرقت اموال و نوامیس مردم ایران فعال میباشند. توضیح دوم دلیل اصلی و بیمه بودن هاشمی رفسنجانی و شخص فلاحیان و اطرافیانسان تماما این گونه مدارک و اسنادیست که وزارت اطلاعات از تمامی سران روحانی و غیر روحانی بعناوین مختلف در دست دارد.

توضیح سوم. در مورد اسناد ساخته شده در مورد فروش املاک موقوفی خراسان و غیره، پروندهای را در استان آذربایجان با هماهنگی کامل براه انداخته اند که از اسناد و فیلمهای موجود در این زمینه و موارد دیگر که در وزارت اطلاعات بوده و بسیاری از آنها در دستان امن و افشاگر میباشد بیخبرند... با امید موفقیت مردم ایران در سرنگونی رژیم آخوندی... ذاکری

79- آیت الله عدلیب حاکم شرع دادگاههای انقلاب شیراز  
80- آیت الله زندی حاکم شرع دادگاههای انقلاب کرمانشاه و امام جمعه آن شهر. وی دهها حکم اعدام در سالهای اولیه انقلاب را در این استان صادر کرده است

- 81- محمدصادق نجمی از حکام شرع و مفتیان احکام شرعی
- 82- محمدفیض سرابی از حکام شرع دادگاههای انقلاب
- 83- محمدنقی پورمحمدی از حکام شرع دادگاههای انقلاب
- 84- سیدعلی اکبر قریشی از حکام شرع و امامان جمعه
- 85- سیداکبر قره باغی از حکام شرع و مسئولین قضایی
- 86- سیدرضی شکوری از مرتبطين قوه قضائیه
- 87- سیدابراهیم سیدحاتی از حکام شرع و مرتبط با قوه قضائیه
- 88- سیدحسن عاملی از حکام شرع دادگاههای انقلاب
- 89- سیدیوسف طباطبایی از مرتبطين قوه قضائیه
- 90- محمود عبداللهی - از حکام شرع دادگاههای انقلاب
- 91- سید ابوالحسن مهدوی از حکام شرع دادگاههای انقلاب
- 92- حسن آقا شریعتی کاشانی از حکام شرع دادگاههای انقلاب در نامه مربوط به علیزاده نام وی آمده است .
- 93- محمدنقی لطفی از حکام شرع دادگاههای انقلاب
- 94- سیدهاشم حسینی بوشهری از مرتبطين قوه قضائیه
- 95- اکبرهاشمی رفسنجانی - از مسئولین جنایت در کشور که پیرامون خیانتها و جنایتها و فسادهای او و خانواده اش، اطلاعات بسیاری انتشار یافته اند و پرونده های بسیار دیگر نیز تشکیل شده اند.
- 96- سیدحسن خرازی از حکام شرع و مسئولین صدور احکام شرعی مجازات اسلامی
- 97- رضا استادی از امامان جمعه و مرتبطين با قوه قضائیه
- 98- امامی کاشانی از امامان جمعه و توجیه گر جنایات و از سرمایه دار ترین افراد در کشور
- 99- غلامرضا رضوانی از مرتبطين با قوه قضائیه
- 100- سیدمحمدباقر اسدی خوانساری از حکام شرع
- 101- عبدالنبی نمازی از حکام شرع و توجیه کننده های اعدام ها
- 102- حسن روحانی از حکام شرع و رییس شورای امنیت ملی سابق
- 103- سیدرضاتقوی از حکام شرع و مسئولین تبلیغاتی وابسته به بیت رهبری
- 104- محسن کارزونی از حکام شرع دادگاههای انقلاب

- 105- محمدرضا ناصری از حکام شرع دادگاههای انقلاب
- 106- عباس واعظ طبسی سلطان خراسان از حکام شرع و بزرگان مافیا در بخش های قضایی - اقتصادی و...
- 107- سید احمدعلم الهدی - از حکام شرع و امامان جمعه مشهد
- 108- علی اصغر معصومی - از حکام شرع و مرتبط با وزارت اطلاعات
- 109- محمدرضا فاکر از حکام شرع دادگاههای انقلاب وی از جمله خشن ترین حکام شرع بود که در حال حاضر سالهاست که به عنوان نماینده مجلس در حال پاک کردن رد پای خود در جنایات دهه شصت می باشد وی در مجلس مسیولیت ریاست کمیسیون اصل نود را بر عهده دارد .
- 110- حبیب الله مهمان نواز از مرتبطين با قوه قضاييه
- 111- سيدمحمد علی موسوی جزایری از حکام شرع و امامان جمعه در خوزستان حضور وی در اعدام های سراسری در این استان در دهه شصت به وضوح دیده می شود .
- 112- سید علی شفیعی از حکام شرع و جنایتکاران به نام خوزستان وی نیز از سالهای اول انقلاب در راه حفظ نظام ولایت موجبات صدور دهها حکم اعدام جهت نظامیان و مبارزان را فراهم آورد .
- 113- عباس کعبی از حکام شرع و مرتبط با شورای نگهبان و قوه قضاییه . کعبی همان کسی است که در حضور جوادی آملی در حال گوش دادن به سخنان احمدی نژاد در مورد هاله نور بود . با وجود این، وجود چنین سخنانی را با وجود انتشار فیلم آن از سوی وب سایت بازتاب تکذیب کرد تا عدالت و راس تگویی این عضو شورای نگهبان به اثبات برسد که همه آنها از جمله دروغگویان کشور می باشند .
- 114- محسن حیدری از حکام شرع دادگاههای انقلاب
- 115- محمدتقی واعظی از مرتبطين با قوه قضاييه
- 116- سيدمحمد شاهچراغی از مرتبطين با قوه قضاييه و برادر شاهچراغی دادستانی دوران لاجوردی
- 117- عباسعلی سلیمانی از حکام شرع دادگاههای انقلاب
- 118- محمدصادق حائری شیرازی از امامان جمعه و حکام شرع شیراز
- 119- سیدعلی اصغر دستغیب از مرتبطين با قوه قضاييه و وابسته به دستغیب بزرگ که در بسیاری از جنایات شرکت داشت
- 120- احمد بهشتی از حکام شرع دادگاههای انقلاب
- 121- مهدی شب زنده دار از حکام شرع دادگاههای انقلاب و وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- 122- اسدالله ایمانی از حکام برجسته دادگاههای انقلاب در پرونده وی نیز می توان رد صدور دهها حکم اعدام مبارزان را مشاهده نمود .
- 123- هادی باریک بین از مرتبطين با قوه قضاييه در قزوین
- 124- علی اسلامی از مرتبطين با قوه قضاييه
- 125- محمدشامیان از حکام شرع دادگاههای انقلاب
- 126- حسن ممدوحی از وابستگان به قوه قضاییه
- 127- مختار امینیان از حکام شرع دادگاههای گیلان
- 128- آیت الله صدیقی از حکام شرع دادگاههای انقلاب در دهه شصت
- 129- آیت الله صافی از حکام شرع دادگاههای انقلاب
- 130- محمدعلی تسخیری از حکام شرع و وابستگان به قوه قضاییه و دیگر مافیها از جمله افرادی است که با خانواده در سالهای بعد از انقلاب تا به حال مشغول حیف و میل اموال مردم ایران هستند این خانواده عراقی علاوه بر حضور در قوه قضاییه در سازمان تبلیغات اسلامی و چاپ و انتشار کتاب به زبانهای عربی و صدور آن به کشورهای عربی و کسب سودهای سرشار از بابت این عمل ده ها میلیارد تومان در حساب های خود و برادران خود واریز نموده است . از نکات جالب در مورد این خانواده عراقی این است که برخی از این برادران حتی به زبان فارسی هم قادر به سخن گفتن نیستند و در جمع خصوصی خود به زبان عربی صحبت می کنند .
- 131- زین العابدین قربانی از مرتبطين با قوه قضاييه
- 132- سيدحسن طاهری خرم آبادی از حکام شرع دادگاههای انقلاب و مرتبطين با سپاه و قوه قضاییه

- 133- سیدمحمد نقی شاهرخی از امامان جمعه و وابستگان به قوه قضائیه
- 135- صادق لاریجانی از وابستگان به شورای نگهبان و قوه قضائیه
- 136- سید صابر جباری از مرتبیین به قوه قضائیه
- 137- نورالله طبرسی از حکام شرع دادگاههای انقلاب
- 138- ابوالفضل میرمحمدی از حکام شرع دادگاههای انقلاب
- 139- احمد محسنی گرکانی از مرتبیین به قوه قضائیه
- 140- احمد صابری همدانی از حکام شرع دادگاههای انقلاب در همدان
- 141- غیاثالدین محمدی از وابستگان به قوه قضائیه
- 142- غلامعلی نعیمآبادی از امامان جمعه و مرتبط با قوه قضائیه
- 143- محمد موسوی مجنوردی از مسئولان شورای عالی قضایی در دهه شصت . از قرار، با مافیای جور نبود و از خدمت این قوه خارج شد.
- 144- صدیقی از مسئولان شورای عالی قضایی در دهه شصت .
- 145- جوادی آملی از مسئولان شورای عالی قضایی در دهه شصت .
- 146- مفیدی از مسئولان قوه قضائیه و شورای عالی قضایی در دهه شصت وی حتی حکم اعدام برادر زاده خود را نیز صادر کرد .
- 147- سید محمد حسن موسوی شوشتری - از حکام شرع و اعضای شورای عالی قضایی در دهه شصت .
- 148-حجت الاسلام اکبر فیض رییس کل دادگستری استان آذربایجان غربی
- 149-حجت الاسلام احمد سیاوش پور رییس کل دادگستری استان فارس
- 150-حجت الاسلام احمد کیخسروی رییس کل دادگستری استان خراسان شمالی
- 151-حجت الاسلام الله یار ملکشاهی رییس کل دادگستری استان لرستان
- 152- حجت الاسلام جمال انصاری رییس کل دادگستری استان بوشهر
- 153- حجت الاسلام حسن شریعتی مدیر کل دادگستری استان خراسان رضوی
- 154- حجت الاسلام قاسمی رییس کل دادگستری استان قزوین
- 155- حجت الاسلام فخر آرا رییس کل دادگستری استان خراسان جنوبی - نیشابور
- 156-حجت الاسلام غلامرضا انصاری رییس کل دادگستری استان اصفهان
- 157- حجت الاسلام محمد رضا فولاد آملی رییس کل دادگستری استان مازندران
- 158-حجت الاسلام یکتا خدایی رییس کل دادگستری استان هرمزگان
- 159-حجت الاسلام اکبر الساران رییس کل دادگستری استان خوزستان
- 160-حجت الاسلام نور الدین صادقی رییس کل دادگستری استان کرمانشاه
- 161-حجت الاسلام توپسرکانی رییس کل دادگستری استان کرمان
- 162-حجت الاسلام طالبی رییس کل دادگستری استان مازندران
- 163- حجت الاسلام آقا زاده رییس کل دادگستری استان آذربایجان شرقی
- 164-حجت الاسلام علی عبدالله دادستان دادگاه ویژه روحانیت قم
- 165-حجت الاسلام حسین بهرامی دادستان دادگاه ویژه روحانیت قم
- 166-حجت الاسلام محمد مصدق معاون قضایی و حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح
- 167- حجت الاسلام عبداللهی قائم مقام دادستان خراسان شمالی
- 168-حجت الاسلام حمید رضا طباطبایی دادستان استان اصفهان
- 169-سید علیرضا آوایی رییس کل دادگستری استان تهران
- 170-عبدالعلی میر کوهی معاون پارلمانی وزیر دادگستری
- 171-حجت الاسلام منتظری معاون دادستان کل کشور
- 172-حمید چاوشی رییس سازمان قضایی نیروهای مسلح کرمانشاه
- 173- حمید رضا موحدی معاون حوزه ریاست قوه قضائیه
- 174 - محمد رضا سارچی قاضی دادگاه مطبوعات
- 175- ساعدی معاون مدیر کل دفتر امور بین المللی قوه قضائیه
- 176- رزاقی معاون نمایندگی بنگاه تعاون و حرفه آموزی و اشتغال زندانیان استان مازندران
- 177- یزدانیان مدیر کل قضایی نیروهای مسلح
- 178- منتظری معاون اول دادستان نظامی تهران
- 179- محمدی معاون قضایی سازمان زندانها
- 180 - درخشان نی قائم مقام آوایی
- 181-ابراهیم خانی سرپرست دادگاههای تجدید نظر استان تهران

- 182- کریمی رییس کل دادگاههای عمومی و انقلاب استان تهران
- 183- ماندگاری معاون قضایی دادستان عمومی و انقلاب تهران
- 184- مظفری مستشار دادگاه کیفری استان تهران
- 185- ناصر سراج رییس کیفری استان تهران
- 186- محسن مجتهد شبستری - از حکام شرع و امام جمعه تبریز
- 187 - نکونام از دادستانهای برجسته و از قضات نمونه دوران ولایت فقیه است . او در بسیاری از محاکمات روحانیون آزاده و مخالف نظام شرکت کرده و احکام ولایت پسندی را صادر نموده است . او مانند دیگر قضات جنایت کار از عنفوان جوانی در در کار جنایات و قتل ها و اعدام ها بوده است . او از دوستان نزدیک رازی و حسینیان و فلاحیان است . وی در صدور احکام اعدام در شهرهای شمالی کشور در سالهای شصت به بعد شرکت داشته است .
- 188- آیت الله ایزد پناه از قضات با سابقه در جنایت و از شاگردان مدرسه جنایت پرور حقانی است . این قاضی همانند دیگر قضات طرح کار خود را از سال شصت با دادن دهها حکم اعدام شروع کرده است . آنقدر در این کار تبحر از خود نشان داد که بعد از سالها حضور در قوه قضاییه به تازگی به معانت قوه رسیده است . این قاضی از یاران مقتدایی و ابراهیم ریسی است .
- 189 - آیت الله مشکینی از حکام شرع دادگاههای انقلاب در سال شصت به بعد بوده است . او امامت جمعه قم را در اختیار داشت . وی از اعضای رهبری در گروه ترورها بود . رئیس شورای خبرگان رهبری را بر عهده داشت و سال گذشته مرد . تخصص دی‌گر او ارتباط با امام زمان بود که در بسیاری از مقاطع که سوء استفاده از این نام برای گروهش لازم می شد، مانند خزعلی در خواب، با امام زمان، ارتباط برقرار می کرد .
- آیت الله مشکینی به همراه دامادش آیت الله ریشه‌ری از قدرت بی حدی در امر فتوی و خورد و برد مالی، برخوردار بودند . داماد او در خوردن و بردن همچنان بد طولی دارد . مشکینی بارها خمینی را بالاتر از پیامبران خدا معرفی کرده است و به دلیل همین عبودیتش در برابر خمینی بود که فتوای بسیاری را در مورد سرکوب ها از او می خواستند و او بی دریغ می داد . آیت الله مشکینی در نهایت بعد از سالها حفاظت از ولایت، دار فانی را وداع گفت و سرمایه ای بیکران برای فرزندان به جای گذاشت که از جمله می تواند به سری 80 واحدی ویلاهای یکی از فرزندان در شمشک رودبار قصران اشاره کرد .
- 190- حجت الاسلام سید حسن نواب از یاران مصباح یزدی و از جمله حکام شرع جوان ابتدای انقلاب که بعدها به مقام ریاست سازمان تبلیغات اسلامی تحت امر احمد جنتی رسید و در حال حاضر نیز در همین کار است .
- 191- حجت الاسلام زارعان از وابستگان به قوه قضاییه و مصباح یزدی
- 192- حجت الاسلام حائری زاده از وابستگان به قوه قضاییه و مصباح یزدی
- 193- حجت الاسلام محمد رضا موسوی فراز از باند خشونت طلب مصباحیه .
- 194- حجت الاسلام قطبی از باند خشونت طلب مصباحیه .
- 195- حجت الاسلام معصومی از باند خشونت طلب مصباحیه .
- 196- حجت الاسلام حقانی از باند خشونت طلب مصباحیه .
- 197- حجت الاسلام رهنما از باند خشونت طلب مصباحیه .
- 198- حجت الاسلام محمد حسین زاده از باند خشونت طلب مصباحیه .
- 199- حجت الاسلام عباسعلی شاملی از باند خشونت طلب مصباحیه .
- 200- حجت الاسلام علی اکبر مسعودی خمینی از باند خشونت طلب مصباحیه .
- 201- حجت الاسلام شیخ محمد حسین بهجتی انی از باند خشونت طلب مصباحیه .
- 202 - حجت الاسلام شیخ علی پهلوانی از باند خشونت طلب مصباحیه .
- 203- آیت الله میرزا حسین نوری همدانی از جمله حکام شرع دادگاههای انقلاب در اوایل انقلاب بود که بعدها به دلیل شرکت در جنایات نظام ولایت به مقام آیت العظمی رسید و در حال حاضر با دریافت سهمیه از بیت رهبری در حمایت از نظام ولایت مافیها بسیار پر تلاش عمل می نماید .
- 204- حجت الاسلام غلامرضا فیاضی از باند خشونت طلب مصباحیه .
- 205- حجت الاسلام محمود رجیبی از شاگردان برجسته گروه مصباحیه که مورد تایید ایشان است وی نیز مانند دیگر اعضای این باند در قوه قضاییه جایگاه خاصی

- دارد . او هم اینک از اعضای هیات ریسه جامعه مدرسین قم و یاور آیت الله محمد یزدی می باشد .
- 206-حجت الاسلام سید محمد غروی از روحانیون برجسته مکتب مصباحیه است و از معاونان مصباح یزدی در موسسه « امام خمینی » است. وی در ابتدای انقلاب از حکام شرع بود که «وظیفه» دستگیری و اعدام مبارزان را بر عهده داشت . 207- حجت الاسلام مجتبی آقا تهرانی معلم اخلاق حکومت احمدی نژاد و از شاگردان معروف مصباح یزدی است. وی رییس هیات فاطمیون قم است که رهبری حمله به مسجد دراویش در قم را بر عهده داشت .
- 208-حجت الاسلام حسین ایرانی از باند خشونت طلب مصباحیه .
- 209- حجت الاسلام حیدر علی ایوبی از باند خشونت طلب مصباحیه .
- 210- حجت الاسلام عبدالرسول عبودیت -از باند خشونت طلب مصباحیه .
- 211- حجت الاسلام محمد رضا طباطبایی مدیر جامعه الزهرا از یاران آیت الله محمد یزدی است که با ایجاد این جامعه و سوء استفاده از اموال کشور به سوی مافیایی شدن گام برداشته است . حمایت قوه قضاییه در زمان ریاست آیت الله یزدی از این جامعه موجب شد تا این باند بتواند ملیاردها تومان از اموال کشور را در اختیار بگیرد .
- 212- حجت الاسلام مویدی از باند خشونت طلب مصباحیه .
- 213- حجت الاسلام داراب کلایی از باند خشونت طلب مصباحیه .
- 214- حجت الاسلام احمد رهنمایی از باند خشونت طلب مصباحیه .
- 215- حجت الاسلام محمد فنایی از باند خشونت طلب مصباحیه .
- 216- آیت الله عزیز الله خوشوقت آیت الله خوشوقت از جمله حکام شرع و مفتیان قتل های زنجیره ای است که سالهاست در کنار آیت الله مصباح یزدی و آیت الله خامنه ای در کار جنایت با احکام شرعی ویا بدون محاکمه شرکت دارد .
- 217- حجت الاسلام مجید رشید پور از باند خشونت طلب مصباحیه .
- 218-حجت الاسلام سید ابراهیم خسروشاهی از باند خشونت طلب مصباحیه .
- 219-حجت الاسلام شیخ محمد علی واعظ از باند خشونت طلب مصباحیه .
- 220-حجت الاسلام سعادت پروراز باند خشونت طلب مصباحیه .
- 221 - حجت الاسلام عجمین از شاگردان مصباح
- 222-آیت الله راستی کاشانی از جمله آیات عظامی که در کنار خمینی و ق و ه قضاییه و سرپرستی نیروهای تندرو از جمله ذوالقدر و محسن رضایی و ... موجب انشعاب در سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و اغلال آن گشت. راستی کاشانی در ابتدای انقلاب از جمله حکام شرع دادگاههای انقلاب بود و در اعدام بسیاری از جوانان شرکت داشت .
- 223- آیت الله آذری قمی از جمله حکام شرع دادگاههای انقلاب در اوایل انقلاب بود که دهها حاکم شرع دادگاه های انقلاب بر اساس فتوای ایشان به حمایت از ولایت پرداخته و صدها نفر از جوانان این کشور را به اعدام محکوم کردند .
- 224-حسن شریعتی از حکام شرع دادگاههای انقلاب مشهد و معاون علیزاده در آن سالها .
- 225-علی اکبر یساقی از معاونین عباسعلی علیزاده در مشهد
- 226 - محمد میلانی رئیس شعبه سه تجدید نظر استان خراسان.
- 227- سید محمد صادق زاده طباطبائی رئیس دادگاه تجدید نظر استان .
- 228- ناصر واعظ طبسی از فرزندان واعظ بزرگ که در جنایات بسیار دخیل بوده است .
- 229- محمد واعظی از حکام شرع دادگاههای انقلاب ورییس شعبه ویژه 1010
- 230-جوهری از وابستگان بع قوه قضاییه رییس تحقیقات قضایی
- 231-احمد شاهرودی از وابستگان به قوه قضاییه مسئول توسعه قضایی
- 232-احمد میاچی از وابستگان به قوه قضاییه رییس گزینش
- 233- وکیلان از وابستگان به قوه قضاییه.

**\* اعضای «ستاد حقوق بشر اسلامی» از جنایتکاران بنام:**

در پایان این بخش بهتر دیدیم که اعضای ستاد حقوق بشر اسلامی ایران را معرفی نماییم تا بدانیم حقوق بشر در ایران را چه کسانی مدافع هستند .

- 1 - آیت الله محمود شاهرودی
- 2 - حجت الاسلام دری نجف آبادی
- 3 - حجت الاسلام علی رازینی
- 4 - حجت الاسلام مصطفی پور محمدی
- 5 - حجت الاسلام ابراهیم ریسی
- 6 - حجت الاسلام محسنی اژه ای
- 7 - حجت الاسلام جمال کریمی راد
- 8 - صفار هرندی
- 9 - منوچهر متکی

هرگاه می خواستند به انسانیت توهین کنند و دشمنی کینه توزانه خود را با حقوق ذاتی انسان ابراز کنند و جهل خویش را بر حقوق ذاتی خود نیز اظهار کنند، ستاد حقوق بشرشان، ترکیبی جز این ترکیب پیدا نمی کرد .

## \* معرفی برخی از دادگاههای نظام ولایت

### 1 - دادگاه انقلاب :

دادگاهی که در ا ابتدای انقلاب، به پیشنهاد دکتر ابراهیم یزدی، برای مبارزه با به اصطلاح ضد انقلاب و سران نظام گذشته به وجود آمد و قرار شد که بعد از محاکمه آنها، تعطیل شود. بنی صدر هشدار داد که دادگاه دائمی خواهد شد و آلت فعل قدرت طلبان. در مجلس خیرگان، پیشنهاد شد بر وجود آن، در قانون اساسی تصریح شود. بر اثر مخالفت شدید بنی صدر، گروهی از روحانیان نگران شدند مبدا روزی این دادگاه گریبان آنها را بگیرد. در نتیجه، پیشنهاد رأی نیامد. قرار بر اغلال آن بود. اما خمینی بهشتی را رئیس قوه قضائیه و موسوی اردبیلی را دادستان کل کرد و این دو بر قلمرو اختیارات دادگاه انقلاب نیز افزودند. قوه قضائیه سرکوبگر از ستون پایه های استبداد است، مخصوص وقتی می خواهد فراگیر شود. سران این دادگاه از جمله جنایتکار ترین نیروهای روحانی و آموزش دیده در مدارس جرم و جنایت و حوزه ها هستند. سالهاست که افرادی مانند مبشری - رهبر پور - پور محمدی - محمدی گلپایگانی - و... در این دادگاه به امور محاکمه نیروهای مردمی مشغولند. این دادگاه محل آموزش نیروهای حامی نظام ولایت فقیه می باشد و دادیاران بسیاری را آموزش جنایتکاری داده است.

### 2 - دادگاه ویژه روحانیت:

همانگونه که از نام وی استنباط می شود این دادگاه با روحانیونی سر و کار دارد که ارکان نظام ولایت را به خطر می اندازند. این دادگاه را خمینی تشکیل داد. اما جنبه قانونی پیدا نکرده بود. در دوره خاتمی، قانونی نیز شد. سالهاست که این دادگاه به دستور خمینی و پس از او، به دستور خامنه ای به کار محاکمه روحانیون مخالف مشغول است. این دادگاه نیز به طور چرخشی روسا و اعضای خود را تغییر می دهد. اما همواره در اختیار نمایندگان منتخب خامنه ای می باشد. در آغاز وجود آن را که مخالف قانون اساسی بود، اینطور توجیح کردند که جهت محاکمه روحانیون وابسته به نظام سلطنت از جمله آیت الله مظاهری در اصفهان و محدث در خوزستان و برخی روحانیون در تهران و روحانیونی است که مرتکب فساد و یا جنایت و یا خیانت می شوند. اما به تدریج کارکرد خود را تغییر داد و به کار محاکمه روحانیون مبارز و مخالف نظام پرداخت. از جمله می توان به پرونده سازی و محاکمه افرادی چون عبدالله نوری - محسن کدیور - میلانی - آیت الله شریعتمداری - سید مهدی هاشمی - آیت الله منتظری - موسوی خوئینی ها - بروجردی و... اشاره کرد. اخیرا رئیس این دادگاه طی نامه ای از رهبری خواست ه است که اتهامات مربوط به سرداران نیروهای سپاه پاسداران نیز در این دادگاه مورد بررسی قرار گیرد تا اطلاعات مربوط به آنها به خارج از دادگاه درز نکند.

کلیه اطلاعات مربوط به محاکمات در این دادگاههای قرون وسطایی حرمانه می باشد

### 3- دادگاه ویژه مطبوعات:

همانگونه که از نام این دادگاه بر میآید دادگاهی است مخصوص محاکمه مدیران مسئول نشریات و نویسندگان . در این دادگاه که قوهقضاییه بر اساس نیاز به مقابله با نشریات تشکیل می دهد ، قضاتی مشغول به کار هستند که بر اساس نیاز قوانینی را مشخص نموده اند و با آن قوانین خود ساخته به راحتی می توانند مطبوعات را به تعطیلی بکشانند .

• نام برخی از قضات و دبیرهای منصفه این دادگاهها :  
قاضی حسینیان - قاضی شهبازی فراهانی - قاضی مدیر خراسانی - قاضی سعدی و ...

اعضای هیات منصفه و قضات در مواقع مختلف از جمله ، روح الله حسینیان - حبیب الله عسکر اولادی - لطفی - کربوبی - و ... علی اکبر کسایان دبیر هیات منصفه دادگاه مطبوعات

برخی از جرم هایی که منجر به تعطیلی نشریات شده است .  
- «نشر مطالب خلاف واقع ( روزنامه نسیم صبا و ... )  
- اهانت به دین مبین اسلام ( روزنامه نسیم صبا و ... )  
- تبلیغ علیه نظام ( روزنامه نسیم صبا و ... )  
- انتشار تصاویر و عکسهای خلاف عفت عمومی ( روزنامه نسیم صبا و ... )  
- انتشار مطالب خلاف واقع در باره دستگاه قضایی  
- «اهانت به مسؤولان نظام جمهوری اسلامی  
- نشر مطالب خلاف واقع و تحریص و تشویق افراد به ارتکاب اعمال علیه امنیت کشور

- ایجاد اختلاف بین اقشار جامعه ( نشریه اقبال و ... )  
- تبلیغ علیه نظام - نشریه اقبال و ...  
- استفاده ابزاری از تصویر زن  
- ترویج مطالبی که به اساس جمهوری اسلامی لطمه وارد می کند  
- انتشار مطالبی دال بر «توهین به انبیای الهی- ماهنامه پنجشنبه و ...  
- درج شایعات و مطالب خلاف واقع ( نشریه مبین و ... )  
- نشر اکاذیب و افترا علیه سازمان قضایی نیروهای مسلح ( نشریه مبین و ... )  
- افترا علیه بسیج و برخی فرماندهان سپاه ( نشریه مبین و ... )  
- زیر سؤال بردن قوه قضاییه، مجلس و شورای نگهبان ( نشریه مبین و ... )  
- زیر سؤال بردن نظام جمهوری اسلامی ( نشریه مبین و ... )  
جرم های بالا توسط قضات دادگاههای ویژه مطبوعات خودسرانه تعریف شده اند. چنان شده است که هیچ نشریه ای جرات انتقاد از مقامات و نهادها و به خصوص قوه قضاییه و بسیج و سپاه و ... را ندارد .

• برخی از نشریات توقیف شده :

مجله زنان (پس از 16 سال فعالیت مستمر)، لغو مجوز ماهنامه دنیای تصویر (پس از 17 سال انتشار)، توقیف پیش از انتشار روزنامه آریا، لغو مجوز انتشار روزنامه جمهوری و روزنامه نسیم صبا - کرفتو - روزگار - ارمان - کارون - اقبال - ماهنامه عصر پنجشنبه ( بعد از نه سال انتشار ) - هفته نامه مبین - روزنامه آینده نو ( شاکی سردار یعقوبی) - روزنامه جمهوری ( به دستور یکی از مقامات ) صبح امروز - جامعه - عصر ما - پیام دانشجوی - یاس نو - مشارکت - و ...

### 4 - دیوان عدالت اداری:

کاربرد این دیوان بنا به قانون چنین است : به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مامورین یا واحدها یا آئین نامه های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی بنام دیوان عدالت اداری زیر نظر قوه قضائیه تاسیس می گردد ( اصل 173 قانون اساسی).

ارکان دیوان :

دیوان عدالت اداری دارای سه رکن است : شعب، هیات تجدید نظر و هیات عمومی:



- 1 - هر شعبه دیوان دارای دو عضو : یک رئیس و یک مشاور می باشد . مگر در موارد بند الف از ماده 11 قانون دیوان که دو مشاور لازم است...
- 2 - این دیوان یکی از محل هایی است که قضات جنایتکار برای دوران استراحت به آن محل می روند و از زیر پوشش خبری دور می شوند تا به قول معروف آب ها از آسیاب بیفتد . ریاست افرادی مانند موسوی تبریزی - ابراهیم رازینی - علی رازینی و دري نجف آبادی بر این دیوان، خود می گوید این دیوان در خدمت مافیاهای حاکم است.